

۲۵

بازرسی شد

۲۷ - ۲۶

۸۷۲۵-ن

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب هدیه الزائرین (تاریخ قاجاریه) - ۲۵۰

مؤلف میرهادی طهرانی

شماره ثبت کتاب

موضوع شماره قفسه ۱۲۰۴۵۵

۷۹۰۴۱

۱۱۶۵۰

بازدید شد

۱۳۸۴

خطی - فهرست شده

۱۲۴۶۵



کتابخانه ملی
۹۸۳۱

مظفر آباد
۴۶۵

Handwritten text in Arabic script, enclosed within a rectangular border. The text is arranged in several lines, with some words circled in red ink. The script is cursive and appears to be from a historical document.

Handwritten text in Arabic script, enclosed within a circular border. The text is cursive and appears to be a specific phrase or name.

Handwritten text in Arabic script, located in the upper right corner of the page. The text is cursive and appears to be a small note or signature.



هدیه الزائرین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله
الطاهرین ولعنة الله علی اعداء محمد وآله اجمعین الطیارین الطاهرین
اما بعد جموعه ایست مختصر در احوالات مکة معظمه و مشاهد مشرفة
مقدسه حضرت رسول و آله طاهرین صلوات الله و سلامه علیهم
اجمعین و تاریخ بناویر انبیای مسیحی و احوال مدینه طیبه و مشاهد
شریفه و سایر اماکن حجاز و مدینه و طایفه حجاز و
معمرین در هر عهد و بنیان هر یک از بناهای روزنات مقدسات
تصویر و تشریح اعتبار عالی و بنای آنها و سوانح وارده و غرایب

و نوادر مستقلة بهر یک که این خادم زائرین استمال آئین
اقل احجاج محمدی زائر طهرانی بقدر استعداد و قابلیت آنچه
دید و تحقیق نموده و از کتب معتبره مورخین جمع نموده که
دانستن آن از برای حاج و زائرین مطلوب و مرغوب است
برشته تحریر در آورده تا دلیلی از برای ایشان در هر کجا باشد
که انشاء الله این بنده درگاه راهبره از ثواب یارت ایشان
حاصل شود و هر کس از بهر خدمت ارمانی هدیه داد و زن
میان در اضطراب فاقه مورخه امید که انشاء الله تعالی
مقبول طبع آنها گردیده و در هر اماکن مقبره که این غمخوار
فراموش نفرماید **مقصود اول** در بنای کعبه و نصب حجر الاسود
اما بنای خانه کعبه که مفاد آن اول بیت وضع للناس است
از حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام است که در سال گیر از
و هشتصد و نود قبل از حضرت عیسی علیه نبیا و آله و علیه السلام

در هر دو فصل شرح شده است که در هر دو فصل شرح شده است

مکه

بوقوع پیوست و از روزیکه بنای خانه کعبه شده است تا کنون که
هزار و سیصد و بیست و یک باشد سه هزار و نهصد و شانزده سال
قمری می باشد که بنای خانه کعبه شده و هر سال که بنی آدم در زمین
دور کعبه طواف و حج می کنند اهل آسمان دور بیت المعمور طواف
مینمایند بیت المعمور در آسمان چهارم است مثل شمس قبله اهل
آسمان است همان قمر که ما وقت عبادت روی بطرف کعبه
میکنیم اهل آسمان روی بطرف بیت المعمور میکنند و بیت
المعمور محاذی ضراح و عرش است اگر فی المثل سنگی از
عرش بقیه پشت بام ضراح و از آنجا بر پشت بام بیت المعمور
و از آنجا بر پشت بام خانه کعبه قرار می گیرد و هر ساله خداوند
عالم قرار داده که سیصد هزار نفر حج کنند اگر عدد آن از
فرزندان آدم ناقص باشد از آنست که تحیل عدد میکنند
که خلف و عده نشده باشد و خانه کعبه را اول حضرت آدم

مکه

بنا کرد و وقتی که حضرت آدم در آن مکان نشسته بود حییل
قطعه ابری آورد بر سر آدم نگاه داشت و توبه باش قبول شد
پس بعد ازیکه آن آبرسایه نداشت مامور شد در آن
مکان خانه بسازد پس از وادی سلام و طور سینا و صفا
و ابوقتیس سنگها آورد و قواعد بیت را بلند نمود و بعد از
طوفان نوح خلیل الرحمن حضرت ابراهیم علی نبینا و
اله و علیه السلام بنای خانه کعبه نمود چون با جبرائیل را
از حضرت ابراهیم آورد ساره را رشت آمد پس حضرت
ابراهیم را آرام کرد تا با جبرائیل را از پیش او دور نماید
حضرت خلیل الرحمن حضرت اسماعیل و با جبرائیل مکه
آورد مادر و فرزند را بلطف خداوند سپرد و گذاشت در
زمین مکه مراجعت کرد با جبرائیل رفع عطش خود و پسر بر آن
کوهها میدوید و بهفت مرتبه کوه صفا و مروه رفت و باز آمد و از

این جهت هر دو له باین ساریت بر جاجیان واجب شد حضرت
اسماعیل علیه السلام می گریست پاشنه پا بر زمین بالید کا
از زیر پاشنه آنحضرت بقدرت کامله حق تعالی آب ظاهر
گردید چون ماجر از طلب آب بازگشت آب را مشامده نمود
قدری خاک بدو و آن آب پاشید گفت زمزم یعنی آبست
مرویت که اگر ماجر آن آب را بنمیکرد از همه رودها بزرگتر
میکشت باری چون آب زمزم در آن موضع پیدا شد
قوم جرهم آمدند آنجا مسکن گرفتند حضرت اسماعیل در میان
ایشان پرورش یافت و حضرت ابراهیم بعد از مدتی بشاره
جبریل از شام مکه آمد و بحال فرزند دلبد خود خورسند کرد
بعد از دیدن فرزند بعظیم حضرت روح الامین و بعد حضرت
اسماعیل از سنگ کوه قیام و سنگهای دیگر بای خانه کعبه
نمود ولیکن او را سقف نبود و سنگ حجر الاسود که در زمان

طوفان نوح در کوه ابوقیس بود یعت بود جبریل او را ظاهر
کرد و بابر ابراهیم داد در موضع معبود نهاد و در جاهلیت چاه
زمزم انباشته بود و کسی نمیدانست جناب عبدالمطلب
جد امجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید
نمود آهوان و زمین و اسلحه یافت قریش با او نزاع کردند
و تقضیل آن در کتب اخبار مسطور است و زمانیکه قریش
کعبه را بنامی کردند از درختانی که نجاشی پادشاه حبشه
کلیسای انطاکیه از راه دریا بشام فرستاده بود حق تعالی
آن کشتی را غرق ساخت آنچه بهار را بجده انداخت و
اهل مکه بر خست نجاشی آوردند و خانه کعبه را مسقف
کردند زمان عبدالله بن مرثد بنی امیه دیوار کعبه را بسنگ
مخنیق خراب کرده بودند از اعمارت نموده و خانه را دودار
ساخت و حجر الاسود را در اندرون خانه نشاند و گفت

چون رسول خدا فرموده که حجر الاسود از خانه کعبه است باید
 در اندرون خانه باشد و اینجا باید نشاند بعد حجاج بن یوسف
 وضع عمارت را باطل کرد و حجر الاسود را بیرون آورد چنانکه
 رسول خدا صلی الله علیه و آله نشاند بود جای داد و خانه را
 مثل صورت اول یکدست ساخت در بحار است چون خانه
 کعبه را حجاج خراب کرد خاک او را مردم بردند و تکیه گویا
 بنا کنند ماری بهم رسید مانع بود از بارفت به منبر چاره
 این کار را از مردم خواست شخصی از پایی منبر گفت که از
 علی بن الحسین علیهما السلام چاره این را باید سوال نمود حجاج
 از منبر فرود آمد خدمت حضرت رسید کیفیت را عرض
 نمود حضرت فرمود بر و بمنبر مگو بمردم که هر کس خاک کعبه را
 برده بجای خود بر گرداند حجاج رفت بمنبر گفت بمردم مردم
 قدر خاکی برده بودند بجای خود بر گردانیدند آنوقت خانه کعبه را

بنا کرد مرویست که حجر الاسود یکی از بزرگان ملائکه است
 که خداوند او را در کعبه مقیم نموده و ملازم مکه است مردم
 عوام گمان می کنند که سنگی سیاه میباشد که بنا را اینجا
 گذارده وقتی که خداوند عهد و میثاق میگرفت بجهت خدائی
 خود و نبوت محمد و ولایت علی علیه السلام اول کسی
 که اجابت کرد ملکی بود که حالا حجر الاسود از حضرت رسول
 مرویست که چون خدا بعلی عهد و میثاق از بندگان
 خود گرفت و امر فرمود حجر الاسود را که تا آخر و بر دپس
 از این جهت در نزد آن میگویند امانی آدیتها و میثاقی تعاهده
 و در وقتی که توبه دم قبول شد بخداوند سکایت کرد از
 تنهایی خداوند صورت ملک را تغییر داد و او را بصورت
 در سفیدی کرد از آسمان انداخت بروی زمین منهد پیش
 حضرت آدم علیه السلام آدم او را شناخت و او را در جبل

گرفت بوسید و تجدید عهد و میثاق کرد بر داشت بدوش خود
گرفت بجهت حرمت آن از سر اندیز بند آمد بکه هر وقت خسته
میشد جبرئیل او را بر میداشت چون بکه رسید ملائکه با مر خداوند
خانه کعبه را بنا کردند جبرئیل با دم گفت این دره بیضا را در کن
عراقی نصب کن و مقدار مسافتی که حاصله حرم است که
حجاج غسل می کنند وارد میشود اندر آن روشنائی میداد بکه
معصیت کاران او را مس کردند حال آنکه ش تغییر کرده حضرت
رسول در حین طواف بعایشه فرمود اگر دستهای بنجل اهل
جاهلیت مس حج نکرده بود هر مریض که دستش به حجر میرسد شفا
میافت بجز این آنکه فی ارضه منبر که دست راست خداوند است
و حجر الاسود در سینه نسیصد و هفتده هجری که قرامطه مکرم قتل
عام کردند حجر را کنند بر دند بکوفه در مسجد جامع در اسطوانه نهفتم
قرار دادند و تکیه میبردند چهل شتر بنجی در زیر بار او سقط شد

و در وقتی برگردانیدند بار کردند شش یک شتر لاغر آورد در
کمه در زیر بار او فریب شد در سینه نسیصد و سی و نه بکه معظه
او رفتند مدت بیست و دو سال در دست قرامطه بود
خلفای عباسی چجاه هزار دینار میدادند که حجر را بگیرند بجای
خودش نهند قرامطه راضی نمی شدند و تکیه قرامطه
میخواستند حجر را با اسطوانهای مسجد قرار دهند با اسطوانه اول و
دویم قرار گرفت تا با اسطوانه نهفتم قرار گرفت چنانکه حضرت
امیر المؤمنین از پیش این خبر را داده بودند و این حجر الاسود
جمع مردم را می شناسد و شان هر کس را میداند یکی از خواص
حجر الاسود هر کس او را استلام کند حاجت نشود دست بسوال
در از نکند مگر آنکه مخالف آن باشد و معترف بشان حجر الاسود
نباشد خاصیت دیگرش این است که چون معصوم است
غیر از معصوم هر کس او را نصب کند قرار نگیرد و چنانکه اول مرتبه

کلمه

حضرت آدم در کعبه نصب نمود و مرتبه دوم حضرت ابراهیم
علیه السلام حجر را نصب نمود و مرتبه سیم که سیل خانه کعبه را
خراب کرد قریش خانه کعبه را بنا کردند حضرت رسول خدا
حجر را نصب فرمود این حکایت قبل از بعثت پیغمبر صلی الله علیه
و اله بود قریش سحبه وضع حجر الاسود نزاع داشتند بعد از قتل
وقال بسیار گفتند از باب بنی سبه هر که داخل شد او کلمه
شود میان ما در این اثنا حضرت رسول خدا از آن در
داخل شد گفتند هر چه محمد این حکم کند راضی هستیم پیغمبر
ردای خمر را از دوش مبارک برداشت و آن ردای پهن کرد
و حجر را در میان ردای گذاشت و فرمود از هر قبیله قریش یک نفر
بیاید چهار نفر از صناید قریش آمدند اطراف عبا را گرفتند
بلند کردند پیغمبر حجر را برداشت در جایش نصب فرمود
مرتبه چهارم حجر الاسود را سید سحبه و علی بن ابی طالب نصب

نمود

کلمه

نمود و در زمانی که حجاج بن یوسف خانه کعبه را بر سر عبد الله
زبیر خراب کرد و او را کشت بعد خانه را تعمیر کرد از هر
صفی بزرگانش آمدند که حجر الاسود را در جایش قرار بدهند
قرار می گرفت تا آنکه حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله
علیه تشریف آورد بدست مبارک حجر را برداشت بوسید
در مکانش گذاشت مرتبه پنجم در زمان قرامطه حجر را از آنکه
برند بکوفه و شکستند و حجر را به فقهه قتمت نمودند ناخوشی در
میان قرامطه افتاد دوباره ریزه های آنرا که قتمت کرده بودند
جمع کردند بر دند بکه معظه این کیفیت در زمان غیبت کبری
بود که امام زمان غلج آنه فرجه تشریف آورد و حجر را نصب فرمود
در کتاب خراج از ابن قولویه نقل میکند که استاد شیخ مفید
گوید که در سال سیصد و سی و نه که قرامطه حجر الاسود را
بکه برگردانیدند غرم کردند بکه بروم بیستم آنس که حجر الاسود را

نصب میکند گشت چون در کتابها دیده بودم که بغیر انصوح
 هر کس حجر را نصب کند قرار میگیرد در بعد از بیمار شدم
 نتوانستم بکعبه بروم مردیکه او را این هشام میگفتند نایب قیم
 او را بکعبه فرستادم و رقعۀ نوشتم که آیا من درین مرض
 می میرم یا نه اگر چنانچه نمی میرم چند سال دیگر زندگ
 می کنم و باین هشام گفتم مقصود من این است که رقعۀ
 برسانی که سیکه حجر الاسود را نصب میکند جواب گیری
 این هشام کوید چون بکعبه رسیدم روزیکه میخواستند
 حجر را نصب کنند من قدری در اہم و دینار بخد آم
 کعبه دادم که مرا راه بدهند و یک نفر از خواجہ های حرم
 پول زیاد دادم پیش من نباشد که مردم مانع نشوند
 تا من واضح حجر را ببینم هر کس میآید از بزرگان معروف
 که حجر را در مقام خودش نصب کند قرار نمیگرفت تا گاه

دیدم در این اثنا جوان کندم کوفی خوش روئی آمد و
 حجر را گرفت در محل خود نهاد و قرار گرفت بطوری که گویا
 از اصل کندہ نشدہ بود صدا با بکبیر بلند شد اینجا آن
 از میان مردم بیرون رفت و من از عقب او میدیدم
 لکن او با وقار میرفت و من باو نمیرسیدم تا بگوچه خلوتی
 رسیدیم روی مبارک بمن نمود فرمود عریضہ کہ آورده
 بدہ بمن کاغذ را باو دادم عریضہ را بخواند فرمود بگو باین
 قولویہ کہ ازین مرض شفا خواہی یافت و بعد از سی سال
 خواہی مرد و از نظر من غایب شد و از خواص حجر الاسود
 دیگر این است کہ باب غرق نشود و باتش کرم نکردد
 و یکی دیگر از خواص حجر الاسود عزت او است کہ ہمہ کس
 او را میبوسد و او را احترام میکنند در خبر است اگر کسی مقابل
 حجر الاسود معصیت کند با آنکہ خداوند حلیم و صبور است و تعجیل

در عقوبت نمیکند مع هذا در عقوبت و تعیل میکند در
 عوالم بجا رنذ کور است سالی در مکه موسم حج زنی
 در دو رکعه طواف میکرد و از آن دستش را دراز کرد و استلام
 حجر کند چشم انرد بدستش افتاد شیطان ملعون و موسه
 کرد دستش را روی دست از آن گذاشت دست
 انرد بدست از آن چسبیده کم کم مردم مطلع شدند
 هر قدر سعی کردند از هم جدا نشدند و حاجه های حرم
 هر دورا بنزد امیر حاج بردند بعضی گفتند که باید دست
 مرد را برید امیر حاج پرسید که از آل رسول امسال
 کسی بمکه آمده گفتند آری در شب گذشته حضرت
 حسین ابن علی وارد شده انرد و زن را برداشته
 خدمت آنجناب بردند کیفیت را بعضی رسانیدند آن
 حضرت دعا کردند بعد از آن پیش آمدند و دست انرد را

گرفت و از دست از آن خلاص نمود امیر حاج عرض کرد
 یا بن رسول الله این مرد در چنین جایی حبارت نموده
 بتنبیه لازم است حضرت فرمود من از خدا خواسته ام
 که از او عفو کند پیش از این رسوا نشود و خداوند عفو کرد
 او را را بکنید و دیگر از خواص خانه کعبه این است که مرغی
 بالای آن خانه پرواز نتواند کرد و نتواند نشست حرمت
 خانه کعبه و سنگ حجر الاسود و احترام زمین مکه در اخبار
 بسیار وارد است در خبر است که ابرمه از من با شکر
 عظیم از جبهه خرابی خانه مکه آمده دوازده روز بخیر فیل همراه
 او رده بود از جمله فلی بود ستا محمود چون نزدیک مکه
 رسیدند فلیها را پیش میبردند فیل محمود مقدم بر همه بود
 چون بواوی محضر رسید فلیها استیادند آنچه کردند فلیها
 قدم از قدم برداشتند در این اثنا شکر الهی مرغهای ابابیل

پیداشد همه را بلاك كردند وادی محترمان شمرنی میباش
 و سیکه حجج بانجام میرسد شترانند بطریق تبروله میکردند
 مروی است که از جانب خدای تعالی بحضرت آدم امرد شد
 که هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف کند و در عوض هفت هزار
 سالیکه ملائکه دور عرش طواف کردند هر شوطی بعوض هزار سالیکه
 طواف ملائکه ثواب دارد در زمان جاهلیت مردم هر کس هر قدر
 دلش میخواست طواف میکرد و عدد معینی نداشت جناب
 عبدالمطلب جد رسول خدا قرار داد که مردم هفت مرتبه دور
 خانه کعبه طواف کنند و در زمان رسول خدا آن قرار لمطلب
 برقرار ماند در خبر است بعد از اینکه قح فزای اسمعیل را که جبرئیل
 از بهشت آورده بود حضرت ابراهیم از او بچ کرد و آن قوچ
 کشته را بر دراز گوش انداخت و در در که گوشت او را بر فزای
 کله تقسیم نمود و کله و شاخهایش را بخانه کعبه آویخت که بسیار

مردم در زمان جاهلیت آنرا دیدن عباس گوید دیدیم
 کله قوچ فزای اسماعیل را با شاخهایش بنا و دان خانه کعبه
 آویخته بود و خشک شده بود و کله بهما خالت باقی بود تا زمان
 عبدالله زبیر که پرده خانه کعبه آتش گرفت کله و شاخها ناپیدا
 شد پوست آن قوچ را جناب ابراهیم سفره کرد و مردم را
 روی او طعام میداد و آن سفره بود تا زمانیکه حضرت سید
 متولد شد و موسی را مادرش در صندوق گذاشت
 و در نیل انداخت آن سفره را بآن صندوق پیچید و در نیل
 که انداخت مفقود شد پس آن قوچ را با جبرشته جامه
 بافت که حضرت خلیل الرحمن پی پوشید و انجامه بخاتم
 انبیاء رسید و بحال در نزد حضرت قائم عجل الله فرجه است
 از روزیکه بنای خانه کعبه شده است انقدر اهرام و دما
 پدید آمده است و خون کوفته قربانی رنجیده شده است

که خدا میداند پس اول خود بانی کعبه حضرت خلیل الرحمن
پس خود اسمعیل را هدی کعبه نمود لکن خداوند قبول کرد و بعد از آن
از ابراهیم اول کسیکه بدنه هدی از برای کعبه آورد و الیاس
ابن مضر بود و این الیاس از اجداد خاتم انبیاء است و
پیغمبران و سلاطین نمون همه ساله ارسال هدی میکردند از آنجمله
سلیمان بن داود بود آنکه چند روز توقف کرد هر روز پنجاه
شتر شکر میکرد و سواي کاوه و کوسفه و مردم را خبر داد که پیغمبری
از عرب درین شهر مبعوث شود که خاتم پیغمبران خواهد بود تیغ
پادشاهین اول کافر بود جمعی را برداشت آورد آمد خواست تا خانه
کعبه را خراب کند و میانرا قتل کند چشمهایش از حد قبر بیرون افتاد
چون قصد خرابی خانه کعبه را از دل خود بیرون برد چشمش شفا
یافت بر کشت سجده بجات اول آنکه کعبه گماه ماند هر روز صد
شتر شکر میکرد و طعام می پخت باهل کعبه میخوراند و خانه کعبه را حرم

پوشانید و هیچ سال بقدر سال حجه الوداع شتر هدی بکعبه رفت
بجبهه آنکه پیغمبر مردم اعلام کرد که سال مردم بایستد
مناسک خود را از من یاد گیرند و در سال هفتاد هزار نفر پیغمبر
رج آمدند غالباً شتر هدی داشتند از برای ناصدا از آنجمله خود پیغمبر نبشت
شتر هدی از مدینه اشعار و تقلید کرد و سوق هدی نمود همراه خود بکعبه آورد
و حضرت امیر المؤمنین صلوات رقیه درین بود و ازین سی و چهار
شتر هدی کعبه کرد و با خود آورد و پیغمبر طاعت شد یوم عید ایما مبارکه
نازل شد فضل لربک و انحر علامه مجلسی در بحار نقل کرده که پیغمبر
در حجه الوداع صد شتر هدی سوق کرده بکعبه آورد چون حضرت امیر
ازین شتر هدی با خود نیامده بود سی و چهار شتر هدی بجبهه حضرت
امیر سوار داد مجموع صد شتر را پیغمبر بدست مبارک خود شکر کرد
هدی خود و هدی امیر المؤمنین را که امیر بر اصحاب فخر نمود که گنیت
مثل من و حال آنکه نقد نفس من با پیغمبر است و داشت که پیغمبر

شرفای قربانی مرا عوض من بدست مبارک خود من نخر نمود و از آن
 زمان تا اکنون معین است که هر سال موسم حج چه قدر خون
 در منی ریخته میشود که کسی از عهده حساب و بر نمی آید یا حاصل اخبار
 در احوالات مکه و در ضیلت خانه کعبه و شرافت زمین مکه در کتب
 علماء مبسوط و مکه جانی است که مکرر نزول وحی در آنجا شده چنانکه
 و بلکه در آنجا آمد و شد نموده و بخدمت رسول اعظم رسیده اند
 و سابق برین منزل خلیل رب جلیل بوده با وجودیکه بیت المقدس قبله
 اهل کتاب بوده و حضرت خاتم انبیاء متی بدن سمت نماز میکرد
 در سنه دو یا سه هجری در بین صلوٰه عصر با امر الهی توجبه گنجت
 کعبه آورده و از بناهای حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام
 میباشد بشرافت خانه کعبه و زمین مکه نمی باشد در کتب مورخان
 مسطور است از رزه البرز که بلاد فلسطین و بیت المقدس
 و شام است بمقتاد هزار پیغمبر مدفون است که از آن جمله

حضرت داود و حضرت سلیمان در بیت المقدس و حضرت ابراهیم
 و ساره و اسحق و یوسف و حضرت موسی و عزیر و یوشع و حضرت
 یعقوب و یوسف پیغمبر حبیب بخار که در قدس خلیل و آن اطراف
 مدفونند و مکان های شریف دیگر مثل کوه زیت که مریم مادر عیسی
 در آنجا مدفون است صخره صفا و مقام انبیاء اندامیر و شرف
 خانه کعبه و زمین مکه بلکه زمین مکه معظمه سرزمینی است که پیوسته شهر لک
 خلیل و انبیاء از آدم تا خاتم و همیشه مهبط وحی و محل نزول کربا بوده
 و در آنجا سید انبیاء و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا امواتند
 گشته جای مولود اگر نبود آنجا نبی حاجی و زیاتیه
 طواف خانه کعبه از آنست بر همه واجب که در آنجا وجود اید علی ^{سماط} این
 چنانکه در زیارت حضرت امیر در روز مولود
 حضرت خاتم انبیاء میخوانی السلام علیک یا من
 شرف به مکه و منی و السلام علیک یا من ولده

مکه

فی الکعبة پو خوش کوی ریاضی بنیاد کعبه
 کرد ز رویش خلیل خال مطبوع طبع هم عجم افتاد
 هم عرب القصه مقصود عمارات ظاهری و بنای
 و مواضع تبرکه ان است و اما مکه معظمه زاد الله
 شرفا در عرض بیت و یک درجه سی و سه دقیقه شمال
 و در طول چهل درجه ده دقیقه شرقی و جمعیت مکه
 معظمه درین سنوات تقریباً چهل هزار نفر میباشد
 و اصل مکه و خانها بدرازی تنکه و فاصله کوه ابویس
 و جبل دکر واقع شده و بهین واسطه از سیلاب
 ایمن نیست چنانکه یک وقتی سیل آمد سبب حرا
 بیت مبارک شد و بعد در وادی عشر کفر که
 میان جبل نور و شهر مکه معظمه است سلطان
 سلیمان عثمانی سدّی عظیم ساخته که آب سیل را

مکه

از مکه بر کردانیده است و طول السد تقریباً
 پانصد شصت ذراع میشود اما بنای مسجد الحرام
 و خانه کعبه فی الجمله این است مسجد الحرام را بنی امیه
 بزرگ کرده اند و تعمیرات مسجد الحرام از خلفاء عباس
 و از سلاطین عثمانی و چرا که مصر می باشد و اسم
 آنها بزرگ کننده در میان خانه و اطراف خانه
 نصب کرده اند از چرا که مصر اول ملک الاسلام
 در سنه ۸۵۰ هجری بمقتصد و بیت و شش تعمیر نموده
 الاسلام فی اینال ناصری در سنه ۸۵۰ هجری بمقتصد و بخا
 هشت تجدید انجام اقدام نموده و خادم الحرمین
 قاتیبای در سنه ۸۸۰ هجری بمقتصد و ششاد و چهار تعمیر
 کرده است ملک الکامل قانصوه غوری در سنه ۹۰۵
 بمقتصد و پانزده تعمیر نموده قانصوه آخر سلاطین

چرا که مصر می باشد سلطان محمد خان عثمانی
 هم بعد تعمیرات نموده و درین سنوات خادم
 الحرمین سلطان عثمانی سلطان عبد الحمید خان
 بر سا که که لزوم بهم رسانید تعمیر میکند و مسجد احرام
 سی و نه در دارد و در سمت باب الزیاره
 که غربی خانه است هفت در دارد و در سمت
 باب ابراهیم که جنوبی خانه کعبه است چهار
 در است و در سمت باب الصفا که شرقی خانه
 کعبه است بنفده در است و در سمت باب
 السلام که شمالی بیت مبارک است یازده
 در است و طول مسجد احرام از شمال جنوب است
 که مشتمل بر سی و شش طاق است که دهنه
 هر طاق چهار رزغ و نیم است که مجموع آن یکصد

شصت رزغ میشود عرض مسجد احرام بر طول
 خانه کعبه اتفاق افتاده است که از مشرق
 مغرب است مشتمل بر بیست و چهار طاق که دهنه
 هر طاقی چهار رزغ و نیم میشود که مجموع آن صد و
 بیست رزغ است و چهار طرف شبستان
 که عرض شبستانها از همه طرف سیزده رزغ
 است که حیث المآله باستانی شبستانها رزغ اندر
 رزغ بنفده هزار و دویست و شصت و شصت
 با شبستانها بیست و چهار و نه رزغ میشود
 مجموع سلیهای سنگی که طاقها را بر بالای آنها
 بنا نموده اند پانصد است و از جمله آن پانصد
 میل یکصد و بیست و پنج است که کوچک است
 که مثل اجزایش بر بالای هم نموده اند کار کرده اند

و در کرسی صد و بنفاد و پنج میل آن یکا چه
 که از سنگ سفید است و بلندی هر یک
 تخمیناً سه رزغ و نیم است و قطر هر یک نیم
 رزغ میشود اما اصل خانه کعبه که در وسط مسجد
 احرام واقعست و کعبه بدین اسم موسوم شده
 از آنکه در وسط دنیا است بآنکه مربع است
 مقابل بیت المعمور در آسمان چهارم و عرش
 نیز مربع است و کعبه را چهار رکن است رکن
 عراقی رکن شامی رکن یمنی رکن مغربی
 که سنگ حجر نصب است رکن حجر محادی
 رکن عراقی است از یکسبت و باندازه شش
 و حبیب بلند است از زمین از حجر الاسود تا
 رکن یمنی که بر طول مسجد احرام است عرض خانه

حساب میشود ده رزغ است و از رکن
 یمنی تا رکن شامی که عرض مسجد و طول حاجت
 دوازده رزغ است و حجر الاسود در رکن شرقی
 جنوبی واقع است که شکسته اند بنفاد قطعه
 چسبانیده اند بنفاد گرفته اند رکن یمنی در غربی
 جنوبی رکن عراقی مابین مشرق شمال رکن شامی
 در مقابل حجر الاسود در غرب شمالی و بابت
 مابین رکن حجر الاسود و رکن عراقی که حجر الاسود
 نزدیکتر است و از زمین باندازه دو رزغ بلند
 که تپه میکند داخل بیت مبارک میشوند چهار
 حلقه از نفقه دارد میزاب رحمت که مردم ناودان
 طلا میکنند مابین رکن عراقی و رکن شامی است
 و در زیر او در برده سپاه که جا کعبه است

کعبه

سلاطین است با مقتول و ورزی رز و نقش
میکنند و در هر سال جامه کعبه با عوض بنمایند
و حجر اسماعیل در زیر میز آب رحمت است
که آب نالدان طلبا بحجر اسماعیل میریزد و اما حجر
اسماعیل دیوار می است کوتاهست در مانند
نصف دایره و طول آن عرض کعبه است و مقد
بفتاد پیغمبر حبیب القدر است با حجر و اسماعیل را
در آن محل مکاتبات بسیار است مستجار با این
رکن یمن و رکن شمالی است که مقابل در خانه
کعبه است که متصل بر رکن یمنی است مستجار
بدین حبه گویند که انبیاء درین محل استجاره میکردند
و دعای ایشان مستجاب میشد حاجت مندانشان
در آنجا دعا میکنند حطیم بن حجر الاسود و باب

کعبه

خانه کعبه است که حضرت ابراهیم و اسماعیل کل
از حبه خانه کعبه درین موضع میساختند با حطیم
می نامند از آنکه از دام حاج مردم بهم میخوردند
یکدیگر را خورده میکردند حطیم بمعنی خور و گردن
افضل بقاع ارض است آن محل شاد و آن
و آن عبارت از سکوی بارگشت که متصل
بخانه و اطراف آن واقع است از سطح حرم تقریباً
یتم رزق ارتفاع دارد با اختلاف بعضی مواضع و عرض
آن یکو جب و آنهم با اختلاف و جزو خانه است
در حال طواف بر آن سکودست بناید بگذرانند
در پشت بام خانه کعبه از میان بیت مبارک
و طرف رکن عراقی است و در روی بام قدسی
گوداست یعنی دیوار اطراف او بند است از

قبرستان ابوطالب



که

بیشد عمق چاه از قرقره که آب میکشند تا روی
 آب چارده زرع است که سه زرع از قرقره کف
 زمین میشود و روی چاه را طاق زده اند و اطراف
 چاه را از مرمر بالا آورده اند قطر چاه تخمیناً دو زرع
 نیم میشود و در وقت تعمیرات مسجد الحرام چهار
 سقف و کلدسته جای مؤذن و بکبرستان اند
 بجهت نماز شافعی حنفی مالکی حنبلی در وقت نماز
 هر یک بیک سمت رو بروی کعبه امام جماعت
 می ایستند نماز شافعی بین رکن عراقی و رکن
 حجر حنفی بین رکن عراقی و رکن شامی مالکی بین
 رکن شامی و رکن یمانی حنبلی بین رکن یمانی و حجر
 القصه کوه صفا در شرقی خانه در دامن کوه ابوطالب
 و کوه مرویه یمن این شمال و مشرق خانه خداست

که

و فاصله میان کوه صفا و مروه سیصد و چهارده
زرعت لفظ کوه نمیتوان بصفا و مروه اطلاق کرد
از شعبه های کوه ابوقیس و کوههای دیگر است کوه
ابوقیس در شرقی مایل بجنوب بیت الله است و بالای
کوه دو مقام است یک مسجد است که شوق تعمیر آنجا شده
و مسجد دیگر را میگویند بلال در آنجا اذان گفته و خبر است
در وقتی که خاتم انبیاء قمر را با مر خدا شوق نمود و دو نیم
شد یک نیمه بالای کوه صفا ایستاد و یک نیمه بالا
کوه مروه و منی قریب یکله است و در طرف شرق
مایل بجنوب که است و منی مابین دو کوه واقع شده
و مسجد خیف و سیلهای جهات که حاج برکشتن از
عرفات و شعر سنگ ریزه بان میلهها میزنند
و مذبح قربانی در منی میباشد و مسجد خیف را اول

قاری

که

قایمائی در سنه ۸۹۴ هجری قمری و نو در چهار ساخته و بعد
سلطان احمد خان ابن سلطان محمد خان ثالث
در سنه ۱۲۵۰ هجری و بیست و پنج تعمیر نموده و در میان
صحی کسبیدی است که اطراف آن باز است
و محراب هم دارد معلوم میشود که جای حضرت رسالت
انجا بوده و مسجد آن است که قایمائی ساخته است
و عرض مسجد چهارستون است و طول مسجد
یکستون است طول صحی مسجد ششاد و یکزرع است
و عرض من مسجد یکساعت است و از منی تا مشعر الحرام یکساعت راه است و مشعر
الحرام جائیست که حاج برکشتن از عرفات شب
عید را آنجا بیتیوته میکنند و سنگ ریزه را از برای
جبه زدن از کوهی که در آن موضع است جمع
میکند و از مشعر الحرام تا عرفات دو ساعت

مکه

راست و عرفات هم در شرق مایل جنوب می‌باشد
 و آب عرفات را زبیده زن هرون الرشید از
 طایف آورده یعنی قنات کنده و آنخی خیرات
 عظیمی است که از کوپستان طایف تا انجا اب
 آورده و اکنون اب که معطر همان است که بقاصد
 رزق و سه رزق در زیر زمین جاریست و در عرفات
 مسجدیست به مسجد ابراهیم معروف است و آن مسجد
 در طرف ایمن واقع شده جبل الرحمة همان جبل عرفات
 است که حضرت ادم حواری انجا شناخت و عرفات چنانست
 که حجاج از خطرنا غروب آفتاب روز عرفه در انجا وقوف
 میکنند همچون معروف و مشهور بقبرستان ابوطالب
 در سر راه منی و قنات و در حدیث معتبر وارد شده
 که انجون و البقیع یو خندان با طرافها و نیشران و انچه

مکه

یعنی این دو قطعه را چهار گوشه او را میکنند مانند
 پلاس می تکانند به بهشت و قبر حضرت خدیجه
 در محزون است بقعه علا حده دارد و حضرت عبدالمطلب
 و عبد مناف در یک بقعه میباشند و حضرت
 ابوطالب بقعه دگر دارد و حضرت اهدام رسول
 در بقعه دگر است ولی موافق اخبار صحیح در ابواب
 منزلی مدینه طیبه وفات یافت مدفن انجاست
 و ما ششم پدر عبدالمطلب در غزه شام مدفونست
 غزه بندر است در میان مصر و شام انجا اصل خانه حضرت
 خدیجه کبری در مکه است که تولد حضرت صدیقه طاهره
 در انجا شده است و مولود خانه حضرت رسول
 در شعب ابوطالب است و دو پله میخورد تا پائین
 میرود و در انجا سنگ سبزه در کسیت چمن میگوید

مکه

که حضرت رسول در بالای آن سنگ ریب بخش عالم
امکان شده است و در میان کوه زقاق ^{سنگ} حجر
سیاه مستطیل نصب است که میگویند آن سنگ حضرت
رسول سلام داده عجب این است که خانه ^{جبل} اول
ملعون استراح مسجد احرام واقع شده هر چند عجیب نیست
باید اتفاق بیفتد احاصل کوه حرا که اکنون ^{جبل} بجل نور
معروف است مابین شمال و مشرق مکه واقع شده است
و تا مکه معظه تقریباً یکفرسخ است و در آن کوه جبرئیل
بحضرت رسول نازل شده و ابلاغ نبوت از جانب
پروردگار بجهت آن فخر کاینات آورده و سوره علق
در آنجا شرف نزول یافته و آن اول سوره است
که نازل شده معروفست که الشرح صدر حضرت
درین کوه شده اگر چه در طایفه نبی سجد شده و سوره

مکه

الم نشرح در مدینه طیبه نازل شده و خلی این مکان دارد
باری غار حرا که کوچک است که حضرت
رسالت قبل از نبوت در آن مکان شریفی است
خدا مشغول بودند و از مکه معظه تا جبل ^{جبل} الثور یکفرسخ است
و در جنوب و افقی مکه اتفاق افتاده و جبل الثور
همانست که حضرت رسول حضرت امیر المومنین
علی علیه السلام را بجای خود خوا بایند و حضرت رسول
از مکه معظه هجرت کردند بسوی مدینه این ^{جبل} جبل
اوردند و در غار که سنگ مجوفی است تقریباً
ربع طول و دو ربع عرض دارد پنهان شده
و در آن غار عینکوت تنید و کبوتر بچه گذارد که کفار
قریش بی خبرند بعد از کتاب تاریخ معتمد الدوله
مرحوم که در حقیقت تشریف بدون آنحضرت

کوه

بان مکان بجلالت بوده است که کسی خیال شریف
فرمان ایشان را بدین مسموره و مکتوبه مدینه منوره در
سست شمالی که واقع است و این کوه در جنوب
که است و بقول شاعر چپ اوازه افکنده
از راست شد و سنج است در مکه معظمه شریف
شدن بموضع تولد حضرت رسول و در منزل حضرت
خدیجه و زبارت قبر ابوطالب در فتن بغیرا و
بغیریکه در کوه تورا است باری قبور شهدای فتح در
تیمم است که قریب بودی فاطمه پیشد و
شهدای فتح آنچه معلوم میشود در طرف طائف است
که در شرقی که است شهدای فتح حسین ابن علی ابن
حسن الثالث ابن حسن الثالث ابن حسن المنجم که
عبدالله ابن اسحق ابن ابراهیم ابن محمد و ابی
سید سلیمان ابن عبدالله حسن و حسن ابن محمد و ابی دات

حسینی



جبل ثور

وغار ثور



جبل ثور

وغار حرا



خانه حضرت خدیجه

مولود خانه حضرت علی

کته

حسینی چندین نفر و جمعی دیگر میباشند که بیت و
شش نفر از اولاد علی علیه السلام هستند
خلافت موسی الهادی بالله از خلفای بنی عباس
بود خلیفه لشکر مامور گردید حسین را با جمعی از
سادات شهید کردند که حضرت امام محمد تقی فرمود
که بعد از واقعه کربلا اعظم از جنگ فوج واقع
در شبی که سید حسین کشته شد بر سر ارباب غطفان
ان قبیله تا صبح صدای نوحه جن میشنیدند
امام محمد باقر میفرماید که پنجم در فوج از مرکب فرود
آمد و در رکعت نماز خواندند و فرمودند جبرئیل نازل شد
و گفت یکی از فرزندان تو دین گشته خواهد شد
و هزومات کسیکه با او گشته میشود و برابر شهید
و کرامت و حضرت صادق نیز در فوج فرود آمد و نماز

کرد که اینجا مردی از اهل بیت من گشته خواهد شد
 با کرومیکه ارواح ایشان سبقت خواهد کرد بسوی
 بهشت و در جل خزان در قیصر خود که خدمت
 علی ابن موسی الرضا عرض کرده اشاره بدین موضع
 و آخری بفتح ناله صلواتی حاصل بالفعل فتح موضعی است
 نزدیک مکه که اطفال را از اینجا محرم می کنند و سنت است
 هر که از مکه بیرون می رود از باب اینجا طین که مقابل کن
 شایسته بیرون رود باب اینجا طین بدین سبب
 گویند که خطه فروشها خطوط می فروختند و سبب
 اند بنی شیبیه داخل مسجد احرام شوند که یا چهره از دینی
 داخل شدن بدن حبت است که حضرت رسول
 بقبرائی که در خانه کعبه بود برداشتند در آن محل دفن
 نمودند و آن در باب الفحل برابر باب السلام است

پس باید شخصی که از باب السلام داخل شود راست
 برو و تا ستون و در اطراف بیت مسجد قدیم را
 علامتی گذاشته اند که ستونهای اینی دارد و باب
 نبی شیبیه اینجا بوده است که بعد مسجد را بزرگ کرده اند
 حالا هم که داخل مسجد احرام میثوی بان علامت
 برسی باب نبی شیبیه معلوم است در طرف بیت
 واقعت و مستحب است وقت داخل شدن
 مکه از راه اعلائی مکه که راه عقیده باشد داخل شود و
 وقت رفتن از اسفل مکه که دیطوا باشد و
 دیطوی داخل در حرم است تقریباً یک فرسخ است
 تا مکه در دیطوی خانه های مکه نمایان است و مکه است
 مجاورت مکه معظه و در کنار مکه معظه تاجده شازده است
 راست که ده ساعت با عفو رسته می رود و

در جده از باب المکه که بیرون میروی بدست چپ
قبرستان بزرگیت سکوی طولانی در وسط قبور است
بارتفاع یکم ربع و امتداد دو لیست قدم که تقریباً یکصد
چهل ربع میشود و عرض آن دو ربع و یکوید فیه حضرت
ام المشرقه خواهد باشد و امتداد است کو قامت علیا جناب
او میباشد چون بر تمام بدن ممکن نبود رواقی ساخته
شود لهذا در وسط که جای ناف و سینه است یک
ساخته اند ضربی گذاشته اند و سکنی نصب کرده اند
و متولی دارد محل زیارت کامست احوال نشسته
و معروف است در سابق در روز عاشورا اهل
عیش و عشرت داشتند ساز طنبور میزدند بجهت این که
می گفتند که کشتی نوح بغیر امروز در جودی قرار گرفت
نبی امیر این ساز را کوک کرده بودند شریف مکه

شریف عون این عمل شیع را موقوف کرد که
از برای کشتی نوح باید عیش عشرت کرد و بناید
برای پسر فاطمه که امروز شهید شده محزون طول شد
ان یکی کار غیر معلومست و این یکی کار حق است
که سبط رسول درین روز شهید شده است و
حضرت رسول امروز طول و محزونست بر آنچه
افتاده که متابعت پیغمبر خود را گذاشته متابعت
امت حضرت نوح را بکنیم در ایام امارت شریف
عون این رسم بنی امیه موقوف شد باری و دیگر
مواضع شریف در مسجد غدیر خم است که در راه
مکه و مدینه واقع است که بگذرند بکثرت است در رابع
و نزدیک حجه و رابع در سه منزلی مکه است و حجه
اسم قریه بوده است که اکنون هیچ اثری ندارد

علامت مکانی باقی است که اهل سنت و جماعت
از حجه محرم می‌نهند در وقت رفتن بدریه طیبه از مکه
معظمه از منزل خزیمه بغیر رحم و از اینجا برانگیخته
و نزد یک حجه است و مسجد غدیر خم جاییست که
حضرت رسول دست امیر المؤمنین علی علیه السلام
گرفت و فرمود من کنیت مولاه فمذا علی مولاه
بگفته مولوی هر که من مولای اویم پس علی مولای او
و این خادم زارین در تبریک عید غدیر که بستان
مقدس حضرت امیر شرف شده در قطعه این رباعی
در روز عید عرض کردم و تقدیم استان مقدس نموده
الایوم رسول حق بفرمان آید بگرفت که نبی و
فرمود بخلق ایها الناس علیست من کنیت مولاه
فمذا علی مولاه و این مسجد غدیر خم موضع شریف

میشد در صورت امکان حجاج باید شرف می‌نهند
و از جمله مستحبات مکه است مراجعت از مدینه
طیبه برای زیارت فخر کاینات و در حدیث
وارد شده که ترک زیارت آنحضرت بعد از
حج جفاست بران حضرت و قبلی از حجاج که بعد
مشرّف می‌شوند و با و طان خویش می‌روند کوی باقی
که یکی دار السلام و یکی نعم المقام است و در زیارت
ان حکمت است و در حضور این نعمت القوم
بجای رفته کجایند کجایند معشوقه بهای جاست بهایند
بیایند اللهم الرزقا زیارت بیت الله اکرام و زیارت
قبر بنات علیه السلام فی عامنا و فی کل عام آمین
کعبه و من کر چه صد بیابان است در چهار حرم
در سراچه جاست شنیده ام که بحاج عاشقی

سیکفت که کعبه من برگشته کوی جانا است
 مقصود دوم در احوالات مدینه طیبه مسجد
 حضرت رسول اما مدینه منوره در عرض شصت درجه
 و صفر دقیقه شمالی و در طول سی و سه درجه و پنج
 دقیقه است و جمعیت مدینه طیبه تقریباً بیست
 نفر میشود و مدینه منوره شهر کوچکی است که قدماً
 شرب می گفتند از ابهره حضرت ختمی ماست
 و مدفن مطهر آن بزرگوار است در سال دهم از هجرت
 امیر المومنین است علی علیه السلام آن بدن
 در خانه تبر که خود حضرت رسول که در جنب
 مسجد است دفن نمود و جمعی از علمای مدین را
 داخل مسجد دانند حدیث لاتتخذو قبری
 مسلماً نموید قول اوست گویند اولاً خانه

ابوایوب انصاری بوده که ناقه انحضرت را نو
 بر زمین نهاد و مرقد شریفش در مکانیست
 که اول دفعه پای انحضرت با مکان رسید
 و اما مسجد حضرت رسول چون جناب رسول خدا
 تشریف بدمینه آوردند قطعه زمینی بود از
 دو طفل تنم که مردم در اینجا شتر می خوابانیدند
 و از میان ابل بود جناب ختمی ماست از زمین
 خریده مسجد بنا کرده و خود حضرت با اصحاب
 کار میکردند تا مسجد با تمام رسید و بعضی
 از ارباب جدوع نخل پوشیدند و ده ستون را
 ان قرار دادند از جدوع نخل و قتی که مسجد تمام
 شد شخصی از انصار یک شب چراغی در مسجد
 اوخت روشن نمود و بغمه بسیار سرور شد

در حق او دعا کرد و حضرت رسول در آن مسجد نماز
میکرد و وقتی که از نماز فارغ میشدند برستونی
که در جنب محراب واقع شده بود کتبه میکردند
مردم را موعظه میفرمودند بروایتی که عیسی علیه السلام
نقل کرده بعد از غزوه خندق که عمر و بن عبدود
کشته شد از شمشیر علی علیه السلام دین و شریعت
رواج گرفت پس زن انصاری بنری سه پته
ساخت برای پیغمبر حضرت فرمود اجعل لها
مراه سه پته برای منبر قرار بده شکل دورمانه در
دو طرف پله اول قرار داده بود و عرض منبر
میزرع بود ارتفاعش از زمین دوزرع بود پته
هر پله دو و وجب بود چون نوبت ملائکه
مبعوتیه رسید خواست که منبر را ببرند شام

و در مسجدیکه بنا کرده بود منبر را نصب کند
شاید چنان پیغمبری داشته این بود که بمردان
حکم نوشت درین خصوص مروان خواست
که منبر را حرکت بدهد کسوف شد و ستاره
نایان شد و در روز موقوف کرد و نوشت
مبعوتیه سال بعد خود معویه رحمت کشید
بقصد حج بدین آمد خودش ایستاد حکم
کرد منبر را حرکت بدهد زلزله شدیدی شد
و باد سیاهی وزید و بد چون موافق خواست
اول شد موقوف داشته رفت بکوه محض آنکه
وضع مسجد را خواست تغییر بدهد هر نمود مسجد را
بزرگ شد و منبر هم باید بزرگ شود شش پته
بر منبر افزود فان المنبر صار بهاراد فیه تسع

در مسجد که در مدینه

درجات مبرنه درجه شد با آن سر پله اول که در زمان
 پیغمبر بود و آن مبر بود تا زمان مهدی عباسی که
 از خلفای بنی عباس پیداشد در عصر او مندرک
 شد از چوب مبر مردم شانه ساختند ملک
 مظفر سلطان یمن مبری از چوب صندل فرستاد
 که دورمانه طلا داشت بعد از آن رکن الدین مبر
 نه پله فرستاد تا آنکه شبی زنی نذر کرده بود
 شمع در بالای مبر روشن کند شمع را روی
 چوب مبر گذاشت خدمه مسجد هم متوقف
 شدند شمع سوخت چوب مبر رسید
 آتش گرفت ستون پهلوی مبر مشتعل شد
 جذوع سقف مسجد که معویه زیاده کرده بود
 آتش گرفت خدام خبر شدند نتوانستند

آتش را خاموش کردند بعضی از مبر و مسجد
 سوخت آن آثار معویه از میان رفت
 تا چند مبر از اجربا خراب شدند و محض غنودند
 بعد از آن سلطان مراد که از قیصره و ازال عثمان
 مبری فرستاد تا این زمان هنوز نقصی در او
 بهمن رسید کاهی بتغیر خرفه محتاج میشود
 مبر چهار رمانه دارد دورمانه در پله اول که در زمان
 پیغمبر بوده و دورمانه بالای عرشه که پشت
 سر خطیب بود که معاویه زیاده کرد اما وضع
 حالیه مسجد حضرت رسول و مرقد مطهر
 اصل بنیان قبر شریف و حجره شریفه خیرج
 و محراب مبارک از ملک الاثمه
 قایمهای است قایمهای از سلاطین چنانکه

مصر است که در مصر سلطنت کرده در مصر بم
خیر از او بسیار است در مسجد الحرام بم
نموده و در شش شت و دشت اینجار بنا
نهاده و اسم او در حجره شریفیه و در صریح مطهر
در پهلوی اسطوانه و خود در پشت محراب
نوشته است و بنای این حرم و صحن جدید و
اسطوانه ها که از تحت بسیار خوب ساخته اند از
بنای سلطان عبدالحمید خان سلطان محمود خان
که در عرض پانزده سال بانجام رسانید و بر وضو
شریفه که قایم بنای ساخته است که قبر مبارک
حضرت رسول و صدیق طاهره سلام الله علیهما
و شیخین پناهند هیچ متعرض نشد است
و اسم خودش را بنا بر ادب در جای حکم کرد

نویسنده

نویسند و اکنون باب تو سدا باسم او باب
مجیدی میگویند و در صحن مسجد بم در بالای
اسطوانه ها اسمی آنمه ثنا عشر صلوات الله علیهم
اجمعین را و اسمی عشره بشته و حضرت
حمزه و عباس را باب طلا نوشته اند و هیچ
سقرض اسم معاویه خال المؤمنین شده است
که اسم او هم نوشته باشد و در صحن مطهر باغچه
کوچکی است که باغچه حضرت فاطمه مشهور است
چند درخت خرما دارد و آب اواز چایست
که در پهلوی باغچه است بقدر چهار پنج زرع
میخورد و لقصه برای آنکه در میان حرم مبارک
و مسجد شریف فرقی باشد در اسطوانه ها تفاوتی
گذاشته که نصف اسطوانه ها مرمر سفید خیاره

داراست و باقی شش است و عرص
 مسجد مبارک که بجنوب و شمال واقع است
 ستونست که از این ستون دو پایه مربع بر
 حساب میشود چهار ستون مدور است در
 استوانهها نوشته شده است اول استوانه
 سرب دوم استوانه حرس که صحیح آن محرس است
 سیم استوانه وفود و طول مسجد مبارک که بشرق
 غرب واقع است با پایه مربع که در ضلع هر دو
 طرف حساب میشود هفت استوانه است
 که یکی پایه مربع است و شش استوانه خیاره
 داراست که استوانه اول قطار دوم نوشته
 اول استوانه توبه که استوانه ابی لبابه است
 ابی لبابه همش رفاعه ابن منذر نقیب بوده

که توبه

که خود را بستون مسجد بست تا قبول توبه اش
 از آسمان نازل شد و دوم استوانه عایشه است
 و محراب مبارک در میان استوانه سیم و چهار
 متصل با استوانه مخلفه است که استوانه چهارم است
 و بنبر مبارک در میان استوانه پنجم و ششم است
 و استوانه خانه در قطار ثانیست که استوانه
 پنجم است که محاذی پله اول بنبر مبارک است
 دور حرم قدیم در طول هفت ستون است و حد
 حرم جدید نه ستونست و حرم قدیم که روضه
 مبارک و فضای مسجد بوده است چهل و دو
 استوانه است و حد حرم جدید که بعد خلفا به
 مسجد زیاده کرده اند پنجاه و چهار ستونست
 و اصل ضریح مطهر و کعبه شریف از قایمیاست

که یکطرف شبکه برنجی دارد و سه طرف فولادی
 که رنگ سبز کرده اند شش حجره طول ضریح سه حجره
 عرض که چهار پایه از این چهار پایه مربع محکم است
 که در چهار طرف دارد که بنیان کنبد نظره که
 قبر مبارک است بالای آن چهار پایه است
 و چنان محکم و برکت که پای طاق مسجد را هم
 بر روی آن گذاشته اند که تخمیناً دوزخ در دو
 رزق میشود که از سنگ است و دو پایه در خانه
 فاطمه زهرا علیها سلام است و قبر مبارک الشاه
 که خان علی و فاطمه بچانه حضرت رسول انصاف
 دارد و صد بقیه طایفه در وسط خانه خود دارد
 مرفقی دارد و پوشی بر روی او کشیده و شمع
 کافوری و بعضی جبار در روضه حضرتش روشن

میشود و در دارد که از روضه آنحضرت داخل
 ضریح پدر بزرگوارش میشوند بجز این در راه
 دیگری معمول نیست این اوقات بدو ربه شبک
 برنج فولاد نصب است و در روضه حضرت
 رسول قنایل طلا و بعضی چراغهای دگر و زیارت
 بدو مرفقی هر شب روشن نمایند و در پیش
 روی مبارکش سه شمع در آن طلا و رضع و مکمل
 بجوهر گذارده و هر شب روشن است و شمعین را
 در پشت سر مبارک حضرت رسول بجا و رت
 یکد یکد یکد یکد یکد یکد یکد یکد یکد یکد
 دفن نموده اند چراغها دارد که روشن میکنند
 ایصال بقای اراضی که در مسجد صاف شده سلطان
 عبدالمجید خان زیاده کرده و داخل نموده و زینهای

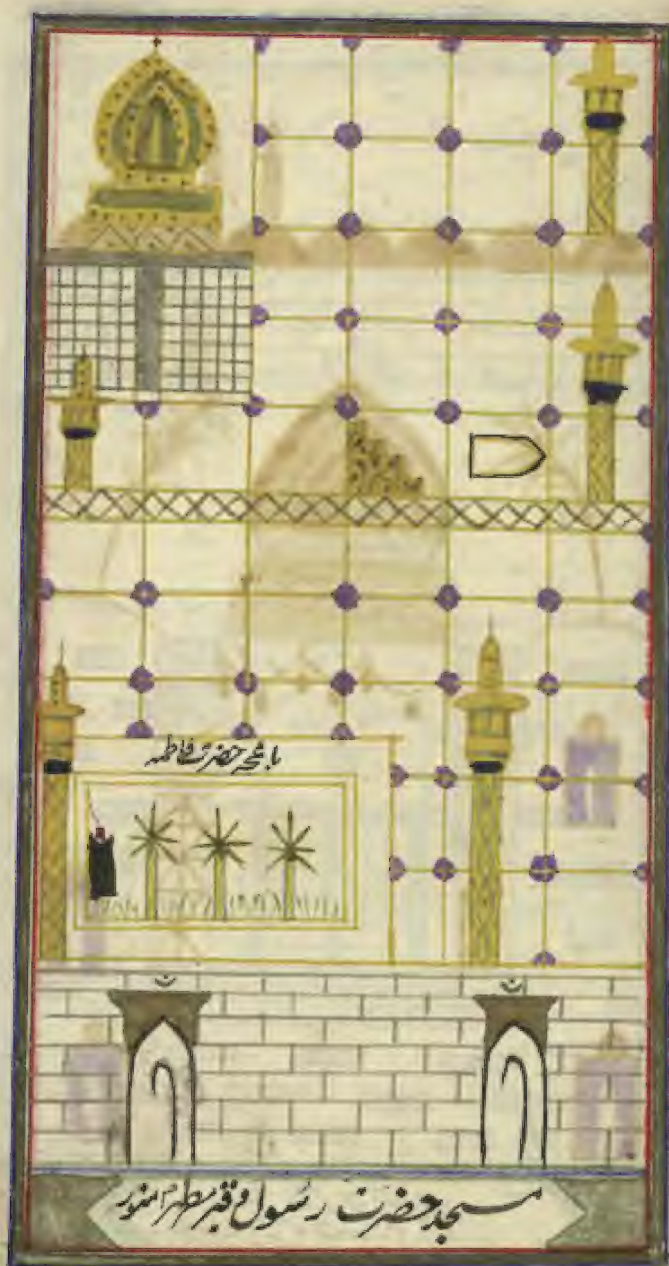
سپت و بلند را تسطیح نموده و اکنون نام سطوح
 حرم مطهر و اطراف صحن مبارک و دو سپت و
 پنجاه و شش ستون است و در دیوارها هم نصف
 ستونهای مربع است که آن خارج از این حرم است
 و در روضه مبارک هم چند ستون است و حرم مبارک
 پنج در دارد باب السلام و باب الرحمه در طرف
 مغرب است باب توسل که باب مجیدی است در طرف
 شمال است باب جبرئیل و باب النسا در طرف
 مشرق است طول مسجد مبارک از باب توسل تا
 آخر دو بیت و بیت قدم است عرض مسجد
 از باب حجت تا باب النسا چهل قدم متوسط است
 و فاصله ستونها از سه ست است از یکدیگر نه قدم
 متوسط است و فاصله ستونها در واقع مطهر از

یکدیگر هفت قدم است و در ستونها بقا است
 یک رزق و سه چارک یک رزق و نیم است و ستونها
 بزرگ سه رزق است و ستونها نیک از نصفه
 پایین سنگ مرمر است قطرهاها سه چارک است
 از هر دهنه سه چراغ او بخته که بار و غن زیتون میورد
 غیر از چارهای قدی و چهل چراغهای بزرگ
 و کوچک و مسجد مطهر و منارهای مسجد مبارک
 پنج است از همه بزرگتر مناره مایل جنوبی و قدیم است
 و از همه کوچکتر باب الرحمه باقی در زوایای آنرا
 اسم منارها از این قرار است مناره باب
السلام مناره باب الرحمه مناره سیدیه مناره
رئسیه مناره اشکویه و رایام حاج چراغ است
 میگویند مناره بزرگ مراتب فوقانی از همه

و در مسجد اوطاق بجهت خواجای حرم مطهر و کجی
جای بکبره و مؤذنان آنجی که قطعه از قطعه است
ایمان موضع مقدس است رزقا الله زیارت^۳
و در سمت شرقی قلعه مدینه منوره بقاعه چند
قدم قبرستان بقیعت بقع از بقاع کمره^۴
مدفون است اربعه بقع علیه السلام است که در بقع در قبّه
عباس بن عبدالمطلب مدفون میباشد صدوق
مطهر است در میان صدوق بزرگ مدفون است
عباس غم رسول خدا هم در میان صدوق
بزرگ مدفون است و آثار مرقد حضرت فاطمه زهرا
ضریح مطهر است اربعه است چون در مدفن
ان حضرت اختلاف است در مدینه طبعه در پنج
موضع ان حضرت را زیارت میکنند

یکی با ائمه بقع یکی باز هم در روضه ائمه بقع که آثار
مرقد است و یکی در بیت الاحزان و یکی در میان
مرقد مطهر و غیر حضرت رسول و احتمال کلی درین
موضع است چنانکه منقول است از حضرت امام رضا
سؤال کردند از قبر فاطمه فرمود که در خانه خود
مدفون شد پس چون زیاده کردند بنی امیه مسجد را
داخل مسجد شد رئیس المحدثین محمد بن بابویه
قمی نقل کرده که صحیح السنه که حضرت فاطمه
در خانه خود مدفون است چون بنی امیه مسجد را
بزرگ کردند و در قبر آنحضرت داخل مسجد شد
و احوال در پشت خانه که حضرت مدفون است
علامت ضریح مقدس آنحضرت است اما چنانچه
امام بزرگوار که در بقع مدفون میباشد اول

حضرت امام حسن که بحکم معاویه ابن ابی سفیان
 جده بنت اشعث ابن قیس در سال چهل و نه از
 هجرت آن امام بهام راز بهر داد و حضرت سید الشهدا
 ابن بدن شریف را آورد در بقیع دفن نمودیم
 علی ابن الحسین سید سجاد امام چهارم که بفرمان عبد
 الملک اورا ز بهر دادند در سال نود و چهارم
 یا نود و نهم از هجرت وفات یافت پیش
 عم بزرگوار خود مدفون شد سیم امام محمد باقر امام
 پنجم که بحکم هشام ابن عبد الملک مسموم شد
 و در سال یکصد و چهارده از هجرت رحلت نمود
 و در بقیع در پیش پدر و غم پدر مدفون شد چهارم
 جعفر صادق علیه السلام امام ششم است که بفرمان
 منصور حضرت را ز بهر دادند و در سال یکصد و



چهل ششم رحلت فرمود و در بقیع مدفون شد
 و در کتب اخبار اختلاف در زمان ولادت
 و وفات ائمه اطهار پیشه چون مبد کتاب
 بنا بر اختصار است ذکر آنها باعث تطویل
 میشود اما اصل بنای بقیع ائمه بقیع علیه السلام
 مجد الملک رادستانی قبیله بناموده و او
 یکی از وزرای سلاطین سلجوقی بود اما رخی او
 بسیار است و قبه عثمان ابن طعون که اول
 کسی است حضرت رسول او را در بقیع
 دفن نموده که اصحاب خاص آنحضرت
 انهم مجد الملک رادستانی ساخته است
 و گاهی استثنای اسمی با مقبره عثمان ابن
 عفان میشود معلوم است که قبه عثمان



خارجیت از بقیع و اما تعمیر بقعه مبارک
 آنمه بقیع از سلطان محمود که از سلاطین عثمانی
 که در سنه ۸۲۰ هزار و دویست و سی و چهار
 محمد علی پاشای مصری بامر سلطان تعمیر نموده
 و بعد هم تعمیرات کرده اند و هر سال در صورت
 لزوم تعمیر میکنند و ضریح مطهر آنمه بقیع علیهم السلام
 از چوب بود چند سال قبل بضرع فولادی
 کنایب طلا کوب بسیار متنازعاً حاجی
 محمد علیخان این السلطنة بمشارفت حاجی
 حسینعلی و سعی حاجی میرزا علی نقشیننه در ضمن
 تمام نموده از جنه روضه منوره آنمه بقیع علیهم السلام
 که طول آنضریح هفت زرع و عرض سه زرع و
 نیم قد پا و وزرع و نیم تقدیم نموده محل سجده شده

و بعد محل مدینه منوره تا درین سنه که چهار و سیصد
 بیست یک پیاپی شد از جانب باب عالی ارشد منصب
 انضریح مطهر و انضریح را منصب نمودند که در تاریخ منصب
 ان این خادم را زین عرضه داشته هزار شکر که منصب
 بر بقیع ضریح بنای کعبه و گردش از قبل پنج گذشت
 سیصد و بیست و یک هزار و هجرت کرد و حق
 تجلی بود بقین و صریح مصرع هزار و هجرت تجلی نجوانی هزار
 سیصد و بیست یک شود اگر تجلی نجوانی هزار و
 سیصد و سی میشود امید است که انشاء الله تعالی که
 که هزار و سیصد و سی میشود مثل سایر آنمه کند بارگاه
 عالی باینان خیر براموضع مقدس بنامیند معین است
 خدمت با آنمه طاهرین باعث شکوه دولت
 اسلامیان و استیلا می بر اثر راست واقعاً

تاریخ
 طبرستان
 منصب
 بقیع
 علیهم السلام
 به کرم زباید سلطان
 این
 اتفاقاً با عدل
 و در
 سنه
 ۱۲۸۰
 حاکم
 مدینه

عرب در وطن این چهار امام بزرگوار پناهند
 احوال از بنی هاشم و اصحاب کبار و فضلاء و کرام
 و از مخدرات در بقیع قبر بسیار است بیت الاخوان
 فاطمه در بقیع است و صحنه عمه حضرت رسول هم
 در بقیع مدفونست و قبر عقیل و عبد الله بن جعفر طیار
 هم در بقیع است اگر چه مشهور است که عقیل در راه
 شام شهید شد و قبر فاطمه بنت اسد و والده
 امیر المؤمنین انهم در بقیع است و از دیوار قبرستان
 بقیع خارجست بقیعه علا حده دارد که حضرت رسول
 در میان قبر او خوابیده و رحمت فرستاده و نماز
 گذارده و فرموده که حق مادی و پرستاری بمن دارد
 محاسبی علیه الرحمه در تحفه الزائر نقل نموده که از کلام
 شیخ در تندیب مفهوم میشود که فاطمه بنت اسد

تزدائمه بقیع مدفون باشد و مرار یکبار احوال معروفست
 و درست از ائمه بقیع و دور نیست که انمو صحنه در
 پیش روی ائمه بقیعیت زیارت حضرت فاطمه
 زهرا را و اینجا میکنند محل قبر فاطمه بنت اسد باشد
 که اشتباه کرده باشند احوال بنابران خبر که حضرت
 امام حسن و وصیت میکنند برادر بزرگوارش
 حضرت سید الشهداء که اگر مانع شدند در روضه
 جدم رسول خدا مرا ببر در بقیع تزد جده ام فاطمه بنت
 اسد دفن کن شاید همین طور باشد و این قبر که
 معروفست بفاطمه بنت اسد شاید که از فاطمه بنت
 الحسین باشد یا از مخدرات و کرام علم عند باری
 بنات رخصت امام کلثوم و زینب و رقیه در یک
 بقیعه باشند و قبر ابراهیم پسر رسول خدا و سعید

حدی می هم در بقیع است روجات پیغمبر هشت
نفر در یک بقعه مدفونند و اسمشان تخنه نشسته
روی قبرشان گذارده اند و بقعه حضرت عبدالله
پدر حضرت رسول در سوق الطوال واقع است
و آنحضرت بیدن احوال پدرش عبدالمطلب که از
نبی بخار بودند آمده بود و در مدینه دو سال و چهار
ماه بعد از ولادت فخر کایناب و سید موجودات
وفات یافته است و در مدینه منوره مدفون شده
و قبر مبارک ایشان اکنون بقاعده اهل اسلام رو
بقبه است رسم نبوده که موافق اتر زمان رو بقبه
دفن کنند یعنی که معظه تحمل ضریح را در اسلام
چنین ساخته باشند و کوه اخذ کوه حجر بیت
که در شمال مدینه واقعست و از مدینه تا بقعه حضرت

حمزه سیدالشهدا سه ربع ساعت راهست
و شهادت ایشان سال سیم از هجرت اتفاق افتاد
بالا تر از حمزه در شمالی بقعه مسجد بیت که میگویند دندان
مبارک حضرت رسول اینجا شکسته است تقریباً
بفاصله شصت قدم از بقعه حمزه در آخر دره باز
مسجد بیت که حضرت رسول گماندان لشکر را
با عبدالله جبر در اینجا باز داشته اند که بغنیت
رفته لشکر مخالف دره را گرفتند که شکست
بر اسلام واقع شد در جای این مسجد میگویند که حضرت
رسول مجروح شد تنه نماز خوانده که حضرت
صادق بقعه ابن خالد با مالک فرمودند که درین
مسجد نماز کن و این مسجد در میان دره واقعست
و بقعه حضرت حمزه را سلطان عبدالحمید خان

ساخته است و شهدای احد نیز در اینجا پناهند
 بجز حمزه ابن عبد المطلب و عبد الله ابن جحش برادر
 زینب است که از زوجات محرمات حضرت
 رسول بوده که خواهر زاده حضرت حمزه است
 و مسجد الفتح که مسجد خراب نیز میگویند در سمت
 غربی واقع است اینجا که غزه خندق اتفاق افتاده که
 عمر و ابن عبد و بدست مبارک حضرت امیر شده
 رسم خدقی که حضرت رسول بدست مبارک خود
 با اصحاب کنده بود درین زمان منطس شده و اعراب
 حفظ نموده اند که چنین علامتی در اسلام پدیدار باشد
 و طول خندق از اعلائی وادی بطی نیست و درین
 مورد بود که حضرت رسول فرمود که تمام ایمان
 مقابل شد با تمام کفر باز فرمود ضربت علی بوم

خندق



شهدای احد و قبر حضرت حمزه سید الشهداء

اخذ فی افضل سن عبادۃ الثقلین درین واقع است
 که شاعر میگوید پیر سر و دوش که عمر است ابن
 که دست بیاخته را سنین علی کف الشیاء
 اینک منم که کجاست شیر است در چشم
 و در قبله مسجد فتح چهار مسجد دیگر هم هست که همه را
 مسجد فتح میگویند مسجد مصطفی که او را نیز مسجد قدیم
 هم میگویند باین مغرب و جنوب قلعه مدینه است
 مسجد شجره که سیفانگاه اهل مدینه است که حالا
 عربان بنبر علی میگویند تا مدینه یکفرسخ نیم است
 که حجاج در اینجا غسل کرده محرم میشوند و در آن مکان
 چندین چاه کنده اند و خود مسجد شجره چهار دیوار
 محصری دارد و در اینجا حدیثی نوشته شده است
 که در صحیح بخاری است که حضرت رسول در مسجد شجره



ناخوانده است مسجد قبا در جنوب مدینه و است
 و از دروازه مدینه تا مسجد قبا تقریباً دو هزار قدم میشود
 برای مسجد قبا همین شرافت بس که در فران مجید خداوند
 انجا را المسجد الحسن علی الحقوی بیان فرموده و تعمیرات
 مسجد قبا از سلاطین عثمانیت چهل و یک استخوانه
 دارد و در پایه طاق بزرگ آثار محرابیت و براو
 نوشته بذات محل ائمه الفرقانیه بفاصله چند قدم محرابی
 و کراست در انجا نوشته محل نافه قضوی بیرون مسجد
 بقعه السیت بر سر دروازه نوشته بذات مقام علی کرم الله
 و بالا تر از آن مسجد کوچکی و در انجا چاه سیت اب
 شیرین منوشکوار دارد معروف بنبر خاتم میکونید
 انگشته حضرت ختمی باب در انجاه افتاد و آب بالا
 آمده خاتم اب دست خاتم مغیران داد و در نزدیکی

انجا دو بقعه پیاستد یک بقعه بر محرابش نوشته
 بذات مقام فاطمه رضی الله عنها و دیگری بر محرابش نوشته
 بذات مقام عمره البنی الصلوة والسلام مشرب از آبیم
 که ماریه قبطیه را در ابراهیم پسر رسول خداست در نهایت
 واقعت که حضرت صادق مخصوصاً بقعه ابن خالد
 را بارت چند مکان را بیان فرمودند که یکی مشرب از
 ابراهیم است که حضرت رسول بکماه بزنان خود
 خشم کرده انجا اقامت فرمود و از سنگ
 سیاه ساخته اند مسجد کوچکیست و چندان آبادی
 ندارد مسجد سقف و دیوار سه طرف ندارد
 و مسجد فضیح میان مسجد قبا و مشرب از ابراهیم است مسجد
 طولا نیست تقریباً بیست رزغ طول دارد و
 قدری از آن مسجد را بچوب خرما پوشانیده اند

و قتی که حضرت رسول م بنی نضیر را محاصره فرمود
 غنیمه مبارک را در نزدیکی مسجد زده و شش شب
 حضرت در آن مکان ناز خوانده و از مدینه مسجد قبا
 تمام باستان خرمات و مسجد فضیخ در جنوب مدینه
 و شریه ام ابراهیم مایل مشرق است و قبر نقس زکریه
 محمد بن عبد الله الحسن بن الحسن بن علی در باین مغرب
 و شمال شهر مدینه است در نزدیکی کوه سلع در راه
 احد واقع است که پشت مدینه میباشد برادر
 ابراهیم قبل با خمر است که عیسی بن یوسف
 منصور نزدیک شهر مدینه وی را شهید کرد و
 خواب بر شش او در مدینه دفن نمود و قلعه مدینه از سلطان
 سلیمان است افسوس که خدقی که حضرت رسول
 بدست مبارک خود با اصحاب کننده چنان

رسم انمذ رس شده که بقبرینه قیاس باید
 و است و اسمعیل ابن جعفر صادق در پهلوی یوا
 قلعه مدینه است بسمت بقیع میان قلعه مدینه
 و است اسمعیلیه نصیبشان غنقی میشود با و و بعد
 ابو ذر رضی الله عنه در سمت کوه سلع در راه احد
 و اقصی الغرض مدینه طریقه تمام از این عرش مکن
 از مقدم خاتم النبیین مشاهد و معابد و مساجد است
 ولی بر حسب ظاهر کسی مسجد و عفت چاه که از آب
 اینها حضرت رسول و ضو ساخته و چهل شهید است
 و در کربین مک و مدینه فریب بصفر اثار مخروبه است
 که میگویند رنده اینجا است و قبر ابو ذر رضی الله عنه
 در اینجا میباشد که هیچ شایسته اینجا نیست
 شخصی را که حضرت رسول در حق او بفرماید مالت

انحضراء ولا اقلت الغبراء اصدق من ابی زرعچه
 شخصی عجب مجهول القدر و مفقود القبر مانده است
 در وادی صفوا، قبور است که میگویند شهدای
 بدارند و بدر مصیبت که خداوند عالم باری
 کرد پیغمبر خود را فرمود و لقد نصرکم الله بیدروا ثم اذنت
 ابو جهل ملعون درین موضع محل خود رسیده و
 بدر چاه است که بدر این قریش کشته و خنجر بین
 طایف و مکه است حاصل محبت جوارت
 مدینه طینه و غسل در وقت دخول مدینه دو رکعت
 نماز مابین قبر مطهر و بنبر مبارک مستحب است سه روز
 روزه در مدینه طینه بقصد ادای حاجت و نیز
 سنت است نماز کردن در نزد ستون الجبابره
 که ستون توبه است در شب چهارشنبه و نماز در

نزد ستون که مقام حضرت است در شب
 چشنبه و نیز سنت است رفتن در ساجد
 مدینه مثل مسجد احزاب و مسجد فطح
 و مسجد قبا و قبور شهدای احد خصوصاً قبر
 حضرت حمزه سید اشهدا و مواضع ذکر و نماز است
 اتفاق و اکرام در حق شیعیان که در مدینه طینه کن
 پیاشتند که آنها را سخا و له میگویند و اکرام بسادات
 بنی هاشم که در اینجا هستند و زیارتگاه بیکه درین
 رفتن و برگشتن بکوه و مدینه دیده میشود از جمله زیارت
 زینب بنت امیر المؤمنین است که بنا بر وایت
 معروف در شام مدفون پیاشد که در بیرون شام
 بقعه مطهره انخدره است حاجی با صفائی اتفاق
 افتاده است اصل نبای بقعه را بامیر تمیم کور کانی

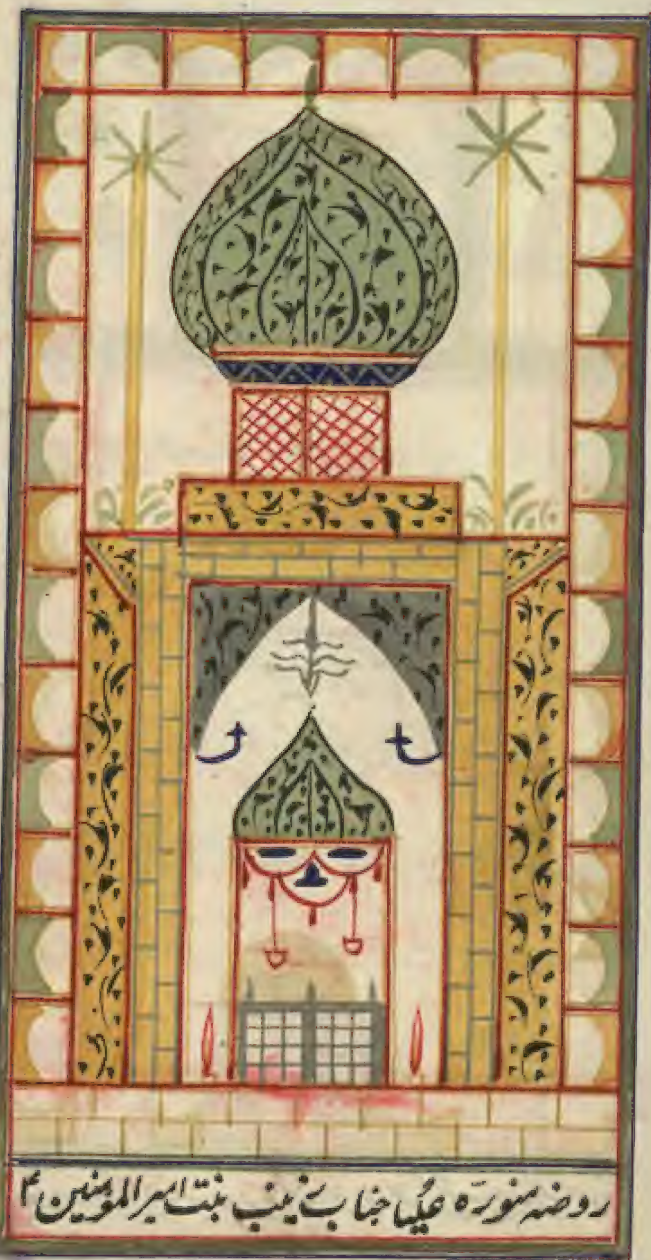
محمّد

که قدسیان با رب استوار و بر سر سلام
کدام ره و ضمه خداست این مجتهد فاضل

صدای تو در گوش من
صدای تو در گوش من
صدای تو در گوش من

نسبت میدهند و تغییر قبه و صحن را مرسوم
 حاجی میرزا حسین خان سپهسالار نموده است
 و روضه شریفه مظلومه حالت بکا غریبی دارد
 و مصائبی که بر آن مظلومه وارد شده است بخاطر
 انسان بسیار مژواست و در در خود شام
 محوطه پیش که در اینجا مشهور است که رقیبت
 الحین طفل رساله حضرت سید الشهدا وفات
 نموده حیاط محقر و روضه مختصر کوچکی دارد گویند
 وقتی که شخص وارد اینجا میشود سوزشی رقیب
 شیعیان پیدا میشود که گویا هنوز ناله طفل غم
 بگوش جان میرسد بی اختیار رقت دست
 میدهد و همین سوزش بود که در قلب امیر ^{کوچک}میر
 اشکر که حکم کرد و شهرت را آتش زدند

والله اعلم



روضه منوره عليا جناب نيب بنت امير المؤمنين ۴

خود را نیز در بارگاهش
راست داشتی با آن گلزاره سلام
تو سریده بلا دیدی ز غیب محزون
خیز خواهر سلطانیدین امام نام
رفت قبول را مانند
که در میان خفا و در قریب اعلام
خیز بگفت که ایچا هم در حجره است
امیرزاده اعظم اسیر کوفه و شام



مدینه

و گویند خرابه شام همان موضع است که انطفیل بن
مدفونست و این مرثیه را در میان حال صغیره حضرت
ابا عبد الله این خادم الزاری عرض داشته
تا گشت در خرابه سر شاه جلوه کرد مبداد نور
عارض وی نور بر قمر برداشت کل نقاب
ز رخ چون بگشاید چه چهره بلیکی در پدر پدر
پر کرده دید چون کلستان فاطمه بابا گشت
ز دیده همی ریخت اشک در کی بابت تاجدار
عجب آمدی بیا از اهل بیت خویش نداری مگر خبر
بابا کدام ظالم بیرحم ارستم کمبشت کو دکان ترا
کرد بی پدر در مجلس زید شنیدم صدای تو
فهمیدم این زمان که تو بودی طشت زده خوری
امی پدر که بستم میمنی بی زور بد چوب بدین ختم کمر

رفتی کجا سراج تو بر که گرفتی می گفت عمده پدرت ^{مقدم}
 بیا مکر سافرت خلد کرده هر جا که رفتی بنی خسته را ببر
 می گفت و می گریست ز بد چیز دیگرش جز جان من
 که نمودی نثار سر خاموش شدیم حسین و بلند شد
 افغان زبانوان و ز اطفال در بدر بر تخت زرین
 راحت بخواب خوش زین العبا که به شب ناله سحر
 زایر اگر شبام خرابت گذرقت اید هنوز ناله قبرش
 پدر پدر روزی شود به بنیت ابدل کبر بلا خاک
 استان حسینی نهاده سر و چند بقعه و کرم در شام
 هست که یکی از آنها را میگویند بنیت الحسین است
 و یکی را هم نسبت بعبد الله جعفر طیار شوهر حضرت
 زینب خاتون علیها سلام میدهند میگویند اینجا دفن
 و قبر طاهر مؤذن حضرت رسول در شام است

و در مصر هزار مسیت که مشهور است بسیده نفیسه دختر
 محمد ابی محمد حسن ابن زید بن الحسن ابن علی ابی طالب
 علیه السلام است که روجه اسحق ابن جعفر الصادق علیه
 السلام است از علویات صحیح النسب است و عباس
 پاشای مصر خوبی ساخته است و هزار مظهر حسن حسین
 نیز در مصر است که بنا بر دایمی مظهر حضرت امیر عبد الله
 در مصر مدفونست محل زیارتگاه است کونید حالت
 بکا غریبی دارد و خدیو مصر مسجد را تعمیر بسیار خوب
 نموده چهل و پنج تن سنگ مرمر بکها زجه دارد
 و قبر عبد الله ابن طه اطمینان نیز در قراغه مصر است و قبرش
 معروف است با جابه دعوت اللهم رزقنا زیارت قبر
 نبیک و الله علیهم السلام مقصود است
 احوالات خف اشرف مشهور حضرت امیر المومنین

علی ابن ابیطالب علیه السلام است در غنی شهر کوفه
 بمقامت یکفرخ اتفاق افتاده است و عرض
 نجف سی و دو طول شش افراف که سیزده ^{ست} است
 و در آنجا پاک رقد مظهر امام المشرق المعابد
 علی ابن ابیطالب علیه السلام است که در نزد مدفن ادم
 ابوالبشر و نوح بنفرد نوشته و قبر مظهر حضرت
 مخفی بود و مطلع نبودند مگر قلیلی از خواص شیعه
 تا آنکه چون حضرت صادق در زمان صفاح
 براق تشریف آوردند بجای از شیعیان و اصحاب
 خود نمودند قبر آنحضرت را و فرمود علامت
 قبر را ساختند و باز بهین طور مخفی بود تا عصر
 بیرون آمدند معلوم و ظاهر گردید و بیرون
 آمدند کسبندی و مسجدی در اینجا بنا نهاد و عضد

الدوله دیلمی بر عمارت و آبادی او کوشیده
 و در آنجا بنیست که مشهد امیر المومنین و مشهد
 حسین ابن علی و باروی مدینه و بیمارستان
 بغداد از عضد الدوله دیلمی بوده و قبرش هم در
 نجف است و بعد از عضد الدوله ال بویه و سلاطین
 صفویه مقبرات و زیارات آن بقعه نیز بمقتضی
 بودند و بنامی کنند مظهر از صفویه است و بعد
 نادر شاه در ^{۱۱۵۰} سنه هزار و پنجاه و شش بیرون گنبد
 مظهر را با الوان و کلدسته را طلا نموده معروفست
 که نادر شاه افشار گنبد مظهر را طلا میکرد و در پنجه طلائی
 که میخواستند بالای گنبد مظهر نصب کنند از نادر پسر
 درین پنجه چه باید نبوسم و در طلا نقش نمایم نادر شاه
 بدون تا مل گفت نبوسید و الله فوق اید هم

میرزا احمد بخان وزیر متخیر ماند که تا در سواد ندارد
این را از کجی گفته روز بعد از نادر شاه سوال
کردند تا کیفیت همان را که در روز گفته ام بشنید
معلوم شد که از غیب بزبان او جاری شده و این
خادم الزامین عرض کرده النگل نچه که بران کشید
رزا است اینک نمونه ایست که از جناب غیب است
با دست حق گرفت در قلعه را و کند یعنی بروز
جنک مرا کوه اسپر است باری داخل کشید مطهر
منورا با کاشی معرق مثل قلع چینی معلق تر صیغ
که خطوط آن با سم منوچهر خان معتمدالدوله است
اینطور کاشی باین لطافت و امتیاز کمتر دیده
شده ضریح مطهر از نقره است بشکش صفویه
و میباشد چهار رقبه مرصع خیلی ممتاز اعلی برای

چهار گوشه ضریح مطهر شاه سلطان محمد صفوی
بشکش کرده است ^{در پیش} کلاه بون دوز از عهد عضدالدوله
دبلی برای روی بقبر مبارک حضرت فرستاده اند
و قتی که قبر مطهر بهج حفاظ نداشت و از اجرو کج کوبه
الی حال که در روی ضریح مطهری او بر مذ تقریباً هشتصد
سال میشود بدون عیب است الفخر جواهر و طلا ^{طین} است
و محضین شیعه برسم وقف و بنابر دران استان
پاشد که بعد از فتح هند دستان بشکش آن استان
مقدس نموده از جمله و الماس بزرگ کرا به ناز
و با قوت و لعل بسیار ممتاز با بعضی اشنا و کمر
و قندیل بسیار بزرگ مرصع که علیار و خان رنیشک
نموده که میزونه های درشت و جواهرات و کمر دار و
و کعبه سوز مرصع خیلی ممتاز و شیر جواهر و بعضی

نخف

جواهرات و کمرانهم از پیشکشیهای مادر شاه مرحومست
 قندیل بزرگ با نخیر طلا و او نیز مروارید درشت جور
 و غلطان که خیلی امتیاز دارد و زینب بیگم و دخترش که با
 صفوی پیشکش نموده جای دو انگشت مبارک جواهرات
 بسیار نصب شده جهت تماس بر لبان از مرحوم
 ناصرالدین شاه ایران در سفری که بزیارت شرف
 شده پیشکش نموده در آن موضع نصب شده و جواهرات
 و کمر بسیار است و قندیلهای طلا و نقره معلّق بسیار است
 و یکتاج طلا مرصع بالای سردر قفس بزرگ و نیمه است
 گفته اند از پیشکشیهای هند است و پرده ها از جنه در
 حرم مطهر دارد و در زمی و منفولدوری بسیار است
 که مردم پیشکش کرده اند و سنگهای هزاره حرم مطهر
 در واقع تقریباً طول آنها و زرع میشود گفته اند این

انبار



بارگاه منور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام



قبرستان داودی السلام

نخف

از اعجازان بزرگوار از معدنیت که در همان نواحی
 پیدا شده که زمین حرم و رواق را از همان سنگها
 فرش کرده اند و در مای حرم مطهر از نفقه است
 و در از سمت بالای سر که محل اندوختنیت نجره
 نصب کرده اند و از پائین پا و در است که داخل
 حرم مطهر میشوند و از پشت سر مبارک بهم در بزرگیت
 جز این سه در راه در حرم مطهر نیست در رواق مطهر دور
 تا دور حرم مقدس میگردد و رواق مطهر را حاجی
 حمزه آقای خوانی امینه کاری بسیار ممتاز کرده و
 از سه طرف از صحن مقدس وارد رواق میشوند یک
 از طرف ایوان طلا وارد رواق مطهر میشود و یک
 در از سمت در فند و یک در بهم از پشت سر و
 روی در طوسی و ایوان مقدس ایوان نیست



مخف

به سقف و ستون که تمام کله سته و دیوار ایوان یک
پارچه تا هزاره از خشت طلاست بسیار عالی و
با شکوه و ایوان مظهر سمت مشرق و وقت در وقت
طلوع آفتاب جلوه غریبی دارد چنانکه شمر گوید
زهی بجا که درت از ره پرشانی بهر صباح هند
آفتاب بستانی و صحن مظهر حضرت صفی است و سبع
دارای پنجه راست یکدر سمت قبله و یکدر سمت شمال
و یکدر سمت مغرب و در از سمت مشرق است و اصل صحن
مظهر بسیار بار رحمت و اطراف آن دو مرتبه حجر
با کاشی معرق ساخته شده است خیلی رفیع ممتاز
اصل بنای صحن از سلاطین صفویه است و تعمیرات
صحن معتمدش از نادر شاه افشار است بالای سرد صحن
در طلا کردن کسند و ایوان مرد اسم نادر شاه

مخف

افق رتبت شده است و کنبه در واقع مظهر در وسط
صحن و انعقد شده است از سمت مجر است از سمت
شرقی طاق زده اند که از زیر طاق بطور دالان اند
شد میو و یک نادران طلا از بام رواق مبارک
رو بقبده نصب کرده اند که نادران رحمت میگویند
و بالای سرد بزرگ که در سمت مشرق دارد میثوی
یکدستگاه ساعت نصب نموده اند که پیشکش
میرزا اسمعیل خان امین الملک مرحوم است و از علما
در ایوان و صحن مقدس و اطراف صحن معتمدش قبور
بسیار است سید سحر العلوم و مقدس اردبیلی و غیره
در جنبین ایوان معتمدش مدفون پیاپی دارند
بقعه که دارد میثوی بدست چپ قبر مرحوم شیخ
مرتضی انصاری است و در ردی بقعه مرحوم شیخ

در این اوقات صحن
از آفتاب بپوشیده
نموده اند

مرقد قدسی مرحوم حاجی سید سید الله صفهانی اعلی الله مقامه
پیشد مفرده شیخ طوسی اعلی الله مقامه با بعضی از علما
بر ذریک بعضی سمت در طوسی و قسمت و فضل بدر
طوسی وقت وارد شدن بعضی مقدس دست چپ
مقبره مرحوم حجه الاسلام حاجی میرزا محمد حسن شیرازی
اعلی الله مقامه پیشد و سمت بالاسر که والاست مرحوم
شیخ حعفر شوشری با بعضی از علما مدفون پیشد
بر ذریک بالان جائیت که در ویش بکنا مشیه منزل
دارند از سلاطین قاجار قبا قبا محمد خان مرحوم در
واق مشیت کو قسمت و در پامی ایوان طلا حویث
از سنگ مشهور کجوز کونراست که در سلطان
چهلچراغ برنج نصب است که شبها با فانوسهای
شیشه روشن میکنند و در تابعد در صحن مقدس

فانوسهای بسیار می آویزند که هر شب روشن میکنند و
قلعه نجف اشرف از حاجی محمد حسین خن صدر اعظم
صفهانی پیشد که در عهد خاقان خلد اشیان فتح شده
قلعه از اجرد کوچ و در قصبه نجف اشرف کشیده نو و چهار
هزار تومان اشرف کیمشالی طلا مخارج القعه و در
صدر شده اجرای شهر نجف اشرف ابتدا مرحوم
شیخ محمد حسن مجتهد از پول مند ناقص گذاشت و کمال
الملک خواست با بنجام برساند مباشین از روی
به بصیرت سوار از ارتفاع از آن کرده باز ناقص و محمول
ماند تا آنکه در سفر شرفیابی مرحوم هنرالدین شاه توسط
مرحوم حاجی سید احمد به جاری شد و تا ریخ آن جا
۱۳۸۸ لغوی و بعد باز بتغیر محتاج شد درین سنوات ملک
التی راصفهان جاری ساخت و خدام ملایک پاسبان

نجف

حضرت امیر مؤمنان و مولای متقیان ^{قرب} ^{بود}
 نفر پاشند درین سنه کلید دار و خازن آن عتبة
 عالیة افاضید جو اذ که از اجده سادات است
 پیاسد و از دروازه قبلی سمت جنوب تا محل
 دریا که این سالها خشک شده و زراعت میکنند
 تقریباً چهار صد قدم میشود وادی اسلام در سمت
 شمال قلعه نجف و ^{بخت} ^{که کشیده شده} ^{بسمت}
 مشرق قلعه نجف اشرف و از دروازه سمت مشرق
 تا وادی السلام تقریباً صد قدم است و در قریه
 وادی السلام از اجنار و علما الفدر مد فون ^{پاشند}
 که نهایت ندارد از چهار طاقی و قبور پیش ازین
 شهر معتبر سواد دارد و بعضی بقعه ها و کسبند ^{دارد}
 از جمله مقبره هود و صالح است ^{مرد است} ^{ار حضرت}

نجف

امام جعفر صادق که با اهل کوفه فرمودند که در پهلوی
 شهر شام قبرستانی هست که از آن محشور میشوند صد
 بیست هزار کس مثل شهیدان بدر و ان وادی السلام
 فضیلت زمین نجف بسیار در کتب اجنار مبطوطه و در
 حدیث وارد است که نجف اشرف قطعه السیت
 از کوه طور بین عرب و عجم معروفست ^{نماد}
 که از سلاطین عجم بود و در وقتی که قصد زیارت
 حضرت امیر المؤمنین نمود و قبّه علویه را از دور دید
 خواست که از چهار فرسخی پیاده مشرف شود یکی از
 اهل عداوت گفت که علی ابن ابیطالب خلیفه حضرت
 رسول بود و تو نیز خلیفه هستی پیاده بروید سلطان
 مراد قران خواست برای انجام این قصد تغال زد
 این آیه آمد فافع غلیک انک بالواد المقدس طوی

بخف اشرف

سلطان حکم الفضول رازند پس با ارکان دولت
پیاپی بانستان مقدس شرفشده القصر از دروازه
بخف که سمت کوفه میروی بدست چپ راه مقبره
کبیل ابن زیاد است تقریباً تا قلعه بخف اشرف یکمیدان
راهست و کبیل ابن زیاد از اصحاب خاص امیر بنو سبیت
و نزدیک مسجد کوفه دست راست قبر میثم تمار است
در اینجا مدفونست میثم هم از شیعیان خاص مولای شقیان
از بخف اشرف تا مسجد کوفه تقریباً یک فرسخ است و در
مسجد مقامات بسیار است که تفصیل آن اجمالاً از این
قرار است اما مسجد بزرگ کوفه که قلعه مانند از اجزای
شده است معلوم نیست اصل بنیاد را کی کرده و در چه
تاریخ ساخته اند آنچه از روی تحقیق میگویند دیوار
سمت قبله که محراب حضرت ولایت مآب انجاء معصومه





سجف

از قدیم مانده است و بعد از دو طرف دیوار کشیده اند
و بنای کهنه را حفظ کرده اند پاهای جلو صفه قبله است
و حجراتی که موجود بوده از بنای مرحوم سید بحر
العلوم و شخصی تاجر از اهالی مسقط و ملا محمود کلید
سجف اشرف و از زوار ایرانی و بیشتر تعمیر مرحوم
شیخ عبدالحسین بوده و بعد حاجی محمد صادق صفه
نام مسجد و حجرات را تعمیر کرده و شماره مسجد که در
جنب باب الفیل ضلع شمالی مسجد و فست حاجی
قاسم نام تاجر سمنان بنا کرده است الحاصل مقام
مسجد که در هر یک دو رکعت نماز وارد است
اول مقام حضرت ابراهیم دوم مقام حضرت رسول که در
لیلۃ المعراج در آسمان چهارم محاذی این مقام نماز خوانده
سیم مقام حضرت آدم چهارم مقام حضرت جبرئیل

پنجم مقام امام زین العابدین ششم مقام نوح هفتم
 مقام محراب حضرت امیر المومنین که مقبره حضرت است
 هشتم محراب ذکر که بفاصله سی قدم در صفا در وقت
 که اختلاف کرده اند که شهادت دین دو محراب واقع شده
 باشد نهم محراب حضرت امام جعفر صادق دهم که بقضا
 که محل حکومت و مراغه حضرت ولایت آباد بوده است
 یازدهم بیت الطشت که موضع معجزة معروف حضرت
 حضرت امیر المومنین در باب دهم حائمه دوازدهم مقام
 حضرت خضر انچه معلوم میشود که این مسجد مسقف
 بوده و این مقامها موضع ستونهاست بنای
 محرابها که در مقامات ساخته اند مختلف است
 و معلوم نیست که ساخته است غالباً بنویسند
 بحر العلوم تعمیر شده است یک میل سنگی با تفرغ

دوازدهم مقام امام محمد تقی است بقبر یک بغل
 شامی حضرت ظاهر است که بعضی مساجد نصب میکنند
 و محل کشتی نوح نبی در وسط و اقصی و بقعه حضرت
 مسلم ابن عقیل در ضلع مسجد باین شرق و جنوب
 و اقصی اصل بنای بقعه از مرحوم شیخ محمد حسن
 مجتهد است که از پول هند ساخته است ایوان و
 تعمیرات و طارمه و غیره را از جانب شاه مرحوم
 محمد شاه شیخ عبدالحجین مباشر بوده است و ضریح
 برج اورا مادر آقا خان محلاتی ساخته و بالفعل ضریح او
 نقره و بقعه و گنبد را تعمیر بسیار خوب کرده اند این
 بیت از مرثیه است که در کاشی بالای سردر او
 نوشته نه هر کس را رسد نایب مناب شاه دین کرد
 مگر مسلم که در عالم بدین خدمت مسلم شد و روبروی

بقعه مسلم علیه السلام بفاصله چند قدم در ضلع شمالی
مسجد بقعه امام ابن عروه است اصل بقعه را شیخ
محمد حسن مجتهد و اصناف را مرحوم شیخ عبدالحسین
ساخته است و در زائیه مسجد معروفست که قبر مختار
ابن ابوعبیده ثقفی اینجا میباشد و از دیوار سمت قبله
مسجد بفاصله صد قدم خانه حضرت ولایتی است که
برای علامت کنبه کاشی کبودی ساخته و تعمیر کرده اند
در ب مسجد که بسوی خانه حضرت شریف میفرماید پهلوی
میز حضرت بوده که نزدیک مقام بهفتم بعین است
و حالا برای علامت سنگی نصب کرده اند و در سمت
شمالی مسجد بقعه حضرت خدیجه صغرا و حضرت امیر است
که تعمیر نشده است در باب دکان خارج مسجد
در سمت باب الفیل شیخ عبدالحسین مرحوم از خواهر

جمعی خودش ساخته است و از مسجد کوفه تا مسجد قرا
که احوال آباد شده تقریباً یکمیدان میشود که اکنون جسر
کشیده شده و بازار و کاروانسرا و حمام و دکان ساخته
آبادی بسیار خوب و نیکو تعبیه شده و بقعه حضرت
یونس کنیز نهر اب و اقصیت کنبه و محوطه خوبی دارد
و حضرت زاککفل پیغمبر و تل فرود کنیز نهر هندی پنهان
کر بلا و نجف شهرت بقعه عمران ابن علی و مقام صالح
انهم کنیز نهر هندی سمت حله میباشد و از مسجد بزرگ
کوفه تا مسجد سوله تقریباً دو میدان میشود و مسجد دکریم
هست که یکی مسجد صعصعه و یکی مسجد رنید و دیگری
مسجد خانه است که نزدیک مسجد سوله و اقصیت که
در هر یک ادب اعتکاف و نماز نشی و ارد است
اما مسجد سوله انهم مثل مسجد کوفه است اما کوچکتر

نخف

و تعمیرات مسجد از حاجی محمد صادق صاحب پیشه
و بعضی اعمال و فاعده اعتکاف و مقامات بسیار
دارد و خانه ادریس پیغمبر در اینجا بوده که خیا طلی میکرد
و خانه ابراهیم علیه السلام و مقام عیسی در اینجا که معروف
مقام حضرت صاحب الامر و عدل خدا در اینجا ظاهر
خواهد شد و حضرت قائم آل محمد در اینجا فرود آید اهل
و عیاش و حق تعالی هیچ پیغمبری نداشتند مگر اینکه در مسجد
نماز کرده است فضیلت این مسجد در کتب اخبار
بسیار پیشه و ذکر قریب بحکم از مظهر ایا مزاده
قاسم ابن موسی ابن جعفر علیه السلام است که حضرت
موسی ابن جعفر این فرزندش را بسیار دوست
میداشت و قبرش معروفست و سید این دو
ترغیب بزیارت او نموده است و مراد در کتب

در این باب





نخف

که میگویند حمزه ابن موسی ابن جعفر است و در کسید
 ابن طاووس و محقق علیه الرحمه علامه حلی و بعضی از
 علماء در حله مدفون باشند مقصود چهارم
 در احوالات کربلا بمقتل امام کربلا علی علیه السلام در جانب
 شمال نخف اشرف و جنوب شهر بغداد و فست و
 در عرض سی و سه طول شش انحراف هیزده درجه است
 و از کربلا بمقتل تا نخف اشرف تقریباً دوازده فرسخ است
 با عراده که عرب مشهور است هشت ساعت راه است
 و از کربلا تا دارالخلافه طبرستان تقریباً صد و پنجاه فرسخ
 میشود و زمین کربلا پاکترین بقعه ای زمین است
 و از همه زمینها حرمش پیراسته است و از زمینهاست
 که حضرت امیر المؤمنین خطاب بان زمین سفیر باد
 که خوشحال تو اینجا که بر تو ریخته خواهد شد و خوش

دوستان خدا و در این ارض مقدس کر بلا امام هاشم
مقصوم خاص بولی اکنون چنین این عجب جمعی از اراک
کثیران اصحاب و برادران و اقوام و اولاد که در روزی
زین نظیر نداشند در روز عاشورای شصت کجری
بدست نامردمانی کوفه بدرجه رفیع شهادت
رسیدند و در آن تربت پاک مدفون گشتند
که انواقه جانوز شرق غرب عالم را پر نموده و شهر
کر بلا در سال هزار و دولیت و شانزده هجری روز
عید قدیر طایفه دمانی قتل عام کردند که ثانی و اوضاع
بقعه شریفه را بغارت بردند و از چوب صندوق
مطهر عبید الله مسعود و در همان رواق کردند
طاق قهوه پخته زهر مار نمود و اخوند ملا عبید
پیدا که از اجله علمای بود بدرجه شهادت رسید

و بعد در سال هزار و دولیت و سی و سه بر این
ولد محمد علی پاشا عبدالله مسعود را قتل رسانید و از آن
بجز قلیلی باقی نگذاشت و بار دیگر در یازدهم و پنجاه هزار و
دولیت و پنجاه و هشت پاشا شهر کر بلا را قتل عام کرد
که نه هزار نفر شهادت رسیدند و جمعی که برواق مطهر امام
و در صحن مقدس حضرت ابوالفضل پناه برده بودند
امان نیافتند از بسیاری معاصی و فساد بعضی از اشرار
جمعی از اینار گشته شدند احوال صحن متورام علیه السلام
نسبت به اراضی اطرافش است و در زمان متوکل با
بستند بهر قدم مطهر که اثر قبر را منظم سازند با عجزان
حضرت اب بر و در حایر بلند شد این ادیس در برابر
کوید که اینکارا حایر گویند زیرا که لغت عرب حایرا
مکان است میگویند باری ابتدا بنائی که بر قبر مطهر

بعد از وقوع کربلا مردم از خلفای جور دست دادند
 سنه ^{۲۴۷} دولیت و چهل و هفت منتصر سپهر متوکل بنای مخضر
 و مخفف نمود و در ایام سلطت آل بویه که ایشان زاد یالیه
 هم نیز کونید بنای مرتفع بران قبر شریف نهادند
 توسیع و مفصل نمودند و قبر دوم و یک زن از آل
 بویه در زیر در شرقی صحن کوچک که مشهور بدر صافی است
 اینجا پیداشد که سنه ^{۱۲۹۲} هزار و دولیت و نود و دو در باز
 کردن این در بصری بکبر قورشان ظاهر شد و بعد در ایام
 سلطت قاجاریه اقا محمد خان سلطان ایران تعمیر لازم و
 تذهیب قبه منوره را نمود چنانکه یکی از شعر اکوید تعالی
 از این کاخ فلک فرما و بنیایش که سر اوج اوادنی
 زند قوسین ابوانش الا ای سمان بین دیده
 بکش بر زمین بکر عیان تمثال عرش و علت ترسع ارکانش

امین الدین حسین ابن علی ابن ابیطالب که در
 نسبت پدر عین الله اند پورانش شگفتی کو
 چنین زادی ز نسل حیدر و زهر چنان بحرین کوهر را
 چنین بایت مرجانش عدو کوخواست کائنات قورش
 منهدم سازد بجهاد الهی تعمیر بسته که سلطان ایرانش
 که در سنه ^{۱۲۷} هزار و دولیت و هفت که والده خاقان معفور
 بقعات عالیات مشرف بشد حسب الامر شاه
 شهید اقا محمد خان متولیه امر تذهیب قبه منوره گردید
 و کسب مطهر را طلاع نمودند که میرزا سلیمان خان شاعر
 مشهور بصباحی در تاریخ ان گوید این مشهد
 حسین علی سبط مصطفی است در پای او
 بود سرافلاک به سپر کلک صباحی ازنی
 تاریخ ان نوشت در کتب حسین علی رتب حبت ز ^{۱۲۷}

کربلا

در زمان سلطنت خاقان مغفور فتحی شاه عرض نمودند
که طلای کنبند مظهر سیاه شده است خاقان
مغفور مبرور فرستاد طلای کنبند مظهر را بر جیبیدند
از نو طلا کردند و خشت سابق را تعمیر کردند بکاظمین
برده کنبندین کاظمین را طلا نمودند و سر کلدستهارا
یکی از رتبه های فتحی شاه دختر مصطفی خان عم طلا
نمود و در عهد مرحوم ناصرالدین شاه کنبند مظهر ترک
برداشت شاه را اجازت نمودند شاه مرحوم شیخ
عبدالحسین طهرانی که از اجله علمای بود مامور تعمیر قبه نمود
و توسیع سمت غربی صحن مقدس نمود مرحوم شیخ
عبدالحسین قبه اول را خراب نمود مجددا بنا نمود و
کعبه کنبند مظهر که از مینا پاشا در این تعمیر زیاده نمود
اما حرم مظهر و رواق منور و ایوان مقدس دوسه

کربلا

دفعه تعمیر شده از زوآرا ایرانی و غیره و حرم مظهر چون
بهشت جنبه بهشت بهشت در دارد یکدراز بالای
مظهر و یکدراز پایین پاکه مسدود است این دو پنجره در
بهشت آنها نصب شده است و شش در در مشرق و دو
در از پشت سر حضرت که مسجد است از جانب مشرق و غرب
داخل حرم مظهر میشود و از سمت رواق قبلی سه در رو
بر روی در ایوان طلا و یکدراز سمت جیب این مظهر
و نقره درها از شیر شیراز و غیره است و در نقره رواق
مظهر از سمت ایوان طلا از محمد علی شاه هند است که
پیشکش نموده و حرم مظهر در وسط و رواق مقدس دور
حرم و تزیین صریح مقدس از خاقان مغفور است و در
قبه مظهر دوضر محبت یکی فولاد و یکی نقره صریح فولاد
باینش معلوم نیست فقط در اسطوانه وسط در

کربلا

پیش روی مبارک مرقوم است من کی اوتبار کی علی
 احسن فله کینه صدق الله ورسوله صلی الله علیه و آله وسلم
 سنه و ضریح نقره از خاقان فتح شاه است که در سنه
 ۱۱۷۵ هزار و دویست و چهارده با مرایشان زر گریار داشت
 نموده حمل بظهران شد و مدت سه سال بواسطه غفلتش
 عراق معوق ماند و در دویست و پنجاه ارسال شد
 بر قبر مطهر نصب نمودند و از مرثیه ششم کاش
 و مرثیه های خود فتح علی شاه بر ضریح نوشته و بالای
 در ضریح که پن خصلع پنجم و ششم است این بیت
 ثبت است منت خدایا که فلک خو است
 چاکرم شاهنشهر جهانم و درویش این درم و در زیر
 این پیشانی در مرقوم است السلطان ابن السلطان
 فتح شاه قاجار و از مرثیه های خاقان که بر ضریح

کربلا

مطهر نوشته این چند بیت ثبت شد کردون
 بسوخت زانش غم جان فاطمه شرعی نکرد از دل
 سوزان فاطمه از شد با د کینه مروانان دروغ
 پشمرده گشت توکل بستان فاطمه غلطان نجاک
 معرکه چون صید سهل است انگوهری که بود
 بدانان فاطمه خاقان بی پای عرش بر کف
 جبریل و احسره ماه زودیده کریان فاطمه
 و بیت و سه قبه منور بزرگ که از مس است
 روی ان مطلا است بالای ضریح مطهر نصب
 شده است تقدیمی زوار است و دو شمع
 بزرگ که از نقره و طلا در کمال خوبی زرگری
 شده بالای سرد و طرف در نقره که پنجره از پنج تار بجز
 نصب است تقدیمی والده سلطان عبدالحمید خان

سلطان عثمان بن عفان هرب روشن شود و بالای پند
 که پین این دو شمعان و قحط پرده از محفل سبز که بر او
 اشعاری چند تبرکی ثبت است و بخت کفشد در شیت
 پرده شیشه است در پنجاه و صده از حریر پیچیده در میان
 صندوق و در آن شیشه یکتا رموی مبارک حضرت رسول
 خداست که در خزانه سلاطین آل عثمان بوده و سلطان حالیه
 سلطان عبدالحمید خان از اسلا مبول فرستاده بدست
 والی سابق بغداد حاجی حسن رفیق پاشا در ده سال قبل
 بدین موضع نصب نموده که در تاریخ نصب انم حوم حائیزا
 محمد بن شهرستان که از اجله علمای بود گفته بعد پادشاه عبدالحمید
 زاونیک اختر درخشان شد بکشتی آفتابی تازه از خاور اقبال
 رموی پر نور حبیب الله شد ظاهر ز نورش بر توی
 اند شعاع غیر کبر نه بدست است نه نزل که این نور ربانی

مکر انفس که پیغمبر از و بد او سپهر کجاست
 میتوان کردن درین مطلب که اثباتش هویدا گردد
 از تاریخ سلسل موی پیغمبر ۱۳۱۲ هجری بکنای رموی مبارک
 حضرت خدی باب راسلاطین روزگار در خزانه خود
 نگاه میدارند احترام میکنند افشار و اربابا ملا حظت
 که این بنی امیه چه قدر مردمان ناچیب و رذلی بودند
 که موی نازنین سبط پیغمبر را بجاک و خون عشته
 نمودند فخریه میکردند چو خوب گفته حکیم قاتی
 کبر این ستم کنند نه یهود و مجوس نه هند و نه بت پرست
 نه فریاد از این جفا حاصل صندوق سطر تمام از نقره است
 که در رموی و رزی کشیده اند پرده های مروارید روز
 تا جها و جقه ما و اسلحه مرصع و قدیهای طلا و نقره
 در خزانه مبارک آنحضرت برسم وقف و نیاز

کر بلا

بسیار است و مقبره جناب علی اکبر در پائین پای
 حضرت و داخل ضریح مقدس است مولفه بهر قریب
 که میرسی زایر نظاره کن بگر عروجه قرب و صفاش
 ضریح شاه ضیاء گرفته شک در انغوش نشان
 واقعه دار و حریم عرش مژگانش بار روی جمال پسر
 رسید در آخر هزار حیف ز خون پرده بود روی
 جمالش بجای تسلیم از خیم کشت ملبد
 صدای و اولاد هی فرود حزن و ملاش و شهک
 بهفتاد و دون در پائین پای علی اکبر است که دیوار
 سمت جنوب علامت قبور ایشانست و در
 بالای سر حضرت و ونیم ستون از مرمر کوچک دیوار
 جز ز نصب کرده اند معروفست مقام جذع
 نخه مریم است که حضرت عیسی تولد یافت و در

که در شب در این
 در طواف می کنند
 و در این شب

کر بلا

وسطان و ونیم جز سنگی بایل سبزی نصب است
 آنچه از روی تحقیق معین شده قافله از سمت خراسان
 بغیر زیارت بکر بلا می آید این سنگ هم از گونه غلطید
 بازوار حرکت کرده زواران که متعجب شدند آن
 سنگ را برداشته آوردند بکر بلا معلوم نیست
 که در چه تاریخ بوده در وقتی که تعمیر حرم مظهر میگردد
 این سنگ را از زیر خاکها بیرون آوردند در وسط
 آن و ونیم جز نصب کرده اند و از راه حرم مظهر
 دور تا بدور از سنگ است که در سنگها نقش کلید
 تراشیده اند و سنگهای زمین حرم در واقع هم از
 جنس همان سنگهاست که در راه است و حسیب
 این مظهر در واقع مدفونست ضریح از برج دارد
 که میرزا اسمعیل خان این ملک مرحوم ساخته و قبل گاه

و این کاری در واقع مظهر نجف است سر از خاکهای نجف است

از طرف خیب این مظهر واقعت چند پله میخورد
 دارد سرداب میشوند از طرف صحن هم پله دارد
 و این دو بیت از مرثیه است که در کاشی بالای پله
 نوشته سلطان بخون که شافع بوم بحساب شد
 یکباره کارخانه ایمان خراب شد شمرش که دید
 غرقه بخون بر زمین افتاد با خنجر کشید سوی پنجاب شد
 و ایوان مبارک که از نصفه طلا پیش مردم بشرکت
 ساخته اند و بالای در فرفره طلای آن از مردم
 ناصرالدین شاه است و تعمیر بالای ایوان از حاجی اقا
 محسن میباشد که در عهد سید جواد کلید دارد ^{۱۲۹۵} در سنه
 هزار و دویست و نود و پنج تعمیر شده در واقع مظهر
 هفت دارد که دارد میشوند و در واقع که سمت
 مغرب است در شمال آن قبر حضرت شاهزاده ابراهیم

مجاب است که میخوب نصیب کرده اند از اولاد موسی
 جعفر علیه السلام است و روانی کنند مظهر در وسط صحن
 مقدس واقعت و ده کفشکن دارد و این بیت
 بدر کفشکن های مبارک ثبت شده این کفشکن است
 یا بود خلد برین این کفشکن است یا بود عرش مبین یا
 سدره بود که روزه شب می بینم با صد ادب ^{است}
 جبرئیل امین این کفشکن است یا بود در کن مقام
 یا خود در کعبه و در بیت حرام یا این در خلعت
 که نوشته در او گویند بصوت فاد خلوا بسلام
 در کفشکن حریمت ایجان بغداد یک ایروی تمام
 ماسوی الله الیک برکوش رسد و مادم از عالم
 عین کاین وادی ایمین است فاحنع فلیک
 بنده الروضه روض العارفین علی الاسلام کشف

کرمیلا

الاندین فاخلعوا ثیابکم و درو قها فاخلعوا بالبدایم
 و صحن مقدس دور تا دور تمام حجر است شش کنج دارد
 صحن مبارک را هفت در است در قبله در نیمه
 فاضی الحاجات در سلطانی در صدر در صافی در
 صحن کوچک و حجرات و ایوان هری که سمت
 مغرب واقعست مرحوم شیخ عبدالحسین بن جانب
 مرحوم ناصر الدین شاه متصدی بوده که صحن را بزرگ
 کرد و تعمیرات لازمه که بود بمهرتوسط مرحوم شیخ
 عبدالحسین است و در سنه هزار و سیصد و نه
 ایوان تعمیر شده است که اسم سلطان عبد
 الحمید جان در کاشی آن نوشته نصبت و درین
 اوقات هم از اوقاف مجدد ادب قبله و تمام صحن مقدس
 تعمیر نموده اند و در سمت مشرق صحن والدو سلطان

نور و خورشید و شهاب
سبز بر او درین
اصفهان شد
از حاجی محمد
سنگ مرصع
سنگ مرصع

ک

عبدالمجید خان سلطان روم سقا خان خوب و زین
بنکرده و مصارف و خدمه دارد و در جنب ان
سمت جنوب بکته بکنا ^{است} شبیه که نالار بزرگ عالی
دارد و رئیس این سلسله بکنا شبیه راوده میگویند
و میگویند که سلسله این طایفه بکنا فارسی گفته
می شود بیرون صحن در قبله دوده اینجا مدفونست که
اول چراغ حرم مطهر را رسم است اولاد دوده
روشن میکنند و از سلسله سادات پیشتند و مسجد
بزرگ که در سمت مشرق صحن و محنت اهل سنت
و جماعت در ان نماز میکنند و ان مسجد را مادر
خانان معظوره فتحعلی شاه ساخته است و مناره
علامه سیاه در شمالی ان و بقعت و چراغهای
دور تا دور حجرات صحن مقدس از مرعوم ناصرالدین

کتابخانه المکتب
المطهری

شاهست و چراغهای جزا و دور رواق و حرم
 مطهر باینان خیر تازه قرار دادند و چراغهای بالای
 بام و وسط صحن مقدس و چراغهای اطراف درگاه
 صحن از زردار بخارانی و ایرانی و مجادین و اهل کربلا
 میباشد و ساعت بالای سر در قبله از تغییر الما لک است
 و از علی در صحن مقدس در رواق مطهر و اطراف صحن
 بسیار است مرحوم آقا باقر بهبهانی و آقا سید علی
 سحر العلوم اعلی الله مقامها و در رواق سمت مشرق
 مقابل کفشکن مدفونند که صندوق نصب کرده اند
 آقا میرزا صالح عرب مشهور بدانکه از اولاد
 مرحوم سید علی خان کبیر است نزدیک نصب
 آقا سید محمدی شهرستانی حاجی میرزا حسین شهرستانی
 مرعشی اعلی الله مقامها و در رواق پیش رو مدفونند

مرحوم شیخ عبدالحسین شیخ ابراقین در بستان
 مدفونست آقا شیخ مهدی حلف هم در همان
 مدفونست مرحوم سید ابراهیم قرظینی صاحب
 صنایع و مرحوم فاضل اردکانی اخوند ملا حسین
 صحن کوچک مدفونند و مرحوم شیخ محمد حسین
 صاحب فصول و آقا سید مهدی من آل بحر العلوم
 انهم در بستان صحن کوچک مدفونند ملا آقا فاضل
 در مبدی اعلی الله مقامه و ملا محمد حسین بزدی شیخ
 محمد حسین قرظینی آقا سید زین العابدین در مقبره
 رکن الدوله مدفونند مرحوم شیخ زین العابدین
 اعلی الله مقامه در بستان فاضل الحاجات مدفونست
 شیخ محمد حسن مازندرانی در جنب مقبره مرحوم شیخ
 زین العابدین مدفونست در بین حجرین در وسط

بازار مقبره اقا سید محمد مجاهد است که در اینجا مدفون است
و مقابل آن مقبره حاجی میرزا علی نقی طباطبائی است
با مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم حجة الاسلام در آن
مقبره مدفونند مرحوم اقا میرزا زین العابدین طباطبائی
و مرحوم اقا میرزا جعفر پسر حاجی میرزا علی نقی هم در همان
مقبره مدفون میباشند و شریف العبداء در بقیه
در کوچه نقیب مدفونست و شیخ احمد ابن محمد در
جنوب قلعه کربلا مدفونست و معروف به صاحب
کشف کرامات گویند وقتی از او کرامتی بروز
کرد که جمعی از یهود اسلام اختیار کردند که بیت
المسکین در کربلا و نجف مشهور است در سنه ۸۴۱^{هـ} مشتمل
چهل و یک آنجا مدفونند القصه تل زینیه نیست
چند قدم بیرون صحن پایین مغرب و جنوب صحن



بارگاه حضرت ابوعبدالله الحسین علیه السلام

واقعت محل خمیکاه انهم مابین مغرب و جنوب
 صحن بمسافت سیصد قدم واقعت انچرا
 اخبار معلوم میشود لشکر چپای کوفه دو رتبه در
 حضرت ابی عبد الله را محاصره کرده بودند بواسطه
 خدائی که بفرموده حضرت اصحاب دو رخام
 حرم حفر کرده بودند خنک از نیمت واقع
 شده بخت مستقیم از خمیکاه تا مقبل حضرت
 دو سیت قدست و این سبب از مرگ است
 که در تل زینبیه روی کاشی ثبت است زینب
 درین دیار چه محنت کشیده است خون
 دلش ز دیده بدامن چکیده است از نایمی
 لشکر دشمن ز خمیکاه تا این مکان چاهوی
 وحشی دودیده است این تل زینب است



که بروی رُسوز دل افغان و انا بحشر کشیده است
و محل خیمگاه محوطه است که در میان کنکبند
تقدیر ساخته اند بشکل خیمه بسیار بزرگ و در جلو
دست راست و دست چپ کجاوه ها از
اجرو کج ساخته اند و دوران بنا روی کاشی از شیشه
جانبوز محشم روی کاشی ثبت است که یک بیت
این است آه از دمی که لشکر اعدا کرده شرم
کردند و بخیمه سلطان کربلا و در گوشه آن محوطه
حجره مختصر است که از کاشی بسیار خوب تعمیر کرده اند
که در کاشی بالای دری که داخل میشود این بیت
نوشته دمی که وارد این حجره میشود ناشاد
بریز اشک و بقا سم بگو مبارک حوض آب
و چاهی هم در پشت انعامت ساخته اند و سمت

مشرق صحن مقدس کوچه است و در آن کوچه
موضعی است که گویند در شب یازدهم عیال مشورا
درین موضع بود که فضه خا و سه پیغام دختر شیر
خدا را بشیر رسانید و این دو سه بیت از
مرثیه است که در اینجا نوشته برون خرام
از این همیشه باطلال اشیر بحال عتت شیر خدا
بدان که تشنه حسین را شهید نمودند کنار آب
روان فرقه ضلال اشیر شنیده ام که رستم
ستورینجو بهند قمش کنند درین در طبع با مال
اشیر سمت در مسجد است مسجد راس
الحین میگویند گویند سر مبارک حضرت را بعد از
جدا نمودن از بدن مطهر در اینجا نهادند یا در اینجا
برنی زدند محشم گوید پس برسان کنند سر را

امیر سلطنت است احاصل محاسن علیه الرحمه در تحفه
الراز میفرماید نهر علقی این زمان منطس شده
و در عقب قبر مظهر حضرت ابوالفضل بوده و شریعه
حضرت صادق ان موضعی است که اکنون
مشهور است بمقام آنحضرت چون فرات نهر
بزرگیت از پنج فرسخی کر بلا میگذرد و از آن نهری
جدا کرده بودند بکر بلا آمده و بکوفه میرفته و آبادی
کوفه از این نهر بوده و این نهر بود بر روی امام
بستند و اثر نهر نزدیک مرقد مظهر ابوالفضل
ظاهر است و حضرت عباس از این نهر بجهت
اهل حرم اب برداشت و در حواله این نهر شهید
گشته لهذا در شهیدان مدفون شده و ابن علقی که
وزیر معصم بود از علل شیعه بود که باعث بر

طرف شدن که دولت بنی عباس منقرض شد
دولت بنی عباس او شد
و ابن علقی چون حدیثی شنیده بود از حضرت
صادق چون بکر بلا تشریف آوردند خطاب
باین نهر کردند که ای نهر ترا بروی جدم حسین
بستند و تو هنوز جاری هستی و منی پس باین
سبب ابن علقی سدان نهر را خراب کرد
و این باعث خرابی کوفه شد و این ستمی شد نهر
علقی زیرا که خراب گشته اش ابن علقی بوده و
لذا تهرین مقصود همین است با آنکه جناب شهید
با اهل بیت نزدیک نهر کوچک و نهر بزرگ
بودند لهذا انقوم بجایاب را منع کردند و
بالب تشنه شهید کردند و فی المثلیه در مصیبت
حضرت ابوالفضل علیه السلام است

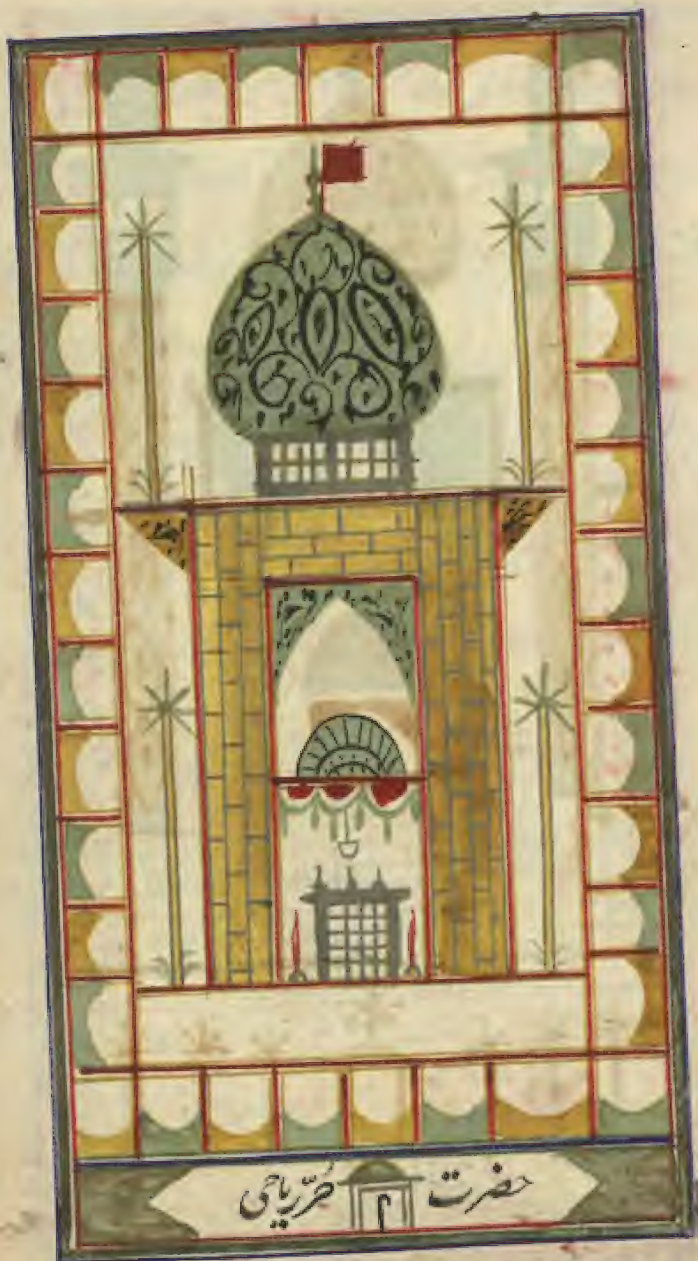
سر زینب خیمه کی روی چون قمر روشن نمود طلعت زینب رخسار
 شد بهر نصرت سپهر فاطمه عین نور جمال حضرت عباس جلوه کرد
 بگرفت اذن کشت سوار و کف علم بردوش مشک و شکر و شیرین
 از بهر منع استاد نذ کو فیان بکشد لب بهر نصرت
 ان یاد کار حیدر گرا بر کشید تیغ از میان کشت بدان قوم
 کشت و فرار داد و در اهراف راند اسب در تیرم مبین
 پر کرد و شک و تشبه با مدبرون غیبت به بین فاد و موافات را
 او از دمی که ناله عباس شد لبند کا در خضم تیغ نمودن دست
 افتاد در و خی خاک جگر کوشه علی شاه نشین سید بیان چشم
 بر حال غرتش دل عالم کباب شد کا ندم غریبه کردید نوحه کرد
 زائر برستانه عباس چون سی دست دعا براریدرگاه داد
 یارب بهر دو بازوی سقای کربلا از جرم دوستا نعلی کند
 چون این مرثیه مطابق اخبار بود در قطعه عرض نموده بادعای بالایی



بارگاه جناب الوفضل

کربلا

سرتقدیم آن استان مقدس نموده احوال صحن
مقدس دارای شد است سه در و بقبله
واقعه یک در سمت مغرب و یک در سمت شرق و
یک در سمت جنوب مایل مغرب و چراغهای بالای
بام و دور صحن اطراف ارزوار مجاور و بنیان
خیر میاشد و حضرت خرد مغرب سی درجه تقریباً
شمال کربلا بسافت یک فرسخ که تمام راه باغایت
صدر نه که از مسیبت یکدیگر و لش بدین جا بسیت
و جهت اینکه خراز شهدا دور مدفون شده است نیست
چون بعد از واقعه کربلا در وز عاشورا طایفه نیکو
بابن سعد ملعون مدعی شدند گفتند که خراجی یافت
حکم امیر را کرد پس برای خود رسید ما نمیکند ایم سر او را
جدا کنید و تعرض بدن او بشوید این بود که حر را



حضرت خراجی

برداشتند و درین موضع بالباس خون الود
 دفن کردند سید نعمت الله جزایری در الوار لغمانیه
 نقل میکند که شاه اسمعیل صفوی وقتی که بغداد و
 کربلا را گرفت بعد از اینکه زیارت حضرت سید الشهدا
 و حضرت ابوالفضل فایز کردید خونت زیارت
 حرم زید ریاحی برودین علماء و قبول توبه هر کس که
 شنید شاه اسمعیل گفت من میروم زیارت هر قبر
 او را بنفش میکنم اگر توبه اش قبول شده و از جمله سعدا
 و شهداست که بدن او از هم متلاشی نشده روز
 و کمر سوار شد امر نو قبر را شکافتند و دیدند بدنش
 مثل سبزه تازه دفن شده باشد گویا که در قبر خوابیده
 باشد بالباس خون الود و دستمالی که حضرت
 سید الشهدا بر سر بسته بود در وقتی که بنفش

تشریف آورده بود همین طور بر سرش بسته بود شاه
 اسمعیل گفت چون این دستمال مبارک حضرت سید
 الشهدا پاشد بر میدادم دستمال دگر می بندم بجز دیکه
 دستمال را کشود خون تازه جاریش قدری از دستمال
 پاره کرد برداشت دو مرتبه دستمال حضرت را
 گفت حسن حال هر معلوم شد بدن او را بوسید
 قبر او را پوشید امر کرد قبر بر سرش بنا کردند و خاکی
 از برای او تعیین نمود و اکنون گنبد باریک عالی بنا
 و اطراف او حصار و سمت مشرق چند حجره فوقانی
 تحتانی ساخته اند القصره قلعه که ببارامه حرم حسن خان سردار
 حاکم ایران ساخته بادر سبزه کنج محلی مقدس و نه خزینه
 سلطان سلیمان که یکی از سلاطین روست و اعطای
 مفران شد اجرای آنرا نموده پس از آن برزوم متقیه

نموده اثواب فرات در حال طغیان تا یکساعتی کربلا
 که سلیمانیه نامند نزدیک میشود گاهی که آب
 فرات کم میشود تا کربلا سه ساعت فاصله دارد و اصل
 خدام حضرت ابا عبد الله علیه السلام با خدام جناب الفضل
 تقریباً چهار نفر پیشند که سیصد شتر آنها را سوارند
 سادات میباشند و کلید دارد و خازن استان یکی
 پاسبان حضرت ابا عبد الله آقا سید عبد الحسین مرحوم
 آقا سید نوه مرحوم آقا سید جواد کلید دارد است
 و نایب کلید دارد آقا سید مصطفی امین حرم و کلید دارد
 حضرت ابوالفضل عباس آقا سید مرتضی پسر
 مرحوم آقا سید مصطفی و شهر کربلا از سمت قبله تقریباً
 دو هزار قدم از قلعه سابق پیش رفته و شهر بزرگ شده
 و دواوی صفا که اموات را دفن میکنند تا صحن مقدس

هزار و پانصد قدم مسافت دارد در جنوب شهر کربلا
 واقع شده که در اینجا مسجدی و حوض آب بنا شده اند
 و آبادی کربلا روز بروز در تزايد است این حدیث
 در تحفه الرا را است که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 که فرمود کویا می بینم که قصرها و بناهای محکم بر دور قبر امام
 حسین علیه السلام ساخته اند و کویا می بینم که بازارها بر دور
 آنحضرت بهم رسیده است و از اطراف زمین بزیارت
 آنحضرت خواهند آمد و در تمام حدیث ذکر است
 که حضرت صادق علیه السلام بعبده الله خدا گفت که
 شنیده ام قومی از نواحی کوفه و غیره ایشان میروند
 رز آنحضرت و زنان میروند و نوحه میکنند در شب نیمه
 شعبان بعضی قرآن میخوانند و بعضی قصه جهانسوزان
 حضرت را ذکر میکنند و بعضی نوحه میکنند و بعضی نوحه

میخواند گفت بی فدای تو شوم دیده ام بعضی از اینها
 که سیزدهانی حضرت فرمود حمد و سپاس خداوند را که در
 میان مردم جمعی را مقرر فرموده است که می آیند بسوی ما
 و ما را مدح میکنند و مرثیه از برای مصیبت میگویند و
 می خوانند و دشمنان را کسانی گردانیده که طعن کنند
 بر اینها از خویشان ما و غیر ایشان و استهزا کنند بر
 ایشان و قبیح شمارند که در ایشان را پس این خادم از این
 این قصیده را که مدح مرا نه حضرت سید الشهداء و فضل
 زائران بزرگوار است با کمال شکر در قطعه عرض نموده
 و تقدیم است آن مبارک آنحضرت نموده مرثیه
 نه بر که آنکه زاسر رسیدند عقول است ز رفتار رسیدند
 عبودیت بکر صبر در بلا را این بلا بجهت است از کار رسیدند
 یقیم آنکه تمام بهشت را بگیرد و بند جمله بزرگوار رسیدند

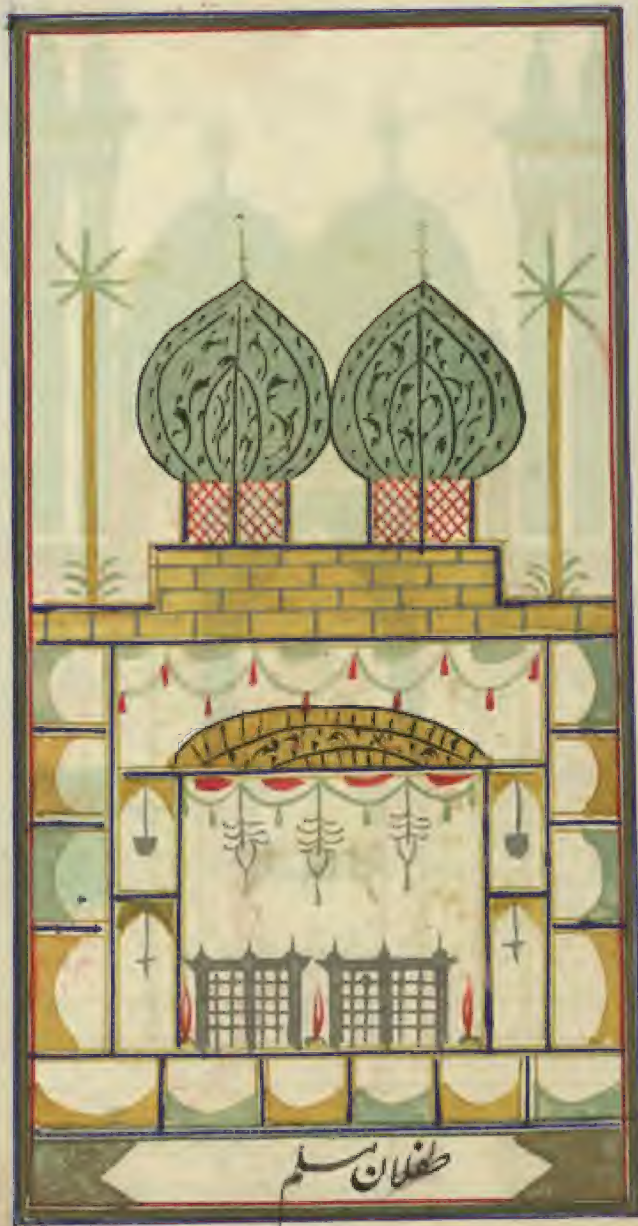
بقطره اشک فرو بندد چنانست
 به بین تو رونق باز رسیدند
 کشد چه شعله جنم فرو نشاند
 را شک چشم غدا رسیدند
 دلا بکرب و بلا بگذرد می بگر
 غیب بکس و بیار رسیدند
 گرفت شک و بسوی فرات رسیدند
 موین برادر و سردار رسیدند
 دو کف باب فرورد و قطره رسیدند
 نگر و فای علمدار رسیدند
 تعجب آمده لشکر ز چهره علی اکبر
 که کشته شمر سل رسیدند
 و داع فاسم و داع جوان یاد برادر
 نمود کرد چه بسیار رسیدند
 ستاد یک تن اندر برابر لشکر
 بعینه حیدر گرا رسیدند
 بقصور عطش آنجناب توان کرد
 شدش جهان نظر نارسیدند
 ز استیناید و بیضا نمود تو
 بجلو اصغر افکار رسیدند
 شکست پشت عدو تا بکوفه داد
 بضر تیغ شرر بار رسیدند
 امان ز سنگ مخالف فغان رسیدند
 زاسب کرد و نون رسیدند
 ز شرم گشت و اوقات بستان رسیدند
 سجده عرض کلن رسیدند

کربلا

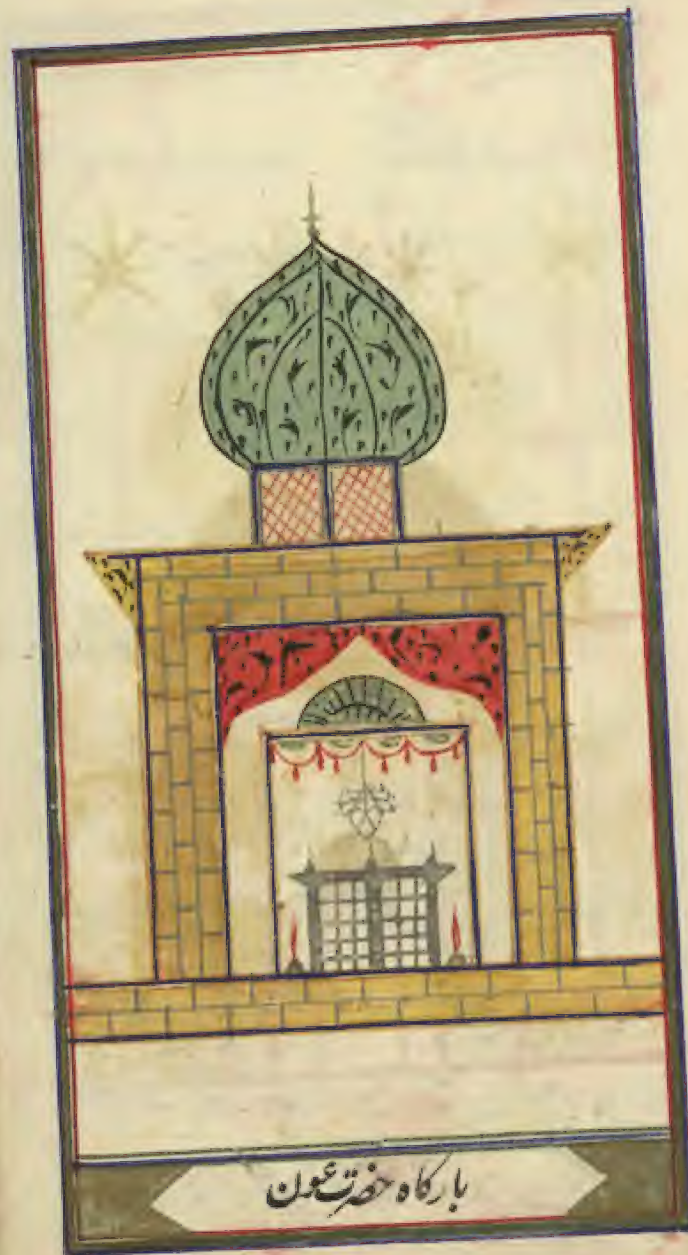
ر بود اهر من بچار کشتش
 یکا نه خاتم شهوار سید شد
 که نازنین بدش غرق خون
 نشست خواهر غوار سید شد
 بلند کرد و گذرداد چون که قربانی
 بنزد حضرت دادار سید شد
 سپس بچرخش نهاب کشت
 شمشیر و شنه دل افکار سید شد
 فغان چه شور افکند غلبه
 چه کرد نغمه بجزار سید شد
 بجاک و خون که نظر کرد حجت
 چاکدشت بر پارسید شد
 کشید کار در آخر هر شرف
 عیال در بدرزار سید شد
 حموش را بر غزیده و قربان
 برین علایق خوار سید شد
 سر و ش غیب ندا و اکتی کفتم
 غلام را بر دربار سید شد
 برده گفت که همت نهش
 بشت و فرطوار سید شد
 میمنه زبان تارند نام حسین
 بار حاجت زوار سید شد
 باری در دو فرسخی کربلای معلای
 قبر حضرت عونت که بر دست
 مشهور میان علمای رضوان الله علیه
 پیر عبد الله ابن جعفر طیار

و کربلا





طفلان سلم



بارگاه حضرت عمو



کاخ طین علیهم السلام

کاخ طین

رحمت الله علیه است که شیخی از غرب بقعه او را
 تعمیر نموده و کنبد او را کاشی کرده محل زیارتگاه است
 بین کربلا و مسیب و اقصیه هر کس با عریانه آمد و شد
 میکند زیارت می نماید و مقبره طفلان مسلم ابن عقیل
 در سیب یکمذنی کربلا و مقبره از مسیب تا طفلان
 مسلم ربع ساعت راه است اصل نای کنبد از
 حستان سردار است یضیح او را میرزا ایدایت وزیر
 لشکر ساخته است و تعمیرات بقعه و غیره را معیر الحاکم
 در عهد مرحوم ناصرالدین شاه کرده است و بعد از
 هم روزار و غیره تعمیرات را نموده اند مقصود پنجم
 در احوال شهاب طین فی المذبح

کنار دجله بغداد و شکاروسین و نور میرود از فرش تا بر سرین
 دو بقعه لعلک برشیده از رخت و اوقاف شاعرش قلندروین

کاظمین

یکی ز موسی جعفر امام هفتم ناس
غریب خط بغداد مقتدر
و کر ز نوزده چشم غریب طریض
نهم امام تقی جواد عرش مکی
سلام پدید میزد کردگار جهان
برای دوزاده طره و سوره
که ابتدای تاریخ صحنشان کردم
بروی صفحه کاغذ قلم کشیدین
کاظمین علیه السلام در غری شهر بغداد نفاصله نیم ساعت راست
و در عرض سی سه طول پندرجه انحراف قبله سیزده درجه است
و دفن مطهر امام هفتم موسی ابن جعفر و دفن امام نهم محمد تقی جواد
نواده نهضت و امکان در سابق بقا بر قریش معروف بوده اما
بنای بقعه مطهر اول از محمد الملک را دستانی بوده و بعد از آن
شاه اسمعیل صفوی بنای بقعه مطهر و رواقرا نمود و این دو
کنبد که بر دوویک اندازه است و در روی بقعه شاه
اسمعیل ساخته است و بعد طراکی کنبدین مطهر را
خاقان معفور فتحعلی شاه نمود و آینه بند داخل حرم

کاظمین

مطهر از میرزا شیخ صدر اعظم خاقان معفور است
و قبر مطهر منور حضرت موسی ابن جعفر و حضرت امام
محمد تقی هر دو در یک صریح بزرگ فولادیت و صندوق
نقره بفاصله جزئی در میان صریح فولاد است صندوق
مبارک امام موسی کاظم در جلو و صندوق مقدس
امام محمد تقی در عقب و از آره روضه مطهر از کاشی
و از کاشی معرق که میتوان از جواهرات شهر و حرم مطهر
پنچدر دارد و یکدر از سمت قبله و دو در از سمت شرق
و یکدر از سمت مغرب بمسجد بالاسر و یکدر از سمت
پشت سر که بمسجد اهل جماعت باز میشود و دو ایوان
مطهر که یکی در سمت قبله و یکی در سمت شرق و است
هر دو ایوان و ستون و سقف را لایق عید حسین
مرحوم از جانب پادشاه ایران مرحوم ناصرالدین شاه

مباشه بوده بسیار عالی بنا نموده و طلای بالای درها
که از این دیوان وار در واق مطهر میشوند از حرم
ناصرالدین است که از خستهای طلای مسکرتین زیاد
انده بود با مر حرم ناصرالدین شاه انهارا طلا نمودند
و بعد ایوان سمت مشرق چون از جلوه افتاده بود
در ثانی در سنه هزار و سیصد و نوزده از جانب
پادشاه حجه مظفرالدین شاه قاجار جناب حجه الاسلام
آخوند ملا محمد شرایبانی مقصدی شده ایوان را بسیار
تعمیر عالی نموده و حرم مطهر و رواق و ایوانها در وسط
صحن افشاده از سه سمت مجراست و از سمت
پشت سر سجداست که دور نمیکرد و صحن مطهر را
مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمد الدوله ابرجاس
میرزا در کمال خوبی از نو بنا کرده این صحن و حجرات

دور در کمال اقتضات و از مخارج هیچ مضایقه نکرده
و سردا بهسا برای دفن اموات و حجرات برای زوار
و غربا و تذهیب چهار مناره صحن معتمدس از قرب
رئین تا غایت ارتفاع ان بنای برکه در جلوه خان
و از دجله مجرای انرا ساخته و آب جاری نموده و
همچنین در صحن شیخ ابویوسف برکه دیگر که بنا نموده
و بعضی متعلقات و کرا از قبیل کتابخانه و غیره
در سنه هزار و سیصد و یک بمباشرت حاجی
عبد الهادی استرآبادی با تمام رسیده چنانکه شیخ محمد رضا
اعظم نجفی در قصیده تاریخچه انجا میگوید خدا پدید
فرمادنی یوم حشره فقط تم عن مبر تاریخ خدا
و این شاهزاده میت خوبی داشته است معروفست
یکی از وصایای او این بوده که در وقتی که نفس مرا از

از طهران حمل کاظمین علیه السلام بنمایند غسل مرا در
 جبهه بغداد بر زمین بگذارید بعد چهار نفر خال غسل مرا
 بردارید و تا بکاظمین تا ناسی بامام علیه السلام بوده باشد
 و اکنون مقبره اش در بصره مقدس است درمی که سمت
 واقعست وقت داخل شدن بسمت دست راست
 القصه خدام استان ملایک سپان تقریباً صد و پنجاه
 نفر میباشند کلید دار و خازن حرم مطهر اقا شیخ علی
 و علمائی که در رواق مطهر و اطراف مدفونان قولویه
 اعلی الله مقامه که استاد شیخ مفید رحمه الله علیه میباشند
 و شیخ مفید اعلی الله مقامه در رواق مطهر مدفونند و خوا
 نصیر الدین طوسی رحمه الله علیه در مسجد بالا سر مدفونست
 و از سمت در قبله که بازار میروی دو مقبره است
 فاصله چند قدم که یکی از سید رضی رحمه الله علیه و

و یکی از سید رضی رحمه الله علیه میباشند و برزگوار
 در اینجا مدفونند و در صحن مقدس در ضلع جنوب
 مایل مغرب حرم مطهر بقعه ایست از کاشی که دو نفر
 از فرزندان موسی ابن جعفر مدفونند گفتند که حضرت
 موسی ابن جعفر با این دو فرزندش فی الشفات بوده
 ولی تکلیف نارعبت نسبت بشانرا دکان از ذریه
 حضرت رسول احقر است مرحوم سید تقی
 اعلی الله مقامه در کتاب صوارم المایه آنچه تحقیق فرموده
 که این دو قبر از اولاد حضرت امیر مومنان علیه السلام
 که در یکی از جبهه شهید شدند و در اینجا مدفون
 شدند مقابر قریش بدان جبهه میگفتند العلم علیه
 و یونان حضرت حجت که در بغداد مدفونند عثمان
 و محمد بن عثمان
 ابن سعید عمری حسین ابن روح علی ابن محمد

و قبر قبر غلام امیر مومنان علی علیه السلام در بغداد است
و کلبی علیه الرحمه نیز در بغداد مدفونست و مسجد بر آستان
مسجد مشهوره است در میان شهید کاظمین و بغداد
و اقصیت و بدان مسجد حضرت امیر المومنین علیه السلام
نماز خوانده خانه حضرت ابراهیم و حضرت مریم بوده
و حضرت عیسی در اینجا نماز خوانده از کاظمین که بغداد
میروی در پهن راه سمت راست و اقصیت
مدائن قبر مبارک حضرت سلمان فارسی که از صحابه
حضرت رسول میشد از بغداد از راه خشکی بفاصله
نیم ساعت راهست و قبر حضرت سلمان نزدیک
طاق کسر است و از طاق تا مقبره حضرت سلمان
یکمیدان اسب است از کنار شط و میدان اسب
تا مقبره حضرت سلمانست مقبره مختصری دارد

دو سه نخل خرما در اینجاست چند نفر عرب خدام اینجا
میشدند و مقبره خدیجه یمنی و خواجه عبدالله نصیری
نیز در اینجاست و شهر وان که از منازل پهن راه
حافظین و بغداد است جائیت که در اینجا جنگ
شهر وان اتفاق افتاده و آن جنگ بزرگی بود که حضرت
امیر مومنان با لشکر خوارج نمودند که تفصیل آن در کتاب
اجناب راست که مقدار این ترجمه است علیه که از اصحاب
حاضر حضرت بود در اینجا جنگ شهید شد و قریب
شهر وان قبران بزرگوار است که در کنار راه بفاصله
دو میدان اسب واقع است که بقعه و آثار او موجود است
بعضی از روار زیارت میروند مقصود شهر
در احوالات سرنین رای که سمر او عسکرین گویند
اما سمره عرض او سی و چهار طول شش و انحراف

قبله شست درجه است در ایاله بحریره که بین القرات
والد جده است و شهر سامره در کنار دجله واقع شده
از جنگی تا بغداد بیست و دو ساعت راه است
گویند از بنای سامرا که از سلاطین اثور است این
شهر را بنام خود بنا نهاده و بعد مقصم عباسی تجدید
کرده پانصد هزار دینار خرج کرده و آن شهر را قسطن
فی باین شمال و بغداد و صحیح الهوا باشد و درین شهر
مرقد منور نورین الیزین شمسین القمین حضرت امام
علی النقی امام دهم و پسر بزرگوارش امام حسن عسکری
امام یازدهم علیهم السلام است و سه دایمیت در
انجا که خاتم الاممه امام دوازدهم مهین خیر خلیفه
الرحمن مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه فرموده
اما بنای کسبد و تقعه مظهر عسکری علیهم السلام از جمله

خان و بنی پیشد و بنای حرم و کسبد مظهر بنای
بسیار مرتفع بزرگمیت و روی کسبد مظهر را حرم
ناصرالدین شاه شاهنشاه ایران طلا نموده و خشتهای
طلا می کسبد مظهر را در طهران تزیین نموده بامور
علیهضان عضد الملک بدان موضع نقاش شده و حرم
ناصرالدین شاه بجهت اظهار اخلاص و ارادت شخصاً
مباشه انجمنست بوده و داخل تقعه را محمد علیخان بنیک
که از نوآبان لکناپور است انجمن بند می ممتاز
نموده و حرم مظهر بسیار با وسعت است و ضریح
مظهر اما این از فولاد پیشد شاه سلطان حسین صفوی
پیش کش نموده بسیار ممتاز و ضریح فولادی اول
مرقد مظهر امام علی النقی و دوم مرقد منور امام حسن
عسکری علیهما السلام بسم قبر بزرگس خواتون مادر

و انصاری را در کنار و صد و نوزده بار شاه سلطان حسین با آنها کسبد غضب شده است

امام دوازدهم و در ضلع شرقی ضریح فولاد صیخ از
برنج است که حلیمه خاتون دختر امام محمد تقی جوادی
مدفونست این کار را رواق مظفر از میرزا سلیمان
خان رکن الملک شیرازی پیا شد و چهل چراغ باصفا
روشنائی در رواق مظفر از مرحوم ضریح الدین است
و کنبه مظفر در وسط رواق و رواق دور مسکود
و ایوان مقدس سقف ندارد ولی ایوان بسیار
بزرگست سطح و هزاره هزار سنگ پیا شد
چندی قبل در کنبه مظفر شکافی پیدا شد که لازم تعمیر
شده بود از شاهنشاه ایران مظفر الدین شاه قاجار
امر تعمیر آن بقعه مقدس گردید بایتمام اولیای ملت
و دولت و بمباشرت حاجی عبدالهادی شیرازی
بقعه و کنبه را تعمیر عالی نموده و تعمیرات لازم سمست

شرق صحن و بعضی تعمیرات و گرا نموده و محل غایت
سردمبیت و اندراب چندین پایه بریز میرود و آن
موضعی است که اکثر امام زمان عجل الله فرجه و پدر آن
بزرگوارش از شر با اشرار و رانج مخفی بودند و بعضا
مشغول فضل بسیار دارد زیارت آنحضرت و پدر آن
در اینجا و اینجا خانه امام حسن عسکری علیه السلام است
و اندراب با افانج محمد برادر مرحوم آقا شیخ عبید
کاشی نموده و محل غایت خاتم الانبیا است
مشهد و در زرع دور چاه با سنگ مرمر فرش
کرده اند و شبکه مطلای سرچاه که اکنون برشته اند
از مرحوم ضریح الدین شاه بود مربوط آقا شیخ محمد خاتمی
شده بود کنبه کاشی مقام غایت صاحب الامر
و مسجد و شبستانی اینجا از بناهای مرحوم محمد علی

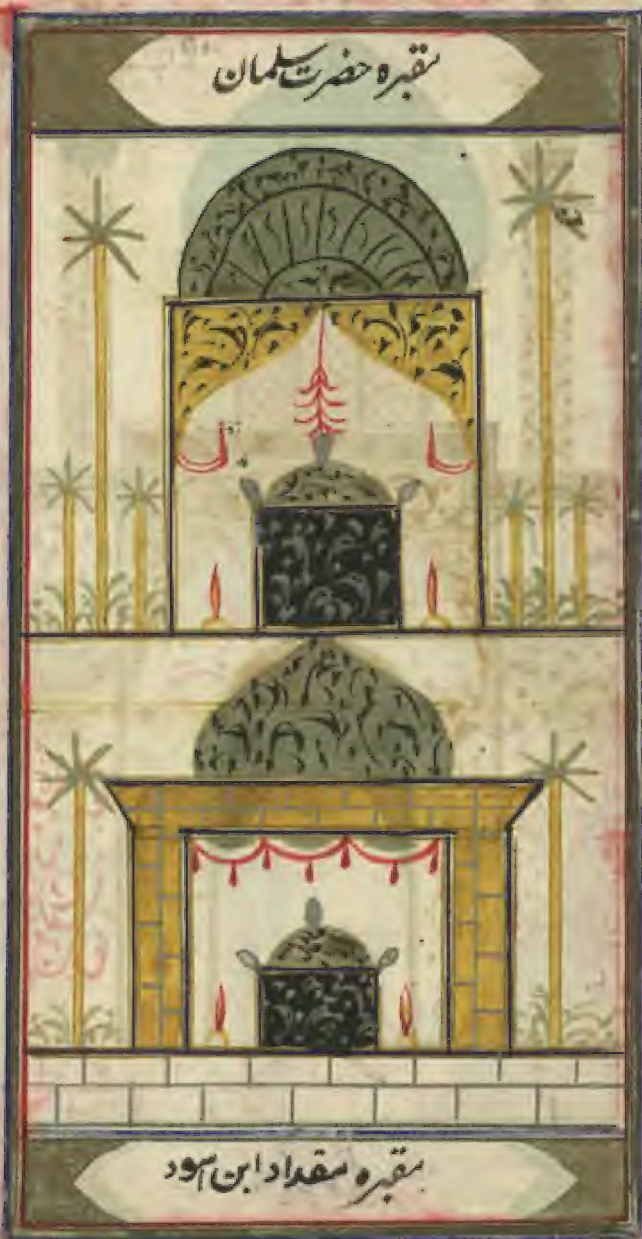
داخل سردر
در صفحه که چاه دارد
عبدالعباس
چوب که با برنجین احمد
ابوالعباس
کرسی و چهارم از
خلفای عباسی
رضب که در اینجا
در سبب نقاشی شده
و با علی و حجت
و صفی و خدیجه
نقاسی شده
و آنکه این بزمی
نشسته و در یکدیگر
اعتقاد داشته
ان هیچ کس
نمی تواند
چون

میز است صحنهای سامره یک صحن بسیار بزرگ که
 در جلو واقعست و یک صحن وسط در پشت و در کنار
 و یک صحن کوچک در سمت محل غنیت و صحن بزرگ
 بسیار جلوتر و چاه بیت رزیک محل غنیت
 و اینجا بیت که در میان خانه امام حسن عسکری بوده
 و هر وقت در میان چاه نگاه میکنی آب به چاه
 مثل بدر مید خشد که مردم از آب آن استشفای میکنند
 و کاشی کاری صحن و طاق نماهای دور و دونهاره
 کاشی مرحوم شیخ عبدالحسین از جانب مرحوم هنر
 الدین شاه متصدی بوده و در معروف صحن بهشت
 مد بزرگ از جانب قبله است و یکی هم در سمت که
 بصحن پشت سروفت و پیشتر آبادی و جمعیت
 سامره توسط مرحوم حجه الاسلام حاجی میرزا محمد حسن

شیرازی رحمه الله علیه شده مدرسه بسیار خوبی از برای
 طلاب و خام و بازار چهار چوبه زازین و اهل انجانب
 کرده و جسر روی دجله سامره را از ثلث مرحوم
 الملک بهدانی بفراش مرحوم حجه الاسلام کشید اند
 و این کمال آسایش از کشیدن جسر از برای عابری و
 رزوار حاصل شده خدام آستان مقدس تقریباً صد نفر
 میشوند و کلید داران روضه مطهره افاضیه علی اعمی که از
 دو چشم نمایناست القصه از جمله زیارتگاهی که در
 راه سامره است امام زاده عالیقدر سید محمد
 بختاج است که بقعه انجناب قریب بر بلده و کنه
 دجله و غنیت بلده در یکمتری سامره است از اینجا
 تا بقعه سید محمد دوم میدان سبزه است و این
 سید محمد بختاج فرزند امام دوم امام علی نقی علیه السلام است

که مرحوم حاجی میرزا حسین ^{رحمته الله علیه} شرحی در احوالات
او بیان نموده و سالی نیست که چند کرامت از آن
قبر شریف بطور زبرد اعراب و اماالی انصحات
اثقفا و غربی دارند و هر ساله در صورت امکان زیارت
میروند و ضریحی چند قبل نصب از روضه مبارک نموده اند
و در در راه سامره قبر محقر سیت کفشد که قبر ابراهیم
عالت شتر است کنار نه خشکی و قسمت آبادی ندارد
مقصود و فستیم در احوالات شهید مقدس که مرقد
منور سطر سلطان علی ابن موسی الرضا علیه السلام است
که آن بهام را روضه الظفر و سیت و دو و بروانی
دو سیت سید بر شید نموند و در قرین آباد که
موضعی است در چهار فرسخی طوس مدفون گردید
و شهید مقدس انحراف قید از نقطه جنوب چهل و

مقبره حضرت سلمان



مقبره مقداد ابن اود





بقعه سید محمد تقی

مشهد

پنجره است و طوس مشتمل بر دو قصبه بوده یکبار
 طایران و یکی را نوقان میگویند که اکنون هر دو حکم
 واحد دارند بر برد و آنها مشهد گفته میشود و روضه
 مطهره حضرت رضوی از حیثیت خدمت و کشیک
 و چراغ و موقوفات نظم و قاعده ترتیب و خلعت
 شریفه آنکه در گذارد و یکبار و پنجاه یا نوزده است
 حضرت ثامن الائمه علیه السلام در آن بقعه منوره
 مدفون شده از سلاطین و مخلصین شیعه آثار و عمارت
 بسیار برقرار است هر حکومت و متولی استانی که
 از جانب پادشاه ایران مأمور بایران اقدس
 شده بقدر لزوم تعمیر یا خدمت و گریستان مقدس
 نموده و اسبی باقی گذارده و پیشتر نیا از عهد
 صفویه است و بعد از صفویه نیا و تعمیرات بسیار

از نادر شاه افشار و از عهد سلطین قاجار است
خاصه در عهد شاهنشاه مرحوم ناصرالدین شاه پیش
ای حاصل فی الجمله شرح صحون مبارک و عمارات از نحوه
مطهره بدین موجب است صحن بزرگ که از طرف
شمال پشت سر حضرت واقعت معروف بصحن
عمیق طول آن که از مغرب بمشرقست تقریباً یکصد و
پناه قدم متوسط میشود و عرض آن که از شمال
بجنوبست تقریباً یکصد قدم میشود و نصف این
صحن که در سمت ایوان و کسبند طلاست از
بنایامی امیر شیر علی وزیر شاه سلطاننجین است
و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است
نایباً مدارس اهل سنت بوده مرحوم شاه عباس
ثانی بر صحن افزوده و این صحن را پنجد است

حجرات واقع درین صحن فوقانی و تحتانی است
و آنچه از بنایامی ان باسم و رسم است از اینقرار است
ایوان طلای نادری که بنایامی از امیر شیر علی
و طلایامی ان از نادر شاه افشار است و از این
ایوان دری بدار سیاده و دری بتوحیدخانه
میرود کتابخانه مبارکه در ایوانست محمد ناصر خان
اشیک اقا سی باشی در عهد مرحوم ناصرالدین
شاه تعمیر ایوانرا نموده است و در مدرسه میرزا
جعفر که از بنایامی بسیار عالی در عهد اوزبکیان
ساخته شده است و در کسبند قبلی اسم شاه سلطان
حسین ضبط است معلوم نیست که مرحوم شاه
سلطاننجین معمر یا بانی این بنا بوده باشد و در ایوان
شاه عباسی که مقابل ایوان طلاست که کاشی

کاری ان در نهایت اقتیاز است که چلو ان
مفتول کشیده شبها با چراغ کشیک خسته را معلوم
میدارند و در پشت سر الوان محل مدرسه ملا نایب
که مؤتمن الملک مستشار خراسان تعمیر مدرسه را
نموده در آن مدرسه بجز کلدسته طلای نادری بنا
عالی دگر ندارد و تعمیر این کلدسته را بعد از نادر
شاه والده خاقان خلد اشیان کرده شد غنای
مکتب خانه ایتم کشیک خانه در بانان مجبسخانه
حضرت درین صحن میباشد بالای در صحن که از
سمت جنبان پائین وارد میشود نقاره خانه
حضرت است که مرحوم حاجی قوام الملک تمام نموده
که در تاریخ ان گفته اند هر باداد نو بقیانش فرارام
هر یک ز کاسه سر کاس کرده کوس نرخون

بدیهه از پی تاریخ سال گفت باید نرخون
الوان شاه طوس ^{۱۲۸۷} سقاخانه وسط صحن موسوم
سقاخانه طلا که سنگ اب انرا در عهد نادر و در
اصل بمارت و طلای انرا اسمعیلیان طلائی در
عهد خاقان خلد اشیان ساخته است نهرو وسط
صحن اب ان از دروازه بالا جنبان چار لیست بخط
مستقیم وارد صحن مطهر و از صحن مطهر وارد جنبان
پائین پا از دروازه پائین جنبان بیرون میرود و
این اوقات اب دگر را هم مجرای اورا ساخته
وارد صحن مقدس نموده اند و در تولیت صدق الله له
متمولی باشی بامرهای یونی از منافع ملکی حضرت
از دو سمت کنار نهرا بزرگ را معبر کشیده
از در صحن بالا جنبان تا قریب بدروازه بالا جنبان

و از در صحن پائین جنبان بهم شرح لفظ بسیار بر
 شکوه جنبانها افزوده و صحن جدید که صحن شرقی باشد
 معروف بصحن خاقان که پائین پای می مبارک
 واقعست و اصل آن از بناهای خاقان خلدهایان
 و این صحن بسیار خوب اتفاق افتاده طول این
 صحن هم از مغرب مشرقست کاشی کاری آن در
 کمال امتیاز است که میرزا موسی خان غنوی با
 تعمیر نموده و آزاره سنگ آن قدری از مرحوم
 ابله و قدری از میرزا محمد الباقی محبت باقی مانده
 آن از میرزا فضل الله خان وزیر نظامست و
 این صحن با چهار در است در می بطرف مغرب و شمس
 بهائی علیه الرحمه است عمارات واقعه در صحن علاوه
 بر عمارات فوقانی و تحتانی و در صحن که محل توطن

طایفه نسبت از آن قرار است ایوان طلای مبارک
 ناصری که اصل بنای آن از خاقان مغفور است
 و طلای آنرا بر حسب حکم مرحوم ناصرالدین شاه
 میرزا محمد حسین عضد الملک در ایام حکومت مرحوم
 حاکم السلطه از منافع ملکی حضرت فیض آثار
 ساخته است و از این ایوان در می بدار السعاده
 کارخانه و شربت خانه خدام در این صحن واقعست
 و در کارخانه از وسط ایوان رو بشمال مقابل دری
 که از پائین جنبان وارد صحن بطرف می شود سقاخانه
 کاشی و وسط صحن از بناهای حاجی محمد رضای
 و در صحن مسجد کوه شاد است که پیشرو می مبارک
 واقعست و آن مسجد یکی از بناهای عالی است
 و خاصه کاشی کاریهای معرق که با چینیهای بسیار

ممتاز میتواند بر ابری بکند و بانی این بنای عالی از
 کوپشاد است که عروس امیر تیمور کور کالست
 و در این صحن چهار ایوان و شبستان و چهار در
 دارد و در میانه محوطه معروف به پائین یا مقبره مرحوم شیخ
 بهائی علیه الرحمه است و ساحی ایوانها ایوان مقصود
 با کنبه بسیار عالی و دو کلدسته بلند کاشی و بهر ایوان
 دوازده زرغست و ارتفاع آن پست و پنجره و نیم
 و طول آن سی و چهار زرغست ارتفاع کنبه
 که در وسط آن دهفت چهل و یک ربع و قطر های ایوان
 پنجره و ارتفاع هر یک از کلدسته ها چهل و یک ربع
 و نیز از محسنات این ایوان آنکه از سنه هشتصد و
 که بنای آن شده است الی حال بهر چه محتاج تعمیر
 نمشته و در میان کنبه این ایوان دو بنر از چوب



ایوان طلا و کنبه نظر حضرت علی ابن موسی الرضا

که بنبر بزرگ قدیم است بموضع مخصوص که بعد از نماز
 مسجد ساخته اند و بنبر کوچک در عهد خاقان خلد
 اشیان و و قزلباشی شده اند ساخته اند و دکر ایوان
 سمت حضرت معروف بایوان دار السیاده که در
 بحریم مظهر می رود و از دار السیاده و دکر ایوان غربی و
 دکر ایوان شرقی و شبستانها در اطراف دارد و وسط
 مسجد محوطه البیت که معجر سنگ در او کشیده اند
 معروف بمسجد پیره زن و تمام کاشی کاریها
 این مسجد آیات قرآن و احادیث و اسماء الهی ضبط است
 یک میز از سنگ در کنار مسجد است بعضی از
 عوام میگویند که حضرت رارومی او غسل داده اند
 اصلی ندارد و نیز را در وقت بنای مسجد ساخته اند
 و تولیت مسجد مجرب است باس و ائمت که از قدیم



با آنها بوده خدمه و دربان و کشیک دار و امام
جماعت و اعظم مسئله که مؤذن بسیار دار و عمارت
رواق مطهر سمت غربی بطول و افقش در آنست
که از سمتی بمسجد کوهبرشاد و از سمتی بسقاخانه و بایوان
طلای نادری می شود از بناهای کوهبرشاد است
و از دریکه بدار سیاده از طرف مسجد کوهبرشاد
وارد میشوند دست راست بجز دیوار یک سینی
اصن بکرده اند و باریخ ان سینی از عهد بنی عباس است
گویند که اکنون زهر آلود در میان این سینی بوده است
و سمت شرقی دارالسعادة است که از بناهای صف
الدوله است پائین با واقعست بالای انجوطه پائین
پاست و ایوان طلای نادری جلوی ان واقعست
و سمت شمالی توحیدخانه است و سمت جنوبی

دارالحفاظ است که سمت بالای ان حرم مطهر است
و سمت پائین ایوان مسجد کوهبرشاد است که آنست
کاری از امر حرم حمام السلطه کرده است میان
غرب و شمال سقاخانه و راه کله رسته طلای شاد
عباسی پیشه میان شمال شرقی کتبخانه حضرت
و کنبه الله و روی نیست که دارالضیافه حضرت مدیک
سمت انواقست و این بنسبت قوی است که
سابق کریاس حرم مطهر بوده از ابله الله و در آنست
که پیکر پکی فارس بوده در زمان صفویه ساخته شده است
و کاشی کاری ان در کمال اعتبار است که بمبایات
قران و احادیث ضبط شده و کفش کن ان
بعضی قدیم است که سر در ان نوشته این کفش نیست
در که عرش عظیم این کفش نیست طور موسی کلم

این واد مقدسست فاطمه علیک این باب
 خداست فاسجد و اعظم میان شرق جنوب
 مدرسه علیقی میرزا است که در او میرزا علیزاده
 مستوفی مهماتی نه ساخته در حقیقت این مدرسه حال
 حیات کشیک خانه است و در پهلوی آن کشیکخانه
 خدام و قهوه خانه و راه رو کشیک خانه معروف
 بکبند او یک میرزا و خزانه مبارکه که در آن از دارا
 لحفاظ است سمت میان جنوب و مغرب تخته
 فراشان که در هر دو از دارا لحفاظ است و در حرم
 مدینه از قصیده ملک الشعراء خسرو قاسم اسکات
 منظر یزدان رضا کز بهایون ذات او فرخنده
 اشکار نور حق طور تجلی زاده موسی که مست
 عرش و جبرئیل عیش برده دار سوده بر پاک سن

نیر اعظم جبین رفته از عالی رواقش خان
 جنت غبار حرم مطهر امام هشتم علی ابن موسی رضا
 علیه الاف التحیه و الثناء محلی است مربع که در وسط
 اعلا ی ان ضریح مطهر و لغت اصل بنای این
 چهار دیوار و این بنای عالی مقدار از اسکندرا
 کویار ورنی از این زمین هشت این عبور کرده
 واقعه خارق عادی مشاهده فرمود سبب از آن
 بر همین دانا جو یا کشته آن خبر داد که مکان مدفن کی
 از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد پس ندزی بخاطر
 گذرا بند بعد از وصول بمطلب چهار دیواری محکم
 درین محل برپا نموده که تا کنون بهمان اسم باقیست
 بیرون الرشید در زمان خلافت روزنی از طوس
 بان محل رفیع آمد از حقیقت آن جو یا کشته حکایت

گذشته باز شنید پس امر نمود بر آن کسبند عالی بنا کرد
 بعد از فوت هرون الرشید مامون الرشید جسم
 در این محل دفن کرد و غافل از اینکه هرون الرشید را
 همان ساعت بجای خود میرند زیرا آن موضع بقعه است
 از زمین بهشت و سیکه موسی بن جعفر فرزند بنو عباس
 بزرگ شهید کند از اهل بهشت نخواهد بود ای صلی
 در زمان خلافت مامون چون بزرگواران را با کوریا
 هر دو آنها روح پاک و کوریا بنایک امام غریب
 در قریه سنا باد که هنوز بعضی از محلات مشهذب
 آن مشروب میشوند بعالم قدس و مرکز اصلی خراسان
 با شارت مامون جسد مطهر را بجایکه بالای سر هرون
 بنجاک سپردند غبار انکار از اوطیای دیده رضوان
 کردند مامون بنی است که قبر آنحضرت را در عقب

سر هرون قرار دهد هر چند کلنگ بر زمین زده احصا
 کنده نشد آخر در جایکه حضرت بابا صلیت خبر داد
 بود قبر ساخته هرون آمد بتفصیلیکه در کتب اخبار است
 باری چون قبر هرون در وسط واقع بود اینست که قد
 مطهر منور بالای سر واقعست پس ضریح مطهری
 واقع شده که وسعت سمت بالا بسیار گشت و
 نزدیک گشت این هم از کرامت آن قبر مطهر است
 زیرا رفار آنحضرت با موضع که میرسد انظارهای
 بنی عباس که بخاطر ایشان میرسد از کشتن مکان امام
 علیه السلام تبرأ میجو و لعن میکنند هرون و مامون را
 باری مرحوم شاه عباس صفوی بالای کتبند
 مطهر را اطلاع نموده مرحوم حاجی فرهاد میرزا می
 تذکره هب کند مطهر را از مادر شاه افشار نوشته

نادر شایسته کند مطهر را کرده باشد هر چه داخل کند
 مطهر را در عهد مرحوم ناصر الدین شاه نیز اصادق
 قائم مقام بنیه کاری بسیار خوب متعارف نموده
 کاشی از اره وسط کسند که مرکوب چینی فقور است
 و قسم ساخته شده است قسمی در کتیبه که خطوط
 رقع و اسلیمی چسبته دارد میتوان دعوی کرد که
 تا امروز چینی باین صفا و صفت باین وقت دیده
 و در کشتیهای سند سفید است که با خطوط طلا
 بایات و احادیث تزیین یافته گویند که خمیره این
 کاشیهای اعلا از معدنیت که بالفعل در نواهی
 موجود است آنچه تحقیق پوست این کاشیها با
 کاشیهای علی ابن جعفر که در قم موجود است در یک
 عهد ساخته شده است هر دو کار یک استاد است



سقاخانه طلا

مشهد

و حرم مطهر را از دو سمت یکی از سمت بالا سرد
 یکی از سمت پشت سرد و فضای شاه نشین مانند است
 سمت پشت سرد مسجد زنانه و توحید خانه میر و دو
 سمت بالا سرد را مرحوم محمد ولی میرزا ساخته مسجد
 ایشان موسوم و زمین این مسجد بالا سرد را سنگها
 میباشد که قیمت جواهر است و این دو مسجد از
 سر یکدیگر راه دارد که این کار از اعیان خان
 میر خجسته نموده است و اکنون در پشت سر محل قرائت
 کلام الهی است اما ضریح مطهر مربع طولانیست که سطح
 از سنگهای قیمتی پوشیده و او را سه ضریحیت
 ضریحی که دور قبر مبارکست از طلاست که مرحوم
 شاه عباس جنبت مکان در سفر که پیاده بان
 استان ملایک پسر پادشاه بر حسب نذر بنیافت



دارالشفای حضرت

هزار تومان انجام داده ناصر قلی میرزا نواده نادر شاه
 از او دید و بعد حکم نادر میرزا بجل خود و عود دادند و
 پس طلای یکمیتان در حمل و نقل مفقود شده
 و حال یکمیتان نقره و سیمت آن طلاست
 و بالای آن یک شیر و منیت و خیرج و کرفولاد
 مرصع که نادر شاه افشا ساخته و دانه نشانست
 و بالا آنم یک شیر و منیت که بر روی آن صفت طلا
 استوار است و روپوش بالای این شیر و منیت
 و سببی از طلا در وسط آن شیر و منی نصب کرده اند
 که در میان او جواهرات بسیار نصب است و قبه
 طلای جواهر نشان در دو طرف سلب صفت
 و پن خیرج مرصع و خیرج فولاد یک شیکه از برنجست
 بجهت محفوظ بودن دانه های جواهر و در خیرج از طرف

پایین پاتلای صفتست که جواهرات بسیار بر او
 نصب است خاقان خلدراشیان ساخته و طلا
 از او در عهد سالار بردند بعد بر حسب حکم مرحوم ناصر
 الدین شاه سلطان مراد میرزای محرم سلطنت طلا و
 مرصع کرده است و روی از این قندقی قرار داده
 و اکنون در یک لنگه در اسم خاقان مغفور و در یک
 لنگه در اسم مرحوم ناصر الدین شاه ثبت که از زیر
 این معلومست این دو پادشاه بدر بانی سلطان
 عالم مقهورند و در خیرج فولاد پیش روی مبارک
 پاپن پاتفاق افاده بخط میرزا عبد العلی نیردینی باب
 طلا بالای آن نقش است و الله روضه من ریاض
 المحبته و قفل نقره بر این در است و در چهار کج محرم
 سطر فلاد بل طلا و نقره و جباب نقره بسیار و خخته

و یک قندیل مرصع جواهر نشان در بالای سرو خیمه
 و یک جعبه انیمه بزرگ در بالای سر مبارک نصبت
 که حقیقه و تاج و جواهرات و کار دو جواهر و حقه بزرگ
 از خاقان مغفور و از سلاطین سلف و صفویه و از نادر
 شاه در آن جعبه است که نیازان استان بعد از
 نموده اند و یک حقه تل در در میان جعبه انیمه در کتبه
 بالای سر نصبت است که مرحوم ناصرالدین شاه در سفر
 شرفیابی پیشکش آن استان مقدس نموده و دو جعبه
 کوچک آنهم بالای سر نصبت است که بازو بند جواهر
 در میان آنهاست و یک جعبه بالای سر الحفظ
 که شمشیر جواهر در میان اوست و جواهر و پارچه با
 قیمتی بسیار بها شده که همه وقف نیازان استان
 مبارکست اشیاء پیشکشی انقدر وقف از وضه

مطهر است که حد و حصه ندارد و چه در خزانه مبارکه
 و چه در کتابخانه آنحضرت فرشته دقایقها از سلاطین
 قدیم و صفویه وقف است که هر پارچه آن صدراعظم
 از ترمه کشیده بالا تر است اصلا کتیبه مرحوم مرحوم
 در عهد مرحوم ناصرالدین شاه و بهیر الملک تمام نموده
 و بر کتبه میان در پائین پانوشته قدم گذار
 دمی در وساده وحدت بچشم دل سوی این قصه
 ز نگار نگر در واقع اگر پرده غفلت و حجب
 حب شهوات دنیا از پیش دیده برخیزد جلال طبع
 آنحضرت معلوم خواهد شد و حرم مطهر را سه در است
 در می بدار الحفاظ در می بیایین پا و دری جنب
 خانه و درهای طلا و نقره رواق در وضه مطهر بسیار
 و از سمت مسجد بالای سر بدار السعد و نجره از نقره

که در تولیت میرزا محمد خان محمد الملک در عهد مرحوم ناصر
الدین شاه ساخته و یک نخره از سمت توجید خا به سمت
صحی قدیم است که از برنجست معروف به نخره فولاد
و بر کتیبه تمام رواقها و در وسطه مطهر قصیده شعراست
و این دو بیت از قصیده قائمی ثبت شد زمین بخت
از عرش برده فرش تور و فن زمین زمین محمود
هفت کاخ مطبق کدام منظر چون بود خاک تو
که از زمین تو خیزد همی خروش اناحق و بسیاری
هم قصیده شعرا در قباب امین کرده او خیمه اند و این
خادم الزارین در وقتی که در ارض اقدس مشرف
بودم در روز عاشورای هزار و سیصد و هجده
در صحن مقدس ملاحظه شد که از تمام محلات مشهد
واطراف مشهد بجهت عزاداری حانس اعبا همی

از هر طرف متصل و مستقیم زن با طوق علم دار و صحن
مقدس میشد و مقابل نخره فولاد طوق علم را عظیم
واده و عزاداری میکردند پیرون میرقد بخاطرم افتاد
الوقتی که پسریاد ملعون دست به بسته اهل کوفه را علم
میداد و بجنگ پیر فاطمه روانه میکرد و حالتی منقلب شد

مقابل نخره فولاد عرض نمودم

یا بن رسول الله یا بن موی الرضا یا من الائمة جزاک الله عن
من چون یکوم اه زبانه بریده باد نزد پیر مصیبت خدش کلام
آخر کشید کار که از طلم کوفین از زمین در روی زمین خدا
و اعتراف می آید که شعله شد بلند کرد بیان بکریه تمام از صد
از زخمهای چید و ضعف تنگی بر خاک نیت و عین مصطفی
القدر شبیه بود غریز حسن ۴ این سخن نشکست که سید علی
اب فرات مهریه مادرش قول کچر عه کس نداد بدان خاس

نصرانی قهرام نمود از میان کله چون دید حال عرب سطل و کله
 شمر لعین ز سوره طه غرورم خجسته کشید کشت و آن سطل
 چون قطع کرد شاخه بر جان طه نو از دیده کان جاری محبتی
 بارف شهادت شرجع باون موی کنان سینه زنان احاطا
 شد در عروج گوشت و استخوان کوباشنده بودونی حسین
 بکرست آنچه بود بر کجا نه رسول سرخی پدید گشت ز خساره سما
 چون شد هلال ابروی شهید کشتی از اختران برج حیاء فغان
 و انگا تا خند بغارت خیانت دنیا پرست کوفی پشتم و حیا
 نامرد ما بقرت پس نشو و هست نشا خند حرکت و اشک و الضی
 ان اهل بیت سبکس اطفال در بدر فریاد میزدند که ای و محمد آ
 آتش چرا زدند و کرب بر خاست زنجیر از چه کردن پکار بر بلا
 این بود آن سفارش و تقیر و کول امت چه خوب اجر بی داد حیا
 در راه شام و کوفه و مجلس زید ای چاکد شست با طفلانوا

دست بریده باوید این چه ظلم بود بر جامی بسکاه بنی خنزران
 خیز زلفت داده ناست تر و داغ بر پاستاده نور خدا
 اولاد دیند متکی اما چاک میزن کوه و قار فاطمه ان عصمت خدا
 این در می کشد که ز ناراده شستند خواهد بود بخواهر مادر خوا
 زایر به بند لب کن اسرار حق عیان اظهار بندگی بود این صبر و عطا
 قربات ایچین کشتی که می شد مارا بقیع روز فیاض
 انچه روحی ز شمعش ارض طوس اینور کرد کار ولی خدا
 یک سکه قبول باعمال ما برن لطفی در محبت بروم کوی
 و انم چرا که هر دل شیدا ش طابت زیرا که بود ناله ملل خنجر
 بادوستی فاطمه اولاد فاطمه زایر بز تو میر عشقیت عینوا
 این مرثیه را با قصید سلامیه که در آخر کتاب مذکور است
 وقت شرفیابی حضور از روضه مبارک عرض نموده بودند
 در قطعه از کربلا می مغنی تقدیم ان استان مبارک نمودم

القصه مقبره شيخ بهائي عليه الرحمه با بعضی از علما
رواق در محوطه معروف بپاين پايه شد و كیل الملك
بيترزي كه از سادات طباطبا عيت صندوق او را
ساخته و ان بقعه را تعمير نموده است و در رواق
مطهر و محسن القدر از قبور سادات عظام و علما
اعلام و اعيان و خدام ان استان مقدس فخره است
كه در محضر بير و سنت كه مشرق قاري و چراغ دار و تقريبا
شبی هزار جو قران در روضه و اطراف قرائت
ميشود و از سلاطين شاه طهماسب صفوي نزديك
مسجد زانه مدفونست و در قبرستان معروف
بقلعه قبور بسيار از سادات و علما و غيره است
از ان جمله قبر سيد احمد كبير از اولاد موسي بن جعفر
و قبر او در زير خاك مخفي بود و چند نفر در ويسه اتمام

نموده ان قبر را از زير خاك بيرون آورده ميرزا
رضاي صديق الدوله متولي باشي انجارا تعمير نموده
و از علما قبر شيخ طبرسي اعلي الله مقامه با بعضی از علما
و كرم در قبرستان قلعه است و دار الشفاي حضرت
در جنابان بالا و اقصيت كه چند نفر طيب شرف و بان
پرستار همیشه موطيت از پماران و غربا و زوار و ايتما
و مهاجران و عمومي حضرت در بستان بالا جنابان و اقصيت
كه از زوار و غربا و فقرا پذيراني ميكند سه ماه حرم
شعبان رمضان از موقوفات مرحوم ناصر الدين
شاه صرف ميكند و مهاجران و خدام علاحد است
در صحن نو باشد اشرف النظاره ميرزا محمد صادق ناظر
كه ناظر حضرت است از سادات رضويست بقول
مشهور است و پنج پشت بخت رضا عليه السلام

و نایب التولیه حاجی سید حسین عرب که پدر سید
 سعید کلید دار حضرت ابوالفضل بود و مادرش دختر
 خاقان مغفور است و پنج کرشیک و پنج خدام باشی
 و در بان باشی کل در بانان و صاحب منصبان آن
 استان هر یک بلقی و بخدمتی سرفراز و خدام استان
 ملا یک پاسبان زیاده از هزار نفر میباشند که
 در کشیک خسته خدمت مستند کشیک تجیش و
 تقریباً دویست نفر زیاده اند بغیر از اعیان و ارکان
 و سایرین که اسمشان در دفتر حضرت محض امحار است
 زیاده خرج از وضعه مطهر و خدام استان ملا یک پاسبان
 که بیشتر از موقوفات حضرت است تقریباً تا نوزده هزار
 پانزده هزار نفر و صیفه خور و شهریه گیرنده و مستمری
 و غیره از آن استان ملا یک پاسبان بهره مندند

و مدارس بسیار در خیابان پایین و بالا و اطراف
 از وضعه مطهر است طلاب بسیاری در آن مدرسه
 مشغول تدریس است و چند مدرسه از عهد صفویه است
 و بعضی مدارس محروبه که تعمیر لازم دارد و کنبندی
 و بقعه در خیابان پایین است کفشد قبر پیران
 روز است که مردی کلبی بوده و از عرفا میباشد هر
 روزی که دارد میشده اگر پیران حیوان اینها مندر
 شده بود و مجازاً تعمیر و معاصر با شیخ بهائی علیه الرحمه
 بوده در عهد شاه خدا کندی ساخته اند و مقبره و
 فضائی دارد و مدرسه در جنب آن و قسمت
 عجب اینکه یک کان نالوانی در پائین خیابان نشان
 دادند گفتند که اینجا قبر حمید ابن قحطبه طوسی است و این
 ملعون کسی است که در کیش حکم هر دن ارشید

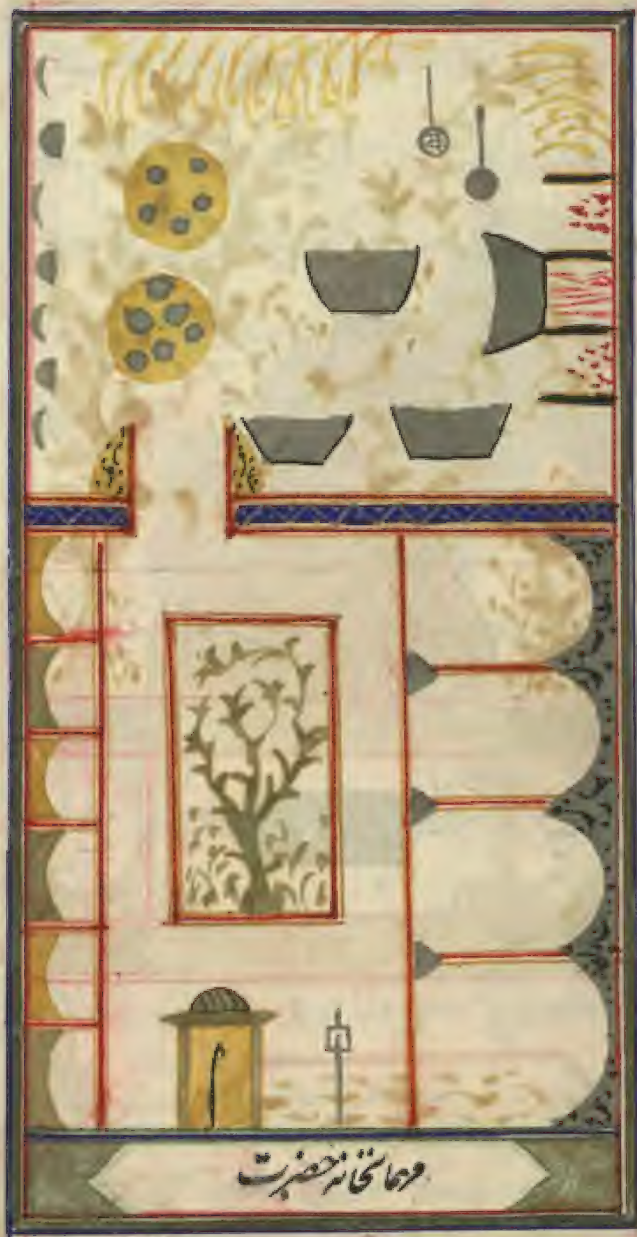
عباسی شصت نفر از اولاد علی و فاطمه طفل جوان پسر را
 کردن زود و سر از زیر در چاه کرد و الحال قبر او در جایی
 اتفاق افتاده که آتشی که از برای مان بختن میافروزند
 روی قبر این معونست که قبر او با آتش دنیا و خود معونست
 با آتش جهنم میسوزد و الظاهر و عنوان لباطن ایصال خواهم
 ریح تا مشهد مقدس یکفرسخ روست کونیند خواهم
 ریح از تا پهن و اخلاص کشش حضرت امیر المومنین
 بوده و از جانب حضرت در ری و عراق ریاست
 لشکر با او بوده و در جنگ صفین با چهار هزار
 مرد جنگی از ری با مداد حضرت بکوفه آمد و قبر او در
 کنار رودخانه طوس است در خبر است چون حضرت
 رضا علیه السلام داخل سنا باد شد پشت مبارک را
 گذاشت بکوهی که قریب شهر مشهد است که دیگرها

و ظرفها را از او تیرا شدند و فرمود خداوند انبجش
 باین کوه و بکرت ده آنچه در ضریفی گذارند که از این
 کوه تراشند از آن روز مردم دیگرها و ظرفها را
 کوه تراشیدند و بکرت بافتند اما قد نگاه در
 منزلی مشهد مقدس در دامن کوه و بته و قعده
 بسیار جای با صفائی اتفاق افتاده است
 اصل قد نگاه عبارت از بقعه کوچکی است که سلا^{طین}
 صفویه ساخته اند که کبند عالی دارد تمام او را با کاشی
 معرق زینت داده اند و در دیوار آن بقعه شخته
 سنگ سیاهی نصب نموده اند مسطح که بر آن
 نقش پای مبارک گویند که سنگ را زیر او
 آتش میگردند و در روی او نان می پختند
 خدمت حضرت اتغاشه کرد و حضرت نقشبندی

مشهد

مبارک همچون حجر الاسود بوسه گاه خلایقش کرد
 و از اطراف زیارت ان مقدم شریف آمده تحصیل
 سعادت نمایند لطفه بوسیدن پیش کرت
 نیست میر نقش قدمش جای گرفتست بکنی
 در سمت شرقی این بقعه بفاصله چند قدم چشمه است
 کانه سلسیل که از قرار مشهور از زمین دست مبارک
 معجز اثر حضرت جاری شده و عابرین و قوافل در راه
 از ابدان استشفاء حاصل میکنند و آنچه محقق است که
 قدمهای مبارک حضرت بان مکان رسیده و خود
 الشریزین گواهی میداد از نزاهت و صفای خانه
 در محله الزائر مجلسی علیه الرحمه نقل میکنند که ابن ابویه
 روایت کرده است که چون حضرت رضا علیه السلام
 در وقتی که بنزد مامون میرفت بده سبز رسید

که این



و حاکم آن حضرت



قدسگاه

قم

که بین قدمگاهست از برای ظهر فرو داند ادا طلبید
 بجهت وضو کشیدن رسول الله ب همراه ندایم پس
 بدست مبارک زمین کاوید انقدر آب جوشید که
 آنحضرت و هر که با او بود وضو ساختند اثرش تا امروز
 باقیست اصحاب باغ قدمگاه درختهای گلاب کهن دارد
 که زیاده از پنج زرع قطر دارد و از سنه قدیم خبر میدهند
 گویند در عهد شاه عباس صفوی کاشته اند بقعه و
 باغ را در عهد هر سلطان تعمیر کرده اند در عهد مرحوم شاه
 شاه هم تعمیر شده و این اوقات تمام آن بقعه و باغ را
 از موقوفات خودش شیرالدوله حاکم آنش تعمیر نموده
 مقصود ششم در احوالات شهر قم که در اینجا فاطمه
 و مشرعی بنی بن جعفر علیه السلام مدفونست و شهر قم در
 کنار رودخانه واقعست و قم در عرض سی و پنج درجه

قم

طول یک درجه احراف قبله سی درجه است و اهل قم از
شیعه های قدیم بوده اند و قتی که کل ایران مذنب
اهل تشن داشتند قم و کاشان و استرآباد و سبزوار
شاه بورشیه خانه بوده و چند حدیث در مدح ارض
بیضا قم رسیده است و بسیاری از علما و صلحا
و اخبار از اهل قم بودند که در حق آنها انجید
کافیت لول القبول رضا الدین و حضرت معصومه
فاطمه بنت موسی بن جعفر در زمین مایلان قم مدفون
که حضرت رضا علیه السلام بعد شهری فرمودند
هر کس زیارت کند او را هشت از ان اوست اول
بر سر قبر مطهر حضرت معصومه سایه بانی ساخته بودند
تا اینکه در بنب دختر محمد بن علی الرضا قبه بنا نهاد و بعد
در سینه منتصد و هست نه شاکی یکم قبر را بزرگ

قم

کرد و تجدید نمود و این شاه یکی کم خواهر کوهر شاد است
که عروس امیر تیمور کور کالست و بانی مسجد کوهر
شاد که در خراسان انجید و فست و در قبه حضرت
معصومه هفت قبر است اول حضرت فاطمه
موسی بن جعفر و دوم ام محمد دختر موسی رضایه
و خواهر محمد بن موسی سیم میمون و دختر موسی چهارم
ام اسحق جابر محمد بن علی پنجم حبیب جابر ابی علی
ابن احمد ابن الرضا و این نیز مادام کلثوم و دختر محمد
بوده است ششم ام القاسم و دختر علی کو بیستم
جعفر بن محمد بن اسمعیل بن جعفر الصادق و این اول
کسی است از سادات حسینی که بقم آمد و قبر او قبه
فاطمه بنت موسی بن جعفر متصل است و بعد غیر
نمای بقعه و صحن و مدرسه را سلطان صفویه نمودند

تا در عهد خاقان مغفور فتح علی شاه دفعه و صحن و مدرسه
 هزار تومان پیشتر تعمیر و غیزه نمود از جمله تدبیر
 کنند مظهر و نقره ضریح مقدس و سنگهای مرمر
 و در ضریح و گوی کوچک مکتل بجواهر بالایی سرافراشته
 و در میان آن شده مروارید با زنجیر طلا و حقه جواهر
 و قنادیل طلا و نقره و تمام در طلا و درینا در سمت
 شمالی حرم که از خاقان مغفور است و این فصیده
 از ملک الشعراء کاشی است که در دور کنند مظهر است
 الشیخ محمد عجمان از نسبه سنی با که گردون بارگاه بصورتی
 بوضع موسی بر جعفر فاطمه کرد خان درگاهش سپید خورشید
 نوکلی روشن زطر و گلشن لوتی روشن ز صندل طلوع
 بر توی از اقبال صفائی مصطفی زهره از آسمان عصمت زهره
 صحن این است اقصی به غریب خندان گزشت و مسجد و وقف مسجد

و این خدمت در و در ضریح مظهر و کتیبه است
 یارب اجدد برین خدمت و یا همایون بارگاه بصورتی
 این معین با تو که در برج فخر نسل پاک داده است جویا
 مبت موسی فاطمه ازت الرضا کرد تربت پاک مشک غنیمت
 باری این بندگی داخل بقعه ازت براده یکا و سیزده
 طلای بالایی ایوان از مرحوم خیرالدین است از راه
 سنگ دور تا دور حرم مظهر و مسجد زانیه پیشروان
 میرزا علی اصغر خان صدر اعظم است و نقره پائین
 و در رواق پائین با اربعین خان نظام السلطنه میشد
 بنامی کلدسته صحن قدیم از شهرت الملک است طلای
 بالایی کلدسته از نایب السلطنه کامران میرزا میشد
 و از سلاطین صفویه شاه عباس ثانی و مرحوم شاه
 صفی و شاه طهماسب و شاه سلطان حسین صفوی پسر

بقعه و در اطراف حرم مدفونند و سلاطین جاریه
 مقبره خاقان مغفور در صحن سمت شمالی و محبت
 و مقبره محمد شاه سمت مغرب صحن است و این دو را
 از خاقان مغفور است خاقان کجانی و مردم در
 حضرت معصومه پناه آوردم مهر بنی و حنی یارب
 برد که گریا گواه آوردم ایضا خاقان و مانده در هم کلاه
 زورنگ خلافت شده و تم کوه اندر حرم است
 حبه پناه با فاطمه شفقی لغدله و بالای سر صحن
 سمت شمالی زیر ساعت این چند بیت نوشته از
 میرزا عبدالمجید شاعر است بعد از حرم و حجه
 ناصرالدین شاه که سوده رفعت و می بتاج کیکاوی
 جناب لولیتا سیمی سبط دوم که قدر است
 بر از دانش عقول نفوس خود این مقبره شایان

بلند ایوان که رشک کجیوان چرخ ابی نوس
 بر لب صحن کزین تخت کجیوان جناب فاطمه خدیو خطه
 شعاع شمع شبنان عصمت کجیوان شفیع دوسر اگر کار ناکوس
 که شد ز جبرنی هزار و سید و پنج ز خراج داد عطار بود کلک شید
 و بر سر صحن از طرف مدرسه فضیه اسم شاه اسماعیل
 در کاشی نوشته نصب است و در سر مدرسه که از دار الشفا
 داخل میوی تاریخ مدرسه نوشته شده است و
 روضه معصومه شهنشاه کلاه بنهاد و بنا مدرسه و کاشی و در خوا
 تاریخ بنای کجیوان از باب حجت بنوشت صبا مدرسه شعلی شاه
 و دار الشفا اصل بنا از صفویه است و تعبیرات از نایب
 السلطه کامران میرزا پیشه و اب این شاه عباسی میرزا
 و دار الشفا پیشه که مصرع تاریخ او اینست لعنت بر نیکو باد
 بر کوریزید و اما صحن جدید سمت مشرق موسوم لصحن

امینه در پائین پا واقعت اصل بنای صحن مقدس بالوان
 و رواق از مرحوم آقا ابراهیم خاں میر سلطان پید
 و عمرش کفایت نکرد در انجام این بنا و تمام این صحن
 و ایوان و رواق مظهر را میرزا علی صغیر خاں پسر سلطان
 صدر اعظم ولد از جنبه دامن مرحوم نموده در سنه ۳۳۰ هجری
 سیصد و سه صحن مظهر و ایوان و رواق مقدس
 با تمام رسید و رواق مظهر و غرفات رواق را که در
 غرفات جنانست این کار می نموده همین طور
 ایوان مقدس را اینه بندی بسیار ممتاز نموده
 و آزاره رواق و ایوان را از سنگ مرمر مخصوص
 معدن جدید قم نموده اند و در جلوی ایوان ستونهای
 سنگ با ارتفاع استوار است که ایگونه
 ستونهای سنگ کمتر دیده شده و عجب

اینکه کتیبه ایوان با این ارتفاع را هم از سنگ
 کرده اند بسیار با جلوه و باشکوه بطریقی مرغوب
 چنانکه شاعر گوید این وضع شریف که کاش
 معجز است در رتبه با سپهر چارم برابر است
 این نقبه که نور از وی رسد برش قبر میرزا
 موسی ابن جعفر است معصومه خواهر پسر سلطان
 دین رستا همنام حبه فاطمه دختر پسر است
 شاهان بدر کاش هم آورده التی سائل پدرش
 همه خاقان و قیصر است هر کس که گشت زائرش
 بجان دل او را شفیع فاطمه فردای محشر است
 و صحن مذکور دارای چهل ستون و یک دستگاه است
 و دور نما دور حجرات که آزاره از سنگ دارد و
 کاشتهای اعلا حجرات را نیزین کرده اند و صحن

باروحی پیشند و حوض و سطین از مشرق الیه است
و قبر قطب راوندی در سمت قبلی بالای آینه
واقعه شده و از برای این صحن موقوفات کلینه کرده اند
چراغ و خدام و فراش در بان و غیره مقرر داشته
و تولیت کل روضه منوره از جانب دولت علیه
ایران بجناب المعظم والنور المفخم سیاده و فخرالسلطنه
اقای آقا سید محمد باقر حلف ارجمند مرحوم حاج میرزا
حسین متولی باشی اعلی الله مقامه پیشد که سالهاست
جدابا جد بدین خدمت نمایان مقرر و سرافرازند و حق
ادب و احترامی که در وقت دخول و خروج از روضه
منوره ازان سیدعالیجناب دیده میشود عث
شوق و غنبت خواص و تربیت عوامست و بین
خدام و خطباء و سرکشیک و سایرین از خدمه ان

استان منوره تنظیمات حسنه و اداب نکست
زمان خروج و دخول و روشن کردن چراغ و آینه
با جماع به شام و قرات قران و تنظیم چلچراغ و چراغها
بسیار در هر شب مقرر داشته که احتیاج به بیان ندارد
هر کس شرف میشود می پند و خدام کشیک ثلثه
معین و از برای هر کشیک ربیسی مقرر و نوبه معین
فرموده اند و تمام سال هر کشیک بعد از خدایت
موظفه از برای ایشان غذای مخصوص در جای
معین مالبازم ان از قهوه و غلیان چای حاضر
مینمایند و این تهیه غذا از موقوفات بیت که چند سالست
جناب میرزا یوسف خان مستر الملک برقرار
کرده و شبهای جمعه را با جفا فر از زوار و طلبه غیره
و دعوت شامست ثانی روضه رضویه بوی درگاه رضا

می آید از درگاه او آری آری بوی گلراست باد
از کلاب باری در صحن قم و قبرستان قم از
علماء و صلحا و ائمه رقبور بسیار است و در محوطه
میان قبرستان بعضی از علماء مدفونند از آنجمله قبر
زکریا بن ادم که در سفر که معظه با حضرت علی بن ابی
الرضا هم کجا و ده بود و در خبر است زکریا بن ادم حد
حضرت رضا عرض نمود میخواهم از شهر قم بیرون
روم حضرت فرمود ندان کار را مکن خداوند از
اهل بیت تو بجهت تو بار را دفع میکند چنانکه از اهل
بغداد بواسطه موسی بن جعفر و قبر مرحوم حاجی سید
جواد چسبیده بقبر زکریا بن ادم است و زکریا بن
ادریس و ابراهیم بن اسحق هم در آنجا مدفونند و قبر
سید زای قمی اعلی الله مقامه نیز در آنجا است که خاقان معقود

بقعه مختصری ساخته رقبور بسیاری از علماء در آن
محوطه است و محوطه دیگر هم است اینجا هم بعضی از
علماء مدفونند علی بن ابراهیم محمد بن قولویه قاضی ابوال
سعید اشعری با بعضی از علماء در آن محوطه طرف
مدفونند و در شرقی قبرستان علی بن ابی بویه ^{تبعه} علا
دارد و معروفست چهار صد متحا و امام زاده در قم
و آلی قم مدفونند از آنجمله قبر علی بن جعفر است که بمحرم
بن موسی در یک بقعه مدفونند بنا خطوطیکه بر سطح
مرکز نوشته شده است علی بن جعفر کوچکترین اولاد
حضرت صادق است و سل عریضیان شوی بوی
نمیشود و محمد بن موسی را در حضرت رضا است که بواسطه
کثرت عبادت و صوم صلوات حضرت موسی بن ^{حقیق} جعفر
او را لقب عابد مرحم فرموده و بعضی علی بن جعفر را

در سمنان میدانند که آثار بقعه هم موجود است
و بعضی از علمای قبر علی ابن جعفر را در عریض میدانند و
عریض یکی از دماست مشهور مدینه است و چهار
میل است تا مدینه طیبه حاصل کاشیهای بقعه علی ابن
جعفر معروفست در خوبی و امتیاز بسیار قدیمست
در سنه ۳۱۵ هجری در صند و سیرده نصب مرقد مبارک شده است
و تاریخ روضه مبارک مقصد و سی هفت است و
کاشی پیرون بقعه و الوان سر و بقعه جدید است
سنه هزار و دویست و شصت و نه نصب شده است
و این دو بیت از قصیده است که در آن کاشی سر در
این بارگاه عرض مثال از جانب کز نور طلعت بخت گذر است
پرسیدم از فرزندان این جواب کاین جایگاه مقام علی ابن جعفر است
و معروفست بکدر بهشت در بقعه علی ابن جعفر باشد

و ذکر از امام زاده های معروف قم شاه حمزه است
امام زاده جلیل القدر است که هر کس در آن بقعه حق
قسم بخورد فور بیلانی مبتلا میشود و الا ان هم در قم
رسم است اگر مدعی مدعی الیه را بخوابد قسم
بدهد در آن بقعه حاضر میشوند کمتر کسی جرات میکند
قسم بخورد در سنه ۳۱۵ هجری در صند و سیرده نیز از علی
اصغر خان صدر اعظم آن بقعه را تعمیر بسیار خوبی
نموده ولی معماران کسب متعارف نمیکند
آقراغی بنا کرده و در یکفرسخی شهر قم مسجد است آن
مسجد در سمت جنوب در وازه کاشان اتفاق
افتاده معروف بمسجد جبرکان که شیخ عقیق صالح
حسن ابن مشه جبرکانی باغات سید الوالد الحسن
در سنه ۳۹۳ هجری در صند و نو دوسه باب امام عصر عجل الله فرجه

بنا نموده و مرحوم حاجی میرزا حسین نوری اعلیٰ علیه السلام
 در کتاب نجم الثاقب شرحی در احوالات این مسجد
 نوشته و آن مسجد فضیلت بسیار دارد چهار رکعت
 نماز دارد و دو رکعت نماز نجات مسجد و دو رکعت
 نماز صاحب الزمان عجل الله فرجه که امام عصر علیه السلام
 فرموده است که من ضلیها فکانا ضلی فی بیت
 العتیق یعنی هر کس این دو رکعت نماز را در این مکان
 بگذارد و بچنان سنت دو رکعت نماز در کعبه گذارده
 باشد و آن مسجد چندی بود مخروبه شده بود در
 سنه ۱۳۱۵ هزار و سیصد و پانزده میرزا علی صفر خان
 صدر اعظم تعمیرات را رنمه او را بجا آورد و مسجد
 امام حسن عسکری که احمد ابن اسحق با ائمه امامان بنا کرده
 از یک سمت نزدیک بقبرستان و از یک سمت

بدر و از آن قم واقعت و تعمیرات آن مسجد از مرحوم
 حاجی علی نقی کاشانی میباشد در مقابل یکدر
 مسجد از میان بازار قم بمقبره هست که میگویند
 قبر احمد ابن اسحق است صحیح السنه که قبر احمد ابن
 اسحق در حلوان است همین زمان معروف
 بن کرمانشاهان و خاقان عرب و عجم و در زمان
 رز دیک رودخانه بفاصله هزار قدم تقریباً از
 سمت جنوب و بر آن قبر بنایت بنای مختصری و از
 پیچرفی انجالی و بی همتی متر دین بی نام نشان
 مانده از صد یک نفر زوار زیارت و فاتحه
 نمیرود با وجودیکه از بزرگان اصحاب ائمه
 بوده از و کلامی معروف و امام علیه السلام
 خاتم خود را بطی الارض برای تجنیز و فرستاد

شاید این قبری که در قسطنطنیه احمد بن احمد بن اسحق
 یحیی بن احمد بن اسحق باشد اعلم عند الله
 و نصب سادات قم و سادات رضویه مشهور
 مقدس موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی می شود
 موسی مبرقع هم در بلده قم مدفونست مقصود و نه هم
 در احوالات حضرت عبدالعظیم و درری مزار قابض
 الانوار حضرت عبدالعظیم ابن عبد الله بن علی بن
 الحسن ابن زید ابن الحسن ابن علی ابن مطالب علیه السلام
 که در جنوب طهران بمسافت دو ساعت راه
 اتفاق افتاده است بنا بر دو روایت که صریح امام
 فرموده او را درری زیارت نمایند نزدیک مزار
 حمزه ابن موسی ابن جعفر است اما بنیان کعبه مطهر
 از محمد الملک را در سنه ۱۰۰۰ بوده و بنیان ایوان



حضرت معصومه

حضرت عبدالعظیم

ورواق از شاه طحاسب صفوسیت بنارنج نه
 صد و چهل و چهار و در سنه هزار و دویست
 هفتاد و حسب الامر مرحوم ناصرالدین شاه گنبد
 این بزرگوار را تدفین کردند و در کتیبه گنبد
 نوشته شده است بنارک الله در عهد و سلطنت
 فرشته است سر دین بکنند کردن قوم گنبد
 اسلام ناصرالدین شاه ابوالمظفر خورشید خنده
 جهان عظیم خسته و زربان اندود خجسته قبه
 شهزاده عظیم نشان کناشت کلک سر و ش
 از برای نارنجش حکم شاه که حکمش همیشه باد
 روان هزار و دویست هفتاد و رفته از بهجت
 فرود و گشت ازین قبه قیمت زر و کان و غیره
 مظفر از خاقان معفور است و تعمیر ضریح مظفر باز



حضرت عبدالعظیم

حضرت عظیم

در ثانی از مرحوم ناصرالدین شاهست در تولیت مرحوم
اقا ابراهیم ابن سلطان بامر مرحوم ناصرالدین شاه
صحن مقدس را از نو تعمیر نموده اعیانی حجرات دورا
بکاشیهای اعلا ترین کرده و ستونهای سنگ
جلو ایوانها و در اطراف صحن و وسعت در جدید
بازار و بنای مدرسه امینه و تعمیرات دیگر را انجام
رسانید و امینه بند و نقاشی ایوان از میرزا قاضی
صدر اعظم نوری بود چون از جلوه افتاد و کهنه
بود در سنه هزار و سیصد و نه در ثانی میرزا علی
اصغر خان صدر اعظم امینه بندی ممتاز نموده و
کتیبه ایوان را تمام کاشی کاری با خط رقاع بر حبه
سیار ممتاز ساخته امینه های قدیمی بلند و در
بناد و ایوان کار گذاشته و کفش کن جنبین ایوان

حضرت عظیم

کاشی بسیار علامتار نموده و بجفت کلدسته
بامر مرحوم ناصرالدین شاه بنا نموده و این چندین
از قصیده شمس الادباء در تعریف از وضع
زمین از وضعه کشین و بر شک اندر زبستانش فرج
بخشاد جان پروریم غنبرانش بر وید خاک
در کاشمش مهورا بکیوش فشانده کرد ایوانش
همه عثمان بزرگانش حرم حضرت شریزه عظیم
انوار برج زهره و زهر بود پنجم درخشانش ز طرار
امامت مجتبی رادی ششم لاله حسن کلین علی
باغ چین زهرانی کاشش ملک فر ناصرالدین
شاه اعظم سایه یزدان که نصرت کرد دین را
ما یزدان شد جا بنانش در بنیاد بمایون
که باشد تا ابد مقرون رواق صحن ایوانش

حضرت عظیم

شد بقبرمانش طلا اندود برباش که پایتاب
 مانش منظم کرد در کاش مرتب کرد اوقاش
 و اما مراده حمزه ابن موسی ابن جعفر که جد سلاطین
 صفویه پیش در سمت قبلی برقدان بزرگوار و قسست
 که از این بقعه بفاصله چند قدم بان بقعه میروند و
 بقعه امام حمزه را دوست محمد بن محمد بن علی بن عبد
 و تعمیر نموده و ضریح نقره بامر مرحوم ناصرالدین شاه
 بمباشرت یحیی خان معتمد الملک نصب شده و اداره
 کاشی از امیر سلطان صدر عظیم است صحن امام
 زاده حمزه که تکیه باشد تعمیرات او از میرزا اسماعیل
 خان امین الملک است و درین حجرین بقعه مرحوم ناصر
 الدین شاه است که قاری و وظائف مقرر دارد و
 در سمت مشرق میان بقعه قبر مرحوم حاجی ملا علی

حضرت عظیم

کنی اعلی الله مقامه پیش درین الصحن بقعه شیخ ابوالفتح
 رازی که از اجداد علمایست پیش در صحن مقدس
 سمت مشرق مرار امام زاده طاہر است و نسب آن
 بزرگوار بعلی ابن یحیی بن مشی میشود طاہر ابن محمد ابن محمد ابن
 حسن ابن حسین ابن علی ابن یحیی ابن حسین ابن زید ابن
 علی ابن الحسین و جد مادری او علی زینبی است و علی بنی
 مادرش حضرت زینب بنت ابی المومنین است و پدرش
 عبد الله جعفر است و کاشی کاری کنند و ایوان و
 تعمیرات او بامر شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان
 که سراج الملک تعمیر نموده و مقبره امام مراده عبد الله
 ابن یحیی بیرون قصبه بفاصله چهار صد قدم و قسست
 و بقعه اش در میان باغ و قسست و نسب این
 بزرگوار بنحیث بحضرت امام زین العابدین بن مشی میشود

عبدالله بن ابراهیم بن عباس بن محمد بن عبد الله شهید
ابن حسن افطس بن علی ابن الحسین و در خرابیهای
شهری که اکنون باغ بسیار خوبیت مقبره ابن
بابویه محمد بن علی قمی مشهور بصندوق علیه الرحمه در میان
ان باغ واقعست و صندوق علیه الرحمه معاصر بود
با رکین الدوله و یحیی در سال شصت و هشتاد و یک
در ری وفات کرد بقعه او مشهور است قریب
با بن بابویه مقبره امامزاده مادی فرزند موسی ابن
جعفر است اصل مزار از کاشی قدیم میباشد و بر روی
او نوشته در عهد شاه طهماسب صفوی و مسجدی
در پشت آن واقعست و ایوان و بقعه را تعمیر
نموده اند ولی صندوق ضریح نصب نشده و بر روی
دروازه جدید حضرت عبد العظیم مقبره مرحوم آقا سید

صادق مجتهد طباطبائیست که از سادات صحیح
نسب است اصل بقعه را مستوفی الممالک میرزا
یوسف ^{نن} با حجرات و در بنا نموده در واقع امام
زاده است که پیشتر اهل طهران حدش شرف
شده اند مثل مزار مرحوم آقای میرزا ابوالقاسم
امام جمعه که در طهران بیرون دروازه قدیم حضرت
عبد العظیم بقعه دارد که بایر مرتضی صدر العظمی
در یک بقعه مدفون میشوند مرغوبست که
زمان عبور عابرین خود را از فیض فاتحه برایشان
چه نصیب نفرمایند و در مزار بی زبیده که بقعه
کنار جاده حضرت عبد العظیم است از قرار
که در زیارت نامه او میخوانند که در حق حضرت
سید الشهدا است مادرش شهر بابویه و شهر

یزدجرد پادشاه عجم که مقبره شهر بانو در کوه سمت
 مشرق رو بقبله است که سید نعمت الهجریری
 میگوید که مقبره شهر بانو در رمی مشهور است
 علی ای حال بی زبید امام زاده و از علویانست
 و روضه انخزیه حالت گریه و بکائی غریب دارد
 و در سنه هزار و سیصد و چهارده بر حسب
 اعلیحضرت شاه اسلام پناه مظفر الدین شاه
 قاجار بتعمیر از روضه منوره فرما رفت بقعه و
 اطراف بقعه را تعمیر عالی نمودند و دگر از امام زاده
 ده نامی معروف در کوهستانات ری که سمت
 شمالی طهران واقعت امام زاده داود دست که
 در فصل تابستان از دمام غریبی از زوار میشود
 مرقد این امام زاده عالیقدر در میان کوه و

دره کنار رودخانه واقعت و قبر قنبر غلامان
 حضرت نیز در اینجا است و این اجتماع نفوس
 خیرات مبراتی که در آن موضع میشود دلالت بر
 شان جلالت این بزرگوار میکند و بضرب
 پشت بعلی ابن الحسین مثنی میشود داود بن عا
 و بن جعفر ابن فوح بن عقیل ابن مادی ابن علی ابن
 الحسین چون پشتر راه در میان دره و کوه بود عبور و
 مرور زوار با مرئوس لطنه کامران سیر ز راه راز
 بغل کوه بریده اند و جاده بسیار خوبی ساخته قبور
 بسیار از امام زاده کان عالی مقام در کوهستانات
 ری و اطراف آن پیدا شد مثل امام زاده صالح ابن
 ابن جعفر که در تخریش است که آثار بقعه و از خاقان
 معفور است و امام زاده قاسم در مقدمه شهران

خاتمه

وامام زاده قاضی صابرونکی درونک که امامزاده
 صحیح النسب است و در سمت غربی طهران مزار منور امام
 زاده حسن پیداست که از بنی اعمام حضرت عبدالعظیم
 و ائمه نقشبان از یک شجره است بر حجت نصیب
 این امام زاده محترم بمنا بقاع و آثار و ظهور انوار است
 که در هر صباح مساج مشایده میشود و در سمت شرقی طهران
 دو مزار است بفاصله کمیدان که یکی مشهور بمامزاده
 اهل علی که تقبه او را حاجی محمد حسن تاجر بنا کرده یکی
 دیگر تقبه مقدس کنیه خواتون که در زیارت نامه او
 نوشته خواهر حضرت رضا علیه السلام است بحاصل
 این فهرست مختصری بود از احوالات مزارات
 و عمارات ائمه شریفه و مشایده مقدسه حضرت
 رسول و ائمه مبین علیهم السلام و بعضی از اولاد

خاتمه

و ذریه آن بزرگوار با الحی و الانصاف که شیعیان
 و دوستان خانواده رسالت بهیچ وجه کوتاهی در
 تعمیرش بدتبرکه و ترویج مزارات مقدسه نموده اند
 و این سبب آن میشود تا مادامیکه اثران باقی باشد
 بدیه و ثواب بروج بانی و اصلست شعر که خبری
 کرد چون محل بدان عالم کشید روح او را بر نفس
 فیض در خواهد رسید غرض از نوشتن نام بانیان
 روضات با برکات جز این نیست که بدانند نام
 اینها روزگار باقی می ماند و آنچه حاصل عمر است نام
 نیک ثواب که رین دو در گذری کل علیین
 فان حمد خدای را که روز بروز مشایده شریفه ائمه طاهران
 آباد تر و اخلاص شیعیان زیاده تر میشود و نور خدا
 ساعت بساعت روشن تر میشود و هر سالی گرد

کرو فیض زیارت ایشان فایز میشوند و قبور مطهر
 ایشان بجا و پناه شیعیانست اهل عباد و برچسبند
 خواستند و آنچه سعی کردند که از قبور ائمه بدری غاصه
 حضرت سید شهادت اثار بی باقی نماند شواستند
 نوز خدا خاموش کنند و معلوم نیست که قبور اهل عبادت
 در کدام جای از زمین پیدا شود و اگر هم معلوم باشد کسی را
 سال بسال نجات دهد و نمیکند و غریب تر آنکه از اولاد
 آنها هم اثری باقی نیست صاحب تاریخ کذیده گوید
 نشان بد کرداری و نیکو کاری را از اینجا میتوان قیاس
 کرد که یزید ملعون را سیزده پسر بود این فرزندان
 یکی را نام و نشان نیست و از نسل پاک حضرت امام حسین
 که تنها امام زین العابدین علیه السلام ماند هزاران نفر از آن
 سادات علویات در جهان پیش اند خدا تعالی

برکت در نسل فاطمه علیها سلام نهاد و از شتم نرید
 علیه لعنه میرید و از قبورشان کسی نشان نمیدهد شام
 نر بجهت میگویند قبر یزید ملعونست و اهل شام
 حتی از یهود و نصاری که در شام میباشند شوم میدانند
 که از آن سمت عبور نمایند اگر بر سبیل شقاق از اینجا بگذرند
 قاعده چنین جاری شده شتی سنگ و خاک پیدا
 بان نر بجهت میباشند که اکنون تکی شده است اما قبور
 اولاد رسول خدا و فاطمه زهرا سال بسال بر حسب نام
 و مکان و نشان بلندتر میشود و با علی علیه السلام میرسد
 و قباب رفیعه عالیه از خاک مرار فرزندان سید
لولاک بسوی قباب افلاک را فراشته شود
 یکدلیل بر حقیقت دین مبین حضرت ختمی باب اثار
 بقاع ائمه معصومین و ذریه طاهرين انجاست و السلام

تاجدار و مخلصین شیعه در تعمیر اقد و زیارات
 ایشان افتخار دارند تا کنون تقریباً صد هزار حجره
 و کرامت از قبور ایشان دیده شده و از قبور
 ائمه گذشته در حد و وعیم و امالی ایران قبور بسیار
 از اولاد سید عالم رسول مکرّم پیدا شد مثل مزار طاهر
 و شتر موسی بن جعفر در شهر قم و چندین امامزاده ذکر
 در ری حضرت عبدالعظیم با بعضی ذکر و در طهران
 امامزاده زید حسنی و سید ولی و سید نصر الدین
 و امامزاده سید اسمعیل و امامزاده یحیی با بعضی ذکر
 و در قزوین امامزاده حسین فرزند امام محمد تقی با
 بعضی و در کاشان امامزاده حبیب ابن موسی الکاظم
 با سرامامزاده ما و در شیراز سید میر احمد ابن
 موسی الکاظم معروف بشاه چراع که خاقان مغفور

ضریح نقره نصب نموده با بعضی ذکر و در یزد
 امامزاده جعفر که امامزاده جلیل القدر می باشد
 و در اصفهان شاهزاده احمد با بعضی ذکر و در اصفهان
 امامزاده جعفر فرزند امام زین العابدین و امامزاده
 محمد که تیمور کو رکاب بنای انجا را کرده و سزا و اولاد ائمه
 که در شهر با چه در اطراف مدفون پیداشد که همه
 منوی خدام و مصارف چراغ و موقوفات دارند
 و بدو واعانت حق کارکنان این دولت و بزرگان
 این ملت هر یک بوضع خوشی می باشند و آثار عظام
 که بر مزارات ائمه اطهار است تماماً از سلاطین مجست
 و سلاطین صفویه انرا را همه پراهنیم در بنای روضات
 مطهرات ائمه و ذریه حضرت رسول اهتمام تام داشتند
 و در عهد سلطت قاجاریه خصوصاً مرحوم ناصرالدین شاه

که هر ساله در تعمیر و توسیع هر مشهدی فرمان میداد
بر عمارات مشایخ و شریفان افزوده شد و بهین طور در
عهد این پادشاه تاجدار سلطان سلاطین و اکتافان
انحوائین ظل الله مظفر الدین شاه قاجار که امید است
انشاء الله تعالی خدمات شایسته سلاطین ماضین در
عهد دولت این پادشاه با غر و مکتب تکمیل گردد
مناسب است که این قصیده سلامیه که مشتمل بر
مدح حضرت علی ابن موسی الرضا و وصیت خالص
و ورود براضی اقدس و استان مقدس عرض نموده
بنگاریم تا اینکه کتابت طایب بصیبت حضرت ابی جعفر محمد

قصیده سلامیه

عزیز طوس سلام علیک الف سلام کرد و بیان جزین
تونی که حجت پروردگار نور خدا این حضرت حق و مقتدا

قصیده سلامیه

تونی بشهر خراسان ستاره احمد ز نور کسبد تور و نور
تونی که بهر حالات بستاند ستاره فوج ملائک از علای
تونی که ضامن ابرو شدی بر صبا رهاکننده صید غزال از دای
تونی بشهر نشابور اخذیث شرف پنهان نموده شروط حدیث
تونی که جای قدم و صحن باغ خلد زمین دست تو جاری رخسار
تونی که وعده نمودی بهر مسلمانی که در سوال کنیز کن بدیش
ز حکمت از عدم آمدن محبس مان و شیر برده که طعمه نموده شوم
امام ماضی فی حضرت داور پناه و پناهی هر بنوا ز خدای
تونی که وقت وداع مدینه امر نمودی عیال خویش که تو کنند
تونی که زهر جفا بخت روزگار بکاشت شهر طوس غریبانده جان
تو پادشاه حجازی بطوس از چرخ چرخد که دور شهر دیا را
بلی زنده زنده در ساخت ال علی ز ظلمتی برایشان بچند
مدینه و نجف و کربلا کن ره بغداد بطوس سمره جعفر و بدر

قصه سلایم

علی الخصوص کنار فرات حضرت حسین آنکه از او دین حق گرفت
 غریب تر مکر از وی کسی نشاند و می که کینه می زد میان کوفی و شامی
 ستاده بود غریبه انداز نمود حبیب سلم و عباس کس نفیست
 علی که بر قاسم بر آنکه طلبید همه بجان و خون دیدار آن بجا
 فدای غریب نطوم کرد بلا کردم بخت به شمارم ز درد و ناشکیبایی
 غریبی و عطش یکسوی مرکب را در خیال مضطرب و داغ نوجوان گرامی
 دو نه زب بپای رفته غریز فاطمه را کس ندان قطره جانی
 ز نه طفل صغیرش ز قوم انجمن چار سید بر آنکه ز حکم محرم
 جواب دند و دند و حلق و کشت بریده کشت سراسر زهر تلخ ناله
 بس است زار غمیده این حضور حجت حق پیش از این بکلی
 مکر امام زمان حجت خدا اید بقلبهای جزین غمین و بدکار
 شما قبول کن از لطف و علم نبود محب و زار و مداح زین العابدین
 بن من کجا مدح ال پیغمبر که هست جامع قول امام مدح

ممت

تو که عادت احسان سنجید گریست ز لطف رحمت که نظر با تو
 الا که تا که سلامت بر رسول موم بروج پاک امان در فوج
 سلام بر همه اولاد مصطفی با داد بحد و قمری هر کجا نشاند
 خدمت تربیت اب لیس الشریفه سعی این خادم الزائرین اقل
 الزائر محرمادی طهرانی فی شهر جمادی
 سنده زار و سید پست یک در کر بلا معالی تمام یافت در همه
 اعتاب عالیها التماس دعا در رم

بعضی عبارات علی و مورخین در این نسخه درج شده که از این نسخه است
 حضور حجت حق پیش از این بکلی
 بقلبهای جزین غمین و بدکار
 محب و زار و مداح زین العابدین
 که هست جامع قول امام مدح



Handwritten text in a rectangular frame, likely a manuscript page. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is enclosed within a green border. The page shows signs of age and wear, with some discoloration and faint markings.

